



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
الصلوة
والسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

دیر سبھی



دیر سبھی کی تصویریں
میں نے اپنے دل سے لے لی ہیں

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدیریت مسجد

نویسنده:

گروه پژوهشهای کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	مدیریت مسجد
۱۲	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۷	فهرست
۲۸	سخن ناشر
۳۰	پیش گفتار
۶۶	بخش اول: اصول و وظایف مدیریت
۶۶	اشاره
۶۸	شناخت واژگانی و اصطلاحی مدیریت
۷۲	مدیریت اسلامی
۷۵	پیشینه دانش مدیریت
۷۶	اهمیت و ضرورت فراگیری مدیریت
۸۰	ویژگی های مدیر
۸۰	اشاره
۸۱	۱-ایمان و تقوی
۸۱	۲-عدالت و امانتداری
۸۲	۳-توانایی
۸۵	۴-اخلاق و برخورد نیکو و زیبا
۸۶	۵-سعه صدر، تغافل، تسلط بر خود
۸۹	۶-خردورزی و دوراندیشی
۹۰	۷-تعادل
۹۱	۸-تواضع
۹۶	۹-جدی، پر تلاش و پیشگام

۹۷	۱۰- صداقت و وفای به پیمان
۹۸	۱۱- خواهان دانش جدید و افق های نوین فعالیت
۹۹	اصول و روش های مدیریت
۹۹	اشاره
۹۹	اصل اول: شناخت وظایف و اهداف
۱۰۰	اصل دوم: جمع آوری اطلاعات و شناخت محیط
۱۰۱	اصل سوم: مشورت
۱۰۴	اصل چهارم: طرح و برنامه ریزی
۱۰۶	اصل پنجم: تعیین مسئولیت و تقسیم کار
۱۰۷	اصل ششم: پی گیری و استقامت
۱۰۹	اصل هفتم: سنجش و ارزیابی
۱۱۱	اصل هشتم: انعطاف پذیری در اجرا
۱۱۱	اصل نهم: کنترل و نظارت
۱۱۳	اصل دهم: توسعه فعالیت
۱۱۴	اصل یازدهم: نظم و تقسیم اوقات
۱۱۷	اصل دوازدهم: جذب و مشارکت مردم
۱۱۹	اصول مدیریت از دیدگاه کارشناسان مدیریت
۱۲۴	وظایف و مسئولیت های اساسی مدیریت
۱۲۴	اشاره
۱۲۶	۱. تدوین استراتژی «تعریف مأموریت و اهداف»
۱۲۶	اشاره
۱۲۷	الف) تعریف مأموریت
۱۲۷	ب) تعیین هدف کلی و اهداف مشخص و جزئی
۱۲۹	۲. انتخاب و گزینش همکاران و تأمین نیروی انسانی توانا و متعهد
۱۳۷	۳. مدیریت و رهبری منابع انسانی
۱۳۷	اشاره

۱۴۰	الف) هدایت و انگیزش سازمانی
۱۴۲	ب) ارتباطات سازمانی
۱۴۲	اشاره
۱۴۵	عوامل مؤثر در برقراری ارتباطات سازنده
۱۴۷	سبک های مختلف مدیریت و رهبری سازمانی
۱۵۲	۴. برنامه ریزی
۱۵۴	۵. ساماندهی
۱۵۴	اشاره
۱۵۶	تقسیم وظایف و کارها
۱۵۸	مبانی سازماندهی
۱۵۸	ترسیم نمودار تشکیلاتی
۱۵۹	۶. کنترل و نظارت
۱۵۹	اشاره
۱۶۰	مراحل کنترل و نظارت
۱۶۰	۷. تصمیم گیری
۱۶۲	۸. خلاقیت و نوآوری در سازمان
۱۶۴	بخش دوم: سازمان و شرح وظایف مسئولان مسجد
۱۶۴	اشاره
۱۶۶	سازمان و تشکیلات مسجد
۱۷۰	مأموریت و اهداف مسجد
۱۷۰	اشاره
۱۷۱	۱. اقامه فریضه نماز و عبادت
۱۷۳	۲. آموزش کتاب الهی قرآن کریم
۱۷۶	۳. تربیت، تهذیب و پرورش انسان های با ایمان و شایسته
۱۷۸	وظایف و مسئولیت های مسجد
۱۷۹	الف) مرکز عبادت فردی و جمعی

۱۸۰ (ب) تعلیم و آموزش
۱۸۲ (ج) تربیت و پرورش
۱۸۲ (د) فرهنگ و تمدن سازی
۱۸۳ (ه) جامعه پذیری و جامعه سازی دینی
۱۸۵ (و) هدایت سیاسی
۱۸۵ (ز) حل اختلافات و عدالت گستری
۱۸۶ (ح) ستاد فرماندهی نظامی
۱۸۹ امام جماعت
۱۹۰ ویژگی های امام جماعت
۱۹۰ امام جماعت باید از نظر فقهی
۱۹۱ باید از نظر وضعیت ظاهری
۱۹۱ باید از نظر گفتار
۱۹۲ باید از نظر برخورد
۱۹۲ مهارت های امام جماعت
۱۹۴ شرح وظایف امام جماعت
۱۹۴ اشاره
۱۹۵ الف : اقامه نماز جماعت
۱۹۶ ب : تعلیم و تربیت و نشر معارف
۱۹۸ ج : رهبری و مدیریت مسجد
۱۹۹ د : ارتباطات
۲۰۰ پیروی از سیره نبوی، رمز موفقیت امام جماعت
۲۰۲ بخش نخست: سیره فردی و اجتماعی
۲۰۲ ۱- نظافت
۲۰۳ ۲- مسواک
۲۰۵ ۳- آراستگی ظاهر
۲۰۸ ۴- تزئین

- ۲۰۹ ----- ۵- استفاده از عطر و مشک
- ۲۱۱ ----- ۶- سلام کردن
- ۲۱۳ ----- ۷- مصافحه
- ۲۱۴ ----- ۸- گشادگی چهره
- ۲۱۵ ----- ۹- برقراری ارتباط عاطفی و صمیمانه
- ۲۲۰ ----- ۱۰- احترام و ادب
- ۲۲۲ ----- بخش دوم: سیره عبادی
- ۲۲۲ ----- اشاره
- ۲۲۳ ----- ۱- خلوت با خدا
- ۲۲۳ ----- ۲- حمد و ستایش الهی
- ۲۲۴ ----- ۳- استغفار
- ۲۲۵ ----- ۴- قرائت قرآن
- ۲۲۵ ----- ۵- روزه
- ۲۲۶ ----- ۶- اعتکاف
- ۲۲۶ ----- ۷- نیایش شبانگاهی
- ۲۲۸ ----- ۸- اقامه نماز
- ۲۲۸ ----- آداب اقامه نماز
- ۲۲۸ ----- اشاره
- ۲۲۹ ----- الف) کسب آمادگی روانی
- ۲۲۹ ----- ب) توجه قلبی و دعا هنگام ورود به مسجد
- ۲۳۰ ----- ج) اقامه نماز در اول وقت
- ۲۳۱ ----- د) دعا قبل و بعد از تکبیره الحرام واستعاذه قبل از قرائت حمد
- ۲۳۳ ----- ه) خشوع و حفظ آرامش ظاهر در نماز
- ۲۳۶ ----- و) با نشاط و بدون کسالت و خمیازه
- ۲۳۸ ----- ز) حفظ حضور قلب در تمام نماز
- ۲۳۹ ----- ح) اقامه نماز به صورت وداع گونه

۲۴۰	ط) بعد از نماز رویش را به طرف مردم برگرداند
۲۴۱	دو تذکر مهم
۲۴۱	۱. بدون رضایت مردم، بر آنان امامت نکند
۲۴۲	۲. از طولانی شدن نماز به شدت پرهیز کند
۲۴۳	هیئت اُمناء
۲۴۳	اشاره
۲۴۵	شرایط عضویت در هیئت امناء
۲۴۶	شرح وظایف هیئت اُمناء
۲۴۸	شرح وظایف دبیر اجرایی هیئت اُمناء
۲۴۹	شرح وظایف مسئول امور اداری
۲۴۹	شرح وظایف مسئول امور مالی و حسابداری
۲۵۰	شرح وظایف مسئول امور فرهنگی
۲۵۰	شرح وظایف مسئول امور ساختمان مسجد
۲۵۱	شرح وظایف مسئول امور اجتماعی و خدمات
۲۵۱	مراحل انتخاب، گزینش و نصب هیئت امانا
۲۵۲	هیئت امانا و زمینه های نوین فعالیت
۲۵۶	هیئت امانا و اهتمام به مسایل جوانان
۲۶۲	پایگاه مقاومت بسیج
۲۶۲	هدف
۲۶۳	مأموریت
۲۶۳	شرح وظایف
۲۶۶	ارتباطات سازماندهی
۲۶۷	خادم مسجد
۲۶۷	اشاره
۲۶۸	شرایط خادم
۲۶۹	شرح وظایف خادم

۲۷۰	اخلاق و رفتار خادم
۲۷۱	احکام مسجد
۲۷۱	الف) حفظ حرمت و تطهیر مسجد
۲۷۳	ب) حفظ ساختمان و اموال مسجد
۲۷۴	ج) آداب و مستحبات ورود به مسجد
۲۷۴	د) مکروهات مسجد
۲۷۴	ه) اذان و نماز در مسجد
۲۷۵	تذکرات مهم
۲۸۴	منابع و مأخذ
۲۸۹	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: مدیریت مسجد / تهیه و تنظیم گروه پژوهش های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر: انتشارات ثقلین

صفحه بندی و ناظر چاپ: عباس رحیمی

ISBN 964 - 9960 - 14 - 7

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. 267 - 270 ؛ همچنین به صورت زیر نویس.

1 . مسجدها - مدیریت.

2. مسجدها - آداب و رسوم. 3. مدیریت (اسلام).

تهیه و تنظیم: گروه پژوهش های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

لیتوگرافی و چاپ: چاپ نینوا - قم

قطع و تعداد صفحه: رقیعی - 270 صفحه

چاپ و تیراژ: چاپ اول - 5000 نسخه

تاریخ: اسفند 1386

نشانی: انتشارات ثقلین: قم - خیابان انقلاب - چهارراه سجادیه کوچه شماره 33 - پلاک 13

تلفن 7734467 - دورنویس 7732864

مؤسسه فرهنگی ثقلین: تهران - تهرانپارس - بین فلکه دوم و سوم خیابان 182 غربی - پلاک 6

تلفن 77702312 - دورنویس 77881452

شماره شابک 964 - 9960 - 14 - 7

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

تهیه و تنظیم گروه پژوهش های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ص: 3

عنوان و نام پدیدآور: مدیریت مسجد/ تهیه و تنظیم گروه پژوهش های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر: انتشارات ثقلین

صفحه بندی و ناظر چاپ: عباس رحیمی

ISBN 964 - 9960 - 14 - 7

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. 267 - 270 ؛ همچنین به صورت زیر نویس.

1. مسجدها - مدیریت.

2. مسجدها - آداب و رسوم. 3. مدیریت (اسلام).

تهیه و تنظیم: گروه پژوهش های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

لیتوگرافی و چاپ: چاپ نینوا - قم

قطع و تعداد صفحه: رقعی - 270 صفحه

چاپ و تیراژ: چاپ اول - 5000 نسخه

تاریخ: اسفند 1386

نشانی: انتشارات ثقلین: قم - خیابان انقلاب - چهارراه سجاده کوچه شماره 33 - پلاک 13

تلفن 7734467 - دورنویس 7732864

مؤسسه فرهنگی ثقلین: تهران - تهرانپارس - بین فلکه دوم و سوم خیابان 182 غربی - پلاک 6

تلفن 77702312 - دورنویس 77881452

شماره شابک 964 - 9960 - 14 - 7

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

ص: 4

سخن ناشر *** 11

پیش گفتار *** 13

سخنرانی حجه الاسلام والمسلمین ابراهیمی در همایش علمی - کاربردی مدیریت مسجد *** 19

بخش اول: اصول و وظایف مدیریت

شناخت واژگانی و اصطلاحی مدیریت *** 51

مدیریت اسلامی *** 55

پیشینه دانش مدیریت *** 58

اهمیت و ضرورت فراگیری مدیریت *** 59

ویژگی های مدیر *** 63

1 - ایمان و تقوی *** 64

2 - عدالت و امانتداری *** 64

3 - توانایی *** 65

4 - اخلاق و برخورد نیکو و زیبا *** 68

5 - سعه صدر، تغافل، تسلط بر خود *** 69

6 - خردورزی و دوراندیشی *** 72

7 - تعادل *** 73

8 - تواضع *** 74

9 - جدّی، پر تلاش و پیشگام *** 79

10 - صداقت و وفای به پیمان *** 80

11 - خواهان دانش جدید و افق های نوین فعالیت *** 81

اصول و روش های مدیریت ***

82

اصل اول: شناخت وظایف و اهداف *** 82

اصل دوم: جمع آوری اطلاعات و شناخت محیط *** 83

اصل سوم: مشورت *** 84

اصل چهارم: طرح و برنامه ریزی *** 87

اصل پنجم: تعیین مسئولیت و تقسیم کار *** 89

اصل ششم: پی گیری و استقامت *** 90

اصل هفتم: سنجش و ارزیابی *** 92

اصل هشتم: انعطاف پذیری در اجرا *** 94

اصل نهم: کنترل و نظارت *** 94

اصل دهم: توسعه فعالیت *** 96

اصل یازدهم: نظم و تقسیم اوقات *** 97

اصل دوازدهم: جذب و مشارکت مردم *** 70

اصول مدیریت از دیدگاه کارشناسان مدیریت *** 102

وظایف و مسئولیت های اساسی مدیریت *** 107

1. تدوین استراتژی «تعریف مأموریت و اهداف» *** 109

الف) تعریف مأموریت *** 110

ب) تعیین هدف کلی و اهداف مشخص و جزئی *** 110

2. انتخاب و گزینش همکاران و تأمین نیروی انسانی توانا و متعهد *** 112

3. مدیریت و رهبری منابع انسانی *** 120

الف) هدایت و انگیزش سازمانی *** 123

ب) ارتباطات سازمانی *** 125

عوامل مؤثر در برقراری ارتباطات سازنده *** 128

سبک های مختلف مدیریت و رهبری سازمانی *** 130

ص: 6

4 . برنامه ریزی *** 135

5 . ساماندهی *** 137

تقسیم وظایف و کارها *** 139

مبانی سازماندهی *** 141

ترسیم نمودار تشکیلاتی *** 141

6 . کنترل و نظارت *** 142

مراحل کنترل و نظارت *** 143

7 . تصمیم گیری *** 143

8 . خلاقیت و نوآوری در سازمان *** 145

بخش دوم: سازمان و شرح وظایف مسئولان مسجد

سازمان و تشکیلات مسجد *** 149

مأموریت و اهداف مسجد *** 153

1 . اقامه فریضه نماز و عبادت *** 154

2 . آموزش کتاب الهی قرآن کریم *** 156

3 . تربیت، تهذیب و پرورش انسان های با ایمان و شایسته *** 159

وظایف و مسئولیت های مسجد *** 161

الف) مرکز عبادت فردی و جمعی *** 162

ب) تعلیم و آموزش *** 163

ج) تربیت و پرورش *** 165

د) فرهنگ و تمدن سازی *** 165

ه) جامعه پذیری و جامعه سازی دینی *** 166

و) هدايت سياسى *** 168

ز) حل اختلافات و عدالت گستري *** 168

ح) ستاد فرماندهى نظامى *** 169

ص: 7

امام جماعت *** 172

ویژگی های امام جماعت *** 173

باید از نظر وضعیت ظاهری *** 174

باید از نظر گفتار *** 174

باید از نظر برخورد *** 175

مهارت های امام جماعت *** 175

شرح وظایف امام جماعت *** 177

الف : اقامه نماز جماعت *** 178

ب : تعلیم و تربیت و نشر معارف *** 179

ج : هدایت و مدیریت مسجد *** 181

د : ارتباطات *** 182

پیروی از سیره نبوی، رمز موفقیت امام جماعت *** 183

بخش نخست: سیره فردی و اجتماعی *** 185

1 - نظافت *** 185

2 - مسواک *** 186

3 - آراستگی ظاهر *** 188

4 - تزئین *** 191

5 - استفاده از عطر و مشک *** 192

6 - سلام کردن *** 194

7 - مصافحه *** 196

8 - گشادگی چهره *** 197

9- برقراری ارتباط عاطفی و صمیمانه *** 198

10 - احترام و ادب *** 203

بخش دوم: سیره عبادی *** 205

1 - خلوت با خدا *** 206

ص: 8

2 - حمد و ستایش الهی *** 206

3 - استغفار *** 207

4 - قرائت قرآن *** 208

5 - روزه *** 208

6 - اعتکاف *** 209

7 - نیایش شبانگاهی *** 209

8 - اقامه نماز *** 180

آداب اقامه نماز *** 211

الف) کسب آمادگی روانی *** 212

ب) توجه قلبی و دعا هنگام ورود به مسجد *** 212

ج) اقامه نماز در اول وقت *** 213

د) دعا قبل و بعد از تکبیره الحرام واستعاذه قبل از قرائت حمد *** 214

ه) خشوع و حفظ آرامش ظاهر در نماز *** 216

و) با نشاط و بدون کسالت و خمیازه *** 219

ز) حفظ حضور قلب در تمام نماز *** 221

ح) اقامه نماز به صورت وداع گونه *** 222

ط) بعد از نماز رویش را به طرف مردم برگرداند *** 223

دو تذکر مهم *** 224

1. بدون رضایت مردم، بر آنان امامت نکند *** 224

2. از طولانی شدن نماز به شدت پرهیز کند *** 194

هیئت اُمناء *** 226

شرایط عضویت در هیئت امناء *** 228

شرح وظایف هیئت امناء *** 229

شرح وظایف دبیر اجرایی هیئت امناء *** 231

شرح وظایف مسئول امور اداری *** 232

ص: 9

شرح وظایف مسئول امور مالی و حسابداری *** 232

شرح وظایف مسئول امور فرهنگی *** 233

شرح وظایف مسئول امور ساختمان مسجد *** 233

شرح وظایف مسئول امور اجتماعی و خدمات *** 234

مراحل انتخاب، گزینش و نصب هیئت امناء *** 234

هیئت امناء و زمینه های نوین فعالیت *** 235

هیئت امناء و اهتمام به مسایل جوانان *** 239

پایگاه مقاومت بسیج *** 245

هدف *** 245

مأموریت *** 246

شرح وظایف *** 246

ارتباطات سازماندهی *** 249

خادم مسجد *** 250

شرایط خادم *** 251

شرح وظایف خادم *** 252

اخلاق و رفتار خادم *** 253

احکام مسجد *** 254

الف) حفظ حرمت و تطهیر مسجد *** 254

ب) حفظ ساختمان و اموال مسجد *** 256

ج) آداب و مستحبات ورود به مسجد *** 257

د) مکروهات مسجد *** 257

ه) اذان و نماز در مسجد *** 257

تذکرات مهم *** 258

فهرست منابع و مآخذ *** 267

ص: 10

انسان در طول تاریخ برای کسب معرفت و شناخت همواره از دو منبع بهره می برده است. یکی وحی و حجت ظاهری است که خداوند به واسطه پیامبران و از طریق کتب آسمانی، انسان را با حقایق پیدا و نهان جهان آشنا کرده است و منبع دیگر عقل و حجت باطنی است که آدمی از راه دقت در پدیده های طبیعی و تلاش فکری و تجربی به کسب معرفت و دانش نائل شده است.

مجموعه حاضر تحت عنوان «مدیریت مسجد» که در تدوین آن هم از وحی استفاده شده است هم از عقل و تجربیات بشری نشان می دهد که عقل و وحی مکمل یکدیگر و تأمین کننده سعادت بشر می باشند. انتشارات ثقلین که افتخار دارد معارف گرانقدر قرآن و اهل بیت را و نیز مسجد را به عنوان پایگاه قرآن و اهل بیت منتشر نماید.

این اثر گرانسنگ را به مدیران طبیعی مساجد یعنی ائمه جماعات و نیز سایر علاقمندان به معارف قرآن و اهل بیت تقدیم می نماید.

انتشارات ثقلین

ص: 11

حمد و سپاس بی‌کران خداوند یکتایی را سزد که انسان را برای عبادت و عبودیت خویش بیافرید و او را مسجود و معلّم فرشتگان قرار داد و با فرستادن پیامبران الهی و کتب آسمانی او را هدایت نمود.

درود و صلوات بر همه انبیا و اولیای الهی به ویژه خاتم پیامبران که آخرین برنامه هدایت را دریافت و به همه جهانیان ابلاغ فرمود و بر اهل بیت پاک و مطهرش باد.

مسجد اصلی‌ترین پایگاه دین، اخلاق و معنویت و برترین مکان تقویت ایمان و عالی‌ترین مرکز کسب آگاهی و بصیرت و والاترین کانون احیا و تقویت اندیشه و فرهنگ ناب اسلامی و زیباترین جایگاه تربیت و پرورش انسان‌های وارسته و مهم‌ترین مکان گسترش فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در جهان اسلام است. آری مسجد، مقدس‌ترین مکان برای نیایش و یاد خداوند متعال و مشعل همواره فروزان هدایت و سنبل و نماد توجه به ارزش‌های والای انسانی و احیاگر هویت فرهنگ و هنر اسلامی و مرکز پیش‌گیری و کاهش بزهکاری‌های اجتماعی است.

بدینسان مسجد قلب تپنده ای است که در آن آسمان و زمین و علم و عمل، با هم پیوند می خورند و انسان به عنوان گل سرسبد نظام هستی در آن، رشد و تکامل می یابد. لازم به ذکر است که این طراحی خداوند متعال است که با فرو فرستادن وحی و آموزه های وحیانی، چنین طراحی کرده که هر فرد و جامعه بتواند از مسجد، این محور پاک و مقدس و الهام بخش، تکامل خودش را آغاز کند و بر اساس این محور تعالی یابد و پیامبر گرامی اسلام نخستین مجری آن می باشد.

اگرچه مسئولیت اصیل و نخستین مسجد به عنوان کانون ارتباط عبادی انسان با خداوند متعال و اقامه نماز جماعت و برگزاری آیین کرنش و نیایش واجب و مستحب در برابر هستی مطلق و حضرت حق است ولی در میان جوامع مسلمان، هیچ گاه اهداف، مأموریت، کارکرد و فعالیت های مسجد به اقامه نماز و عبادت، محدود نشده است؛ بلکه از صدر اسلام تاکنون، مسجد مرکز تعلیم و تعلّم معارف الهی و علوم بشری، جایگاه فرهنگ سازی و اطلاع رسانی، مجلس شور و مشورت سیاسی - اجتماعی، ستاد فرماندهی و ساماندهی امور نظامی و محل رسیدگی به امور گوناگون مسلمانان بوده است.

هرچند کارکردهای مختلف و متنوع مساجد در دوره های مختلف تاریخ، فراز و نشیب بسیاری یافته است، ولی همواره مساجد، نقش بسیار مهم و زیادی در هدایت و سعادت امت اسلامی ایفا کرده اند به ویژه آن گاه که با مدیریت صحیح از جایگاه و ظرفیت گسترده و گوناگون آنها به خوبی بهره برداری شده است.

مسجد را می توان از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار داد ولی از دید

مدیریتی، مسجد، مجموعه ای مقدس و کانونی چند منظوره با گستردگی بسیار زیاد و عمومیت و شمولی فراگیر است که تک تک آحاد امت اسلامی را با تنوع و تفاوت زیاد به خود جذب نموده و از معنویت و دانش و هدایت خود بهره مند ساخته است.

برای مدیریت یک مرکز و مجموعه، باید نخست اهداف، مأموریت و کارکردهای آن را به خوبی بازشناخت و بر اساس آن اهداف به تدوین برنامه ای استراتژیک، راهبردی و اجرایی پرداخت و در مرحله اجرا، از همه ظرفیت های مسجد بهره برداری نمود تا اهداف و مأموریت اصلی و اصیل آن مرکز محقق گردد. ان شاء الله .

خوشبختانه همواره هر مسجد دارای مدیریتی معین و مشخص بوده است؛ برابر سیره مستمر مسلمانان در طول تاریخ، امام جماعت هر مسجد، به طور طبیعی مدیر آن مسجد نیز بوده است به همین جهت مقام معظم رهبری حضرت آیه الله

العظمی خامنه ای تصریح فرموده اند:

«مسجد یک مدیر طبیعی دارد و آن امام جماعت است».

با عنایت به این که مدیریت، دانش و فنی است که استعدادهای طبیعی آدمی را در اداره امور فردی و اجتماعی شکوفا ساخته و فعلیت می بخشد و انسان را در حداکثر استفاده از حداقل امکانات، برای دستیابی به بهترین نتیجه، توانا می سازد، بر این اساس فراگیری دانش و مهارت مدیریت و به کار بستن اصول و تکنیک های آن از سوی امام جماعت مساجد، ضرورتی است که نه تنها

ص: 15

او را برای انجام بهتر امور مختلف مسجد با صرف وقتی کمتر یاری می دهد و کیفیت و کمیت نتایج برنامه ها را افزایش می دهد؛ بلکه ابعاد و ظرفیت های گوناگون مسجد را احیا نموده و زنده می سازد و مسجد و برنامه های آن را برای همه اقشار به ویژه جوانان جذاب تر می سازد.

اگرچه در عرصه تئوری پردازی، مساجد پایگاه گسترش تفکر و آموزش آموزه های دینی و جهاد فکری و هدایت مردم، نشر تعالیم اسلامی بلکه مراکز الهام بخش بشریت و محور دستیابی به کمال پیشرفت و توسعه جامعه بشری است، ولی هم اکنون در عرصه عمل، نیازهای کنونی جهان اسلام به کارکردهای گسترده مساجد، فراتر از فعالیت های فعلی آن است و برای به روز کردن پاسخگویی مساجد، اقدامات بسیاری ضروری است.

یکی از اقدامات لازم و ضروری، ارتقای سطح آگاهی های امام جماعت به عنوان مدیر و دیگر منابع انسانی به عنوان هیئت امنا از طریق برگزاری دوره های آموزشی تخصصی و تغذیه فکری مداوم آنها از طریق آموزش های حضوری و غیرحضوری است.

مرکز رسیدگی به امور مساجد برابر وظیفه و مسئولیت الهی و قانونی خویش، دوره های آموزشی ویژه ای را برای امامان جماعت طراحی و برای اجرای آن، متون آموزشی لازم را تدوین کرده است.

آنچه پیش رو دارید، مباحثی است که در دو بخش:

1. پیرامون ویژگی های اکتسابی، وظایف و مسئولیت ها، اصول، مبانی، روش و تکنیک های مدیریت.

2. تشکیلات و شرح وظایف مسئولان مسجد طراحی و تدوین شده و به عنوان متن درسی «مدیریت مسجد» توسط فاضل گراندقدر حجه الاسلام دکتر علی محمدی آشنانی به نگارش درآمده است.

امید می رود پرچمداران عبودیت و بندگی و پیشگامان اقامه نماز و نیایش به درگاه خداوند یعنی امامان جماعت مسجد که با خلوص نیت، مسئولیت خطیر مدیریت مسجد را بر دوش گرفته اند، با عنایت بیشتری به مطالب کتاب نگرسته، با توجه و به کار بستن آموزه های مدیریتی، رسالت معنوی و الهی خود را با موفقیت بیشتری، قرین سازند.

مرکز رسیدگی به امور مساجد

دفتر مطالعات و تحقیقات - گروه پژوهش های کاربردی

ص: 17

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله آل الله .

قال الله تبارك و تعالی:

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (2).

«مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که به خدا و روز باز پسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده اند؛ پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند».

ص: 19

1- . رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد.

2- . توبه: 18 .

باید پیش از مباحث مربوط به مدیریت مسجد به سه اصل اساسی:

1 - اهمیت و جایگاه مسجد؛

2 - کارکردهای مساجد؛

3 - چشم انداز و ضرورت تحول.

اینک به توضیح این اصول می پردازیم:

اصل نخست: اهمیت و جایگاه مسجد

مهم ترین مسئله ای که ما باید در آیات و روایات جستجو کنیم، این است که مسجد چه جایگاه و پایگاهی است و چه نقشی دارد؟ تا بعد بتوانیم بگوییم آن را چگونه مدیریت کنیم؟ زیرا تا مشخص نشود که مسجد چه نقشی دارد، چگونگی مدیریت بر آن هم، برای ما معنی و مفهوم روشنی ندارد.

جایگاه «مساجد» در جهان اسلام و در نظام مقدس اسلامی و در جامعه ای که در آن زندگی می کنیم، بسیار مهم بلکه بی بدیل است. تنها مکانی که دارای ابعاد مختلف و نقش های متعدد و در طول تاریخ اسلام تأثیرگذار است، مسجد است.

وقتی به متون اسلامی نگاه می کنیم، می بینیم در قرآن کریم واژه مسجد در 28 آیه به کار رفته است؛ بخشی از این آیات عام و در مورد همه مساجد و بخشی خاص در مورد مسجد الحرام و مسجد الاقصی است. از مجموع آیات نیز به نحوی که خدای تبارک و تعالی بیان کرده، استفاده می شود که هیچ نظیر و جایگزینی در نظام خلقت برای مسجد وجود ندارد. یعنی هیچ مکان و جایگاهی، جای مسجد را نمی گیرد.

ص: 20

اکنون به برخی از آیات مربوط به مسجد اشاره می شود تا جایگاه آن آشکار شود:

1. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (1).

«در حقیقت نخستین خانه ای که برای عبادت مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان مایه هدایت است».

از این آیه استفاده می شود که اولین پایگاه مردمی که در زمین به وجود آمده، مسجد است، به علاوه مسجد «وضع للناس» = برای همه مردم بنیان شده است نه فقط برای مؤمنان. در این مکان مقدس تنها مسلمان مطرح نیست، بلکه همه مردم مطرح هستند.

هدف از ایجاد این پایگاه «هدی للعالمین» = هدایت کردن همه انسان ها، بیان شده است، معلوم می شود که در فطرت انسان ها، زمینه لازم برای این که همه بتوانند از مسجد استفاده بکنند و هدایت شوند، وجود دارد.

2. «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا...» (2).

«منزه است آن خدایی که بنده اش را شبانگاهی از

ص: 21

1- . آل عمران: 96 .

2- . اسراء: 1 .

مسجدالحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامون آن را برکت دادیم - سیر داد، تا از نشانه های خود به او بنمایانیم».

می دانیم که بالاترین و مهم ترین سفر رسول خدا، سفر معنوی معراج است، پیامبر وقتی می خواهد به آسمان برود، دو مسجد نقطه آغاز و پایان معراج و پایگاه عروج و صعودش قرار می گیرند. از مسجدالحرام به مسجد الاقصی، بعد هم عروج به آسمان ها! بازگشت هم از همین مسیر است. از این آیه می فهمیم که ارایه هر کمالی به انسان از پایگاه مسجد صورت می پذیرد.

3. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».(1)

«و مساجد ویژه خداست پس هیچ کس را با خدا نخوانید».

دو نکته در این آیه شریفه هست: نکته اول این که مساجد به خدا انتساب داده شده اند و نکته دوم لزوم اخلاص در امور مختلف مسجد است؛ در مساجد هر کاری که انجام می شود، بایستی برای خدا انجام بگیرد. «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» در مساجد نباید هیچ کس را با خدا یعنی در کنار او و مستقل از او خواند.

4. «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ».(2)

ص: 22

1- . جن: 18 .

2- . اعراف: 29 .

«و در هر مسجدی روی خود را مستقیم به سوی قبله کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید، وی را بخوانید».

این آیه شریفه توجه همه را به سمت و سوی مسجد سوق می دهد، این یعنی همان «مسجد محوری» که الان هم گفته می شود! البته فعلاً بیشتر حرف است، اما اگر یک روزی جلوه حقیقت به خودش بگیرد و حرفها توأم با عمل بشود، آن روز جامعه، جامعه آرمانی اسلامی خواهد بود.

5. «و لَوْلَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (1).

«و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجد می که نام خدا در آنها بسیار برده می شود، سخت ویران می شد و قطعاً خدا به کسی که دین او را یاری می کند، یاری می دهد چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است».

نکته مهمی که از آیه استفاده می شود این است که گویا وجوب جهاد، اول برای حفظ مسجد بوده است؛ زیرا در آیه پیش از آن می فرماید:

ص: 23

1- . حج: 40 .

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ...».

«به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده و رخصت جهاد داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. همان کسی که به ناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند (آنها گناهی نداشتند) جز این که گفتند: پروردگار ما خداست».

بعد در ادامه که آیه مورد بحث ماست، عظمت مساجد را به نمایش گذاشته، می گوید: آن قدر مساجد مهم است که اگر جهاد نبود، بزرگترین مصیبتی که بر بشر و انسان ها وارد می شد، از بین رفتن معابد و مساجد بود! این بود که مساجد از بین می رفت! این بیان زیبا، سخنی شگفت است و اهمیت جایگاه مسجد را می رساند.

6. «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».(1)

«همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست».

ص: 24

1- . حج: 41 .

در این آیه، خدای تبارک و تعالی برای مسؤولین و افرادی که قدرت پیدا می کنند چه قدرت مالی و چه قدرت حکومتی، وظایفی را برعهده این ها می گذارد که انجام آن وظایف در مسجد است و این توجه ویژه حکومت اسلامی به مساجد را طلب می کند.

7. « وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا ». (1)

«و کیست بی دادگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا، نام وی برده شود و در ویرانی آنها بکوشد؟».

خدای تبارک و تعالی، همواره ظلم و ظالم را نکوهش کرده است، اما از ظالم، ظالم تر کیست؟ کسی که مانع بشود از حضور مردم در مساجد و از این که ذکر خدا در مساجد گفته بشود! اگر فردی مانع حضور و ذکر خداوند در مسجد بشود، از این فرد

ظالمتر کیست؟

معلوم است که مسجد خیلی مهم است که منع کردن ورود به مسجد این همه مورد نکوهش قرار گرفته است، و مانع شدن از ذکر خدا در مسجد این همه توبیخ دارد که در این آیه بیان می شود که دیگر ظالم تر از این فرد چه کسی است؟ الله اکبر! این ها آیاتی است که عظمت مسجد را خیلی زیبا بیان کرده است.

8. «فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ». (2)

ص: 25

1- . بقره: 114 .

2- - نور، آیه 36 و 37

«در خانه هایی که خدا رخصت داده که قدر و منزلت آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود؛ در آن خانه ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند. مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی دارد».

این آیه شریفه را عنایت بکنید، به نظر می رسد از همه آیات مهم تر این آیه شریفه است که می گوید: خانه هایی که خدا بلندی، رفعت و عظمت آن را خواسته است. مرحوم شیخ طوسی رضوان الله علیه در تفسیر «رفعت» مساجد می فرماید: رفع المساجد بناها؛ یعنی بنای مسجد باید مرتفع بوده، در هر جا هست بدرخشد.

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: رفع المسجد منزله و قدرا، یعنی از حیث قدر و منزلت خدا خواسته مساجد رفیع باشد، جمع بین سخن دو بزرگوار در این خواهد بود که هم از نظر بناها و هم از نظر قدر و منزلت باید مساجد را رفیع نگه داریم.

متأسفانه الآن اغلب این مسجدسازی های ما خلاف آن چیزی است که در اسلام بیان شده است، حداقل با این وضعی که می سازیم، باید قائل به کراهت باشیم؛ زیرا آن قدر مغازه اطراف مسجد می سازیم که قبل از مسجد، آنها به طور برجسته دیده می شود و دیگر بناها چشمگیر است و چیزی که دیده نمی شود، خود مسجد است!! در حالی که باید درخشندگی و زیبایی مسجد به نمایش گذاشته بشود آن چنان که مردم از دور به سمت مسجد کشیده شوند.

در طول تاریخ اسلام به ویژه در جاهایی که فرمانروایان و امیران آن متدین بودند، مسجد طوری ساخته می شد که محور و وسط شهر بود؛ دارالخلافت، امور اداری، محل های آموزشی در اطراف مسجد بنا می شد. تجارت هم در یک حلقه ای از حلقات دور مسجد شکل می گرفت؛ لذا همه چیز حول و حوش مسجد دور می زد، مردم نیز فعالیت خود را از مسجد آغاز می کردند و به مسجد ختم می کردند، یعنی هر کس صبح از خانه بیرون می آمد، به هر کجای شهر که می خواست برود از جلو مسجد عبور می کرد. در نتیجه توجه زیادی به مساجد مبذول می شد.

8. «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَا يَخْشَى إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُوْنُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (1).

براساس این آیه، برای افرادی که می خواهند مسجد بسازند یا موجب آبادانی آن شوند، ملاک هایی وجود دارد و هر کسی نمی تواند مسئولیت ساخت و عمران مسجد را بر دوش گیرد؛ کسانی که مشرکند و موحد نیستند حق ساخت مسجد ندارند. کسی باید مسجد را بسازد که مؤمن به خدا و مؤمن به قیامت باشد، نماز را اقامه کند، زکاتش را ادا کند و از غیر خدا، از هیچ کس نترسد.

شما در قرآن ملاحظه بفرمایید چه کسانی فقط از خدا می ترسند؟

همه کسانی که در کارهای مهم نقش آفرینی داشته اند یا دارند، از غیر خدا

ص: 27

نمی ترسیدند و نباید بترسند، عالم دینی، مبلغان پیام الهی یعنی کسانی که کار انبیاء را انجام می دهند و همه مجاهدان در راه خداوند:

الف . عالمان و دانایان:

«انما یخشى الله من عباده العلماء».(1)

«از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می ترسند».

ب . مبلغان رسالت های الهی:

«الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله».(2)

«همان کسانی که پیام های خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند».

ج . اقوام مجاهد «ایرانیان»:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ».(3)

«ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی دیگر را می آورد

ص: 28

1- . فاطر: 28 .

2- . احزاب: 39 .

3- . مائده: 54 .

که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست دارند. اینان با مؤمنان فروتن و بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند».

در این آیه شش ویژگی ذکر شده است: محب خدا، محبوب خدا، متواضع در مقابل مؤمنان، سخت‌گیر در مقابل کافران، جهاد در راه خدا و در نهایت نهراسیدن از سرزنش و شماتت سرزنش‌کنندگان.

براساس روایات وقتی از رسول خدا سؤال شد که: اینها چه کسانی هستند؟ فخر رازی در تفسیر کبیر نقل می‌کند که حضرت دست خود را بر کتف سلمان زد فقال: من قوم هذا سپس فرمود از نژاد و قوم و خویش سلمان هستند.

آیه فرمود: فسوف یأتی الله یعنی در آینده، در آخرالزمان کسانی می‌آیند که شش خصلت فوق را دارند و پیامبر هم فرمود از قوم و خویش و عقبه سلمان! عجیب است، در برخی از روایات آمده که تمام یاران امام زمان سلام الله علیه، همه از عجم هستند و هیچ عربی در بین آنها وجود ندارد!

آری ویژگی اهداف بلند و کارهای سنگین آن است که در انجامش نباید از غیر خدا بترسند و الا اگر بترسند نمی‌توانند انجام وظیفه کنند. معلوم است که در مسجد سازی و آباد کردن مساجد نیز باید فقط از خدا ترسید چرا که کار بسیار مهمی است.

نکته دیگر در این آیه، بحث آبادانی مساجد است؛ بر اساس روایات ما دو نوع آبادانی داریم:

الف . آبادانی مادی که همین ساخت و ساز است.

ب . آبادانی معنوی که حضور بیشتر، فعالیت های تبلیغی و معنوی است

که این ها هم مساجد را آباد می کند و باید بدان توجه خاص نمود.

9. «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا» (1).

«مسجدی که از روز اول بر پایه تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن به نماز ایستی و در آن مردانی هستند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند، دوست می دارد».

این آیه اگرچه مربوط به مسجد قبا است، ولی هر مسجد آرمانی باید این ویژگی را در خود داشته باشد و انسان پروری کند و افرادی را در خود جای دهد که دوستدار طهارت و پاکیزگی ظاهر و باطن هستند.

در مورد آیات به همین مقدار اکتفا می شود به یک روایت هم اشاره کنم تا روشن بشود که در آثار و متون اسلامی چه نقشی را برای مساجد قایل شده اند:

از پیامبر اسلام نقل شده است:

«من أحب الله فليحبني و من أحبني فليحب عترتي اني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي و من أحب عترتي فليحب القرآن و من أحب القرآن فليحب المساجد فانها افنيه الله ابنيته اذن في رفعها و بارك فيها ميمونه ميمون اهلها مزينه مزين اهلها محفوظه محفوظ اهلها هم في صلاتهم والله في حوائجهم هم في مساجدهم و الله من ورائهم».

ص: 30

«هرکس خدا را دوست دارد باید من را دوست داشته باشد و هرکس من را دوست دارد باید عترت من را دوست داشته باشد؛ چون انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی، و هرکس عترت من را دوست داشته باشد باید قرآن را دوست داشته باشد و هرکس، قرآن را دوست داشته باشد، بایستی مساجد را دوست داشته باشد. مساجد خانه [و خلوت سرای] الهی است و بناهایی است که بلند و باشکوه ساختن آن را خداوند اجازه داده است. هم مساجد مبارک هستند هم مسجدیان، هم مساجد آراسته و زینت داده شده اند و هم اهل آن، هم مساجد مورد حفظ و نگهداری خداوند متعال هستند و هم نمازگزاران در مسجد، مسجدیان در حال نماز هستند و خداوند کار آنان را به سامان می کند. مسجدیان در مسجد حضور دارند و خداوند بر فرازشان [پشتیان] آنهاست» (1).

به این حدیث بنگرید شاید حدیثی محکم تر، زیباتر و جامع تر از این حدیث در باره فضیلت مسجد نداریم، مهم ترین ویژگی این حدیث این است که محبت به مساجد در ردیف محبت به خدا، رسول خدا، قرآن و اهل بیت

ص: 31

رسول خدا قرار گرفته است و معنایش این است که هر نقشی که خدا و رسول و عترت و قرآن دارند، مسجد هم این نقش را باید بردوش بگیرد.

من فکر می‌کنم همین روایت در این باب کفایت می‌کند که ما به عظمت مسجد پی ببریم.

امام خمینی و مقام معظم رهبری هم چند نکته در باره مساجد فرموده‌اند که در خور تأملِ جدی است؛ حضرت امام که نسبت به مساجد به صورت عجیبی حساس بودند، چنین فرموده‌اند:

«نهضت را از راه مساجد که دژهای محکم اسلامند، زنده نگه دارید و با شعارهای اسلامی، نهضت را به پیش برید».

«سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد».

این سخن یعنی همه تصمیمات حکومت در مسجد گرفته شود و حداقل با روحیه مسجدی انجام بشود. لازم نیست همه کارها بیاید در مسجد، اما با روحیه مسجدی صورت پذیرد. حضرت آیت الله جوادی آملی فرمودند:

«دولتی‌ها را مسجدی کنید نه این که مسجدها را دولتی کنید».

یعنی به سمت و سوی برویم که دولت مردان ما تفکر مسجدی داشته باشند. تفکر مسجدی تفکر بسیجی است و یا بهتر است بگوییم تفکر بسیجی، تفکر مسجدی است.

مقام معظم رهبری نیز می فرمایند:

«استفاده از مساجد برای دنیای اسلام، فرصتی مغتنم است چون محور اجتماع مردم است».

آری مسجد، محور اجتماع مردم است و در نتیجه فرصتی مغتنم.

اصل دوّم: لزوم شناخت مأموریت و کارکردهای مسجد پس از بیان جایگاه و نقش مسجد باید توجه کنیم که محورهای اساسی وظیفه و مأموریت و کار مسجد چیست؟ به عبارت دیگر مسجد در چه چیزهایی نقش آفرینی می کند؟

فقط به چند مورد اشاره می شود:

اول: مسجد، پایگاه عبادت و یاد خدا: مسجد محل ذکر و معنویت و آرامش است «الا بذكر الله تطمئن القلوب»⁽¹⁾ «آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد».

وقتی انسان وارد مسجد می شود، آرام می گیرد، چون محل ذکر خداست، محل عبادت و ارتباط با ذات حضرت ربوبی است.

دوم: مسجد پایگاه جهاد فکری و تعلیم و تربیت و فراگیری معارف اسلامی: مسجد مرکز گسترش علم است، مرکز بیان تعالیم عالیّه اسلام است. پیامبر گرامی اسلام وارد مسجد شدند، جمعی به نماز، جمعی مشغول تعلیم

ص: 33

و تعلم فرمود: هر دو در مسیر خیرند اما من «بهذا ارسلت» من برای این کار مبعوث شدم و رفت در جمع کسانی که مشغول تعلیم و تعلم بودند، با آنها نشست.

سوم: مسجد پایگاه وحدت مسلمانان: مسجد مرکز نمایش یکپارچگی و وحدت در مقابل مستکبرین، منافقین و دشمنان دین است؛ وقتی صفوف جماعت به درستی کشیده می شود، این ها در دل دشمنان تأثیر عجیبی می گذارد، همان طوری که دوستان را شدیداً امیدوار می کند.

طبق نقلی صف ها که کشیده می شد، پیامبر گرامی اسلام بر می خواست و به پشت سر به جمعیت نگاه می کرد و می فرمود:

«صف هایتان را منظم کنید، عقب و جلو نایستید که در دل هایتان همین اثر را می گذارد».

بدین رو است که می بینید الان در مکه و مدینه ظاهر این قضیه را حفظ می کنند. این کار همان سنت رسول خدا است، ما هم اگر انجام بدهیم، خیلی سنجیده و خوب است، اگر یک امام جماعت برگردد و صف ها را تنظیم کند، این خودش تثبیت مدیریت امام جماعت است یعنی اگر برگشت و جمعیت را منظم و مرتب کرد، با این کار، فرماندهی و مدیریت امام جماعت هم عملاً تأیید می شود.

قابل توجه این که گاهی مستحبات کلیدهای کار انجام واجب است و می تواند آن واجب را رونق بیشتری بدهد و گاهی تأثیر بیرونی بخشی از مستحبات از واجبات هم بیشتر است؛ لذا باید به این گونه مستحبات بیشتر توجه کنیم.

چهارم: مسجد پایگاه جهاد: مسجد محل تجمع و گردهم آیی رزمندگان و تجهیز و تعلیم و تربیت آنها برای مبارزه با دشمنان و دفاع از حریم اسلام است؛ پیامبر این کار را در مسجد انجام می دادند. امروز عزیزان بسیجی هم که در مساجد حضور دارند، یادگار فرمان حضرت امام و مورد تأیید مقام معظم رهبری است، این کار گرچه مشکلاتی هم دارد ولی مزایای فراوانی هم در بردارد. بفرمایید کدام کار خوب بدون مشکل است؟ اگر انسان بخواهد به کمالی برسد، آیا بدون تحمل مشکل امکان دارد؟ قطعاً امکان ندارد!

مگر تحمل کردن بد اخلاقی های فرزندان خودمان سخت نیست؟ یکی از فلسفه و کارکردهای مساجد همین است که ما بتوانیم با سعه صدر و تحمل، این مشکلات را سامان بدهیم، افراد را تربیت کنیم، روحانیت بایستی ایفای نقش بکند و افراد را به درستی تحت پوشش تعلیم و تعلم اسلامی قرار بدهد.

مراقب باشید مبادا آنها را دفع بکنید؛ بدانید همواره در طول تاریخ گروه های منحرفی که درست شده اند، آنجایی بوده که روحانیت نتوانسته ایفای نقش بکند.

پنجم: مسجد پایگاه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی: یکی از کارهایی که از ما روحانیون گرفته شده است، همین فعالیت های فرهنگی است. آیت الله هاشمی شاهرودی در هفته بزرگداشت مساجد فرمودند: دولت آنچه را از مسجد گرفته، باید به مساجد برگرداند.

به ما می گویند: کار فرهنگی بکنید، وقت تنظیم بودجه که می شود، می گویند کار فرهنگی که بودجه لازم ندارد!

تازه فریاد مقام معظم رهبری بلند شده و فرمودند: فرهنگ، مظلوم است.

ان شاء الله که از امسال به بعد یک توجهی به فرهنگ مظلوم بشود و از این مظلومیت خارج بشود.

واقعاً جای تأسف دارد در کشور ما برای موسیقی بودجه هست، برای تئاتر بودجه هست، البته باید هم باشد ما هم معتقدیم که باشد، اما بحث مسجد که فرا می رسد، بلافاصله فرمایش امام و مقام معظم رهبری را بهانه می کنند که براساس فرمایش آن بزرگواران، مساجد باید مردمی بمانند! مردمی ماندن، هیچ مغایرتی با بودجه داشتن ندارد، تمام مسجدهای خوبی که ما داریم، بدون استثنا از بودجه دولت ها ساخته شده است. مسجدهایی که الان جزء آثار عمده میراث فرهنگی محسوب شده، بی استثنا همه از پولهای کلان دولتمردان و کسانی که با حکومت ها مرتبط بوده اند، ساخته شده اند. بلی اداره مساجد با مردم است ولی ساخت آن برعهده دولت است مگر دولت ها جاده نمی سازند و مردمی است و همه مردم از آن استفاده می کنند؟

اخیراً جلسه ای برای کتابخانه های عمومی و انتقال آنها به مساجد تشکیل شد، گفتیم خوب، این طور کارها ارزشمند است. این کار هم مبارک، ارزشمند و خوب است، منتهی بودجه اش را هم اختصاص دهید تا در مساجد کشور، کتابخانه ساخته شود.

ششم: مساجد پایگاه رفع نزاع و اختلافات: از قدیم الایام در اختلافات خانوادگی که زن و مرد حاضر نبودند حرف شان را به احدی بگویند، می آمدند با امام جماعت مطرح می کردند، امام جماعت هم با درایت و با تدبیر،

مشکل این‌ها را حل می‌کرد و هیچ‌کس هم متوجه نمی‌شد که اینها با هم اختلاف داشته‌اند.

هماره روحانیت، مورد اعتماد و محرم مردم بوده و هست، لذا مساجد محل رفع نزاع‌ها و اختلافات است. تشکیل شوراهای حل اختلاف، خوب است منتها یک طرفش را به مجتمع‌های قضایی بسته‌اند؛ اشکال این وابستگی آن است که نه پرونده را به امام جماعت ارجاع می‌کنند و نه بودجه لازم برای این کار را می‌دهند!

در استان تهران ما الآن هشتصد شورای حل اختلاف در مساجد داریم؛ واقعا کار ارزشمندی است اما با دو مشکل پیش گفته مواجه هستیم. همکاری قوه قضائیه به معنی واقعی را می‌طلبند که از این کارکرد خوبی که در مسجد هست، به نحو مطلوبی استفاده شود.

هفتم: مساجد پایگاه اطلاع‌رسانی: مسجد بهترین رسانه مردمی است؛ زیرا در مساجد همه‌گونه خبر گفته می‌شود. از کارهای برجسته حضرت امام رضوان الله تعالی علیه همین بود که از طریق مساجد، انقلاب را به وجود آورد، یعنی اطلاع‌رسانی انقلاب، در مساجد صورت می‌گرفت. تمام بیانیه‌ها و نوارهای حضرت امام و تمام سخنان علاقه‌مندان انقلاب در مسجد و از مسجد به مردم منتقل می‌شد. هسته مرکزی تمام راه‌پیمایی‌هایی که به نفع نظام و انقلاب برپا شده، بدون استثنا در مسجد بوده است. اطلاع‌رسانی ارزشمندی که مساجد داشته و امروز هم باز بهترین است.

اصل سوم: چشم انداز آینده و ضرورت روزآمد بودن مساجد برای برنامه ریزی در رابطه با مسجد اولین کاری که بایستی انجام بدهیم، ترسیم چشم انداز آینده مساجد است، برآستی در آینده مساجد باید چگونه باشند؟ چه جایگاه و چه نقشی باید داشته باشند؟

ما باور بکنیم یا نکنیم دنیا در آستانه یک حرکت فوق العاده ای قرار گرفته است و ما بایستی به این نکته توجه کنیم. آیا با این سرعتی که علم و دانش و فناوری به پیش می رود، مساجد ما در آینده خواهند توانست جامعه ای را که این طور سریع به پیش می رود، هدایت و راهبری کند؟ راهنمای مردمان آن باشد؟

با جایگاه و کارکردهایی که برای مسجد وجود دارد و نقشی که می تواند ایفا کند، باید مسجد در همه زمینه ها به روز باشد؛ زیرا مسجد باید مطابق حرکت جامعه بلکه باید یک قدم جلوتر حرکت کند، راهنما و هادی جامعه بایستی جلوتر از مردم باشد. اگر در برنامه ریزی و مدیریت آن از زمان عقب بمانیم، مساجد ما دیگر نقش آفرینی نخواهد داشت. مسجد چون جای مدیریت، ساماندهی، سازماندهی و برنامه ریزی است، باید به روز بودن در تمام ابعاد فوق، تحقق پیدا بکند.

آری مساجد چون مدیریت لازم دارد و باید خوب اداره شود و چون باید با مردم حرکت کند و هادی آنان و راهنمای جامعه اسلامی باشد، باید به روز باشد.

خدا نکند روزی بیاید که ما روحانیت و ائمه جماعات و مسجدی ها

شاهد آن باشیم که دیگران به ما می گویند: شیوه اجرای برنامه های شما متعلق به قرون گذشته است و به درد جامعه امروز نمی خورد!!

خدا نکند آن روزی بیاید ما هم مثل مسلمان های اسپانیا یا اندلس باشیم که در مادیات و دنیا و ریاست و نزاع با یکدیگر غرق شدند و یک مرتبه دچار تهاجم غافلگیرانه دشمنان شدند یا همانند مسلمانانِ غافل از علم و پژوهشی باشیم که وقتی هواپیماهای غرب روی سرشان پرواز کردند، چرتشان پاره شد، آن قدر از اوضاع پرت بودند که گفتند: این سحر و جادوست! باورشان نمی شد! بعدها خودشان هم در آن سوار شدند، دیدند یک واقعیت است!

در مقابل واقعیت تسلیم بودن، که کار مهمی نیست! چون تحول راه خودش را ادامه می دهد. من توصیه می کنم، تقاضا می کنم، استدعا می کنم از شما نه برای یک بار بلکه چند بار فرمایشات اخیر مقام معظم رهبری را بخوانید و روی هر یک از جملات آن بیندیشید و تأمل کنید، بعضی از بزرگان بعد از آن سخنان گهربار به من گفتند که: این ویژگی هایی که مقام معظم رهبری بیان کردند، یک امر عادی نیست. واقعا در این بیانات، مقام معظم رهبری در حد عالی ترین و زیباترین استراتژیست دنیا، راه را برای روحانیت ترسیم کرده اند که بایستی از این فرمایشات درس بگیریم.

نکته اساسی که ایشان فرمودند، این بود که:

«تحول را باید پذیرفت، کسانی که تحول را نمی پذیرند یا می میرند و یا منزوی می شوند».

مرکز رسیدگی به امور مساجد براساس وظیفه ای که دارد، از سه سال قبل

تلاشی را برای ترسیم چشم انداز مساجد در راستای چشم انداز بیست ساله کشور که مقام معظم رهبری تأیید و تصویب فرموده و به سران سه قوه و مسئولین ابلاغ کردند، آغاز کرده است.

می دانید که در چشم انداز کشور، قله ای که خواسته رهبری است و برای بیست سال آینده ترسیم شده، آن است که جمهوری اسلامی ایران کشوری باشد پیشرفته در درجه ای عالی در منطقه و جهان، من و شما نیز به عنوان کسانی که بیش از هر کس به اسلام و انقلاب و نظام و مقام معظم رهبری ارادت داریم، باید برای بیست سال آینده مساجد فکر کنیم که می خواهد کجا باشد؟ چه در باب ساخت و ساز و چه در مورد نیروی انسانی آن یعنی امام جماعت، مبلغ، هیأت امنا و خادم آن، چه در مورد برنامه های تعلیم و تربیت، فرهنگی و آموزشی آن از حیث محتوا و سایر جهات، به تعبیر مشهور هم در سخت افزار و هم در نرم افزار، اگر اکنون مشخص نکنیم عقب خواهیم ماند و اگر نتوانیم مشخص کنیم، قطعاً کار بی برنامه اگر زیان نداشته باشد، سودی هم ندارد، افرادی که بی برنامه حرکت می کنند، همیشه حالت انفعالی و تدافعی دارند، همیشه زیر آوار مشکلات و به طور دایم در حال دست و پا زدن هستند!! از زیر آوار یک مشکل که در آمدند، آوار مشکل دوم روی سر آنها می ریزد، لذا همیشه حالت تدافعی دارند! در حالی که ما آنگاه خواهیم توانست نقش خود را به درستی ایفا بکنیم که نسبت به مشکلات، حالت تهاجمی داشته و از پیشرفت های جامعه جلوتر باشیم.

دقت کنید خداوند تبارک و تعالی برای بچه ای که در شکم مادر است،

پیش از آن که به دنیا بیاید برنامه ریزی کرده است؛ غذایش را آماده کرده، پرستارش را آماده ساخته است، محبت پدر و مادر را برایش فراهم نموده است. بچه که به دنیا می آید هیچ مشکلی ندارد!

ما باید برای نسل های آینده هم زمینه حضور در مساجد را فراهم کنیم که نسل های آینده هر مقدار که پیشرفت می کنند، ما دغدغه و نگران حضور آنها و پیشرفت آنها نباشیم که ما عقب مانده ایم، برای چنین مسجدی باید پیش بینی کنیم که بیست سال دیگر چگونه باشد؟

پرسش این است که در بیست سال آینده که ان شاء الله کشور از حیث اقتصاد، از حیث سیاست، از حیث دفاع و از ابعاد دیگر، در قله قرار می گیرد، مساجد جایشان کجا خواهد بود؟ پایین قله است؟ دامنه قله است؟ وسط ها هست؟ یا در اوج خودش است؟

دغدغه این است که ما برای آینده می خواهیم چه کنیم؟ ما با این مساجدی که وضع مطلوبی ندارند، ما با این وضعیت که روحانیت خودش را از نظر نرم افزاری در مقابل هجمه ای که وارد می شود، تجهیز نکرده، می خواهیم چه کار بکنیم؟

اکنون که پای منبرهای ما اکثر افراد درس خوانده اند و معلومات عمومی افراد، بالا رفته است، حتی برخی از خادمان مساجد، بسیاری از آیات و روایات را حفظ کرده اند و خیلی چیزها را می دانند، اگر خودمان را آماده نکنیم مشکلات مان زیاد می شود.

البته حوزه های علمیه کار خودشان را می کنند و ما هم باید کار خودمان را بکنیم و هر کس کار خودش را انجام ندهد، عقب می ماند.

با زحمت فراوان چشم انداز آینده مساجد تدوین و بحمدالله و المنة در شورای سیاست گذاری ائمه جماعات تصویب شد ولی اجرای آن نیاز به بودجه دارد؛ حتی در ساحت سخت افزایش، به رقم های نجومی نیاز است، اگر از الان شروع کنیم و فرض را بر این بگذاریم که دولت بودجه لازم را می دهد، به زور می توانیم خودمان را با دیگران هماهنگ بکنیم و الا عقب می مانیم.

در سند چشم اندازی که ما برای آینده ترسیم کرده ایم، در بیست سال آینده:

«مسجد نهادی است فعال، اثرگذار، مسؤولیت پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی، برخوردار از روحیه تعاون، سازگاری اجتماعی، توانا، پویا، کارآمد، توانمند در ترویج، آموزش و تبلیغ فرهنگ اسلامی، با بهره مندی از حضور و مشارکت مردمی، و حمایت دستگاه های فرهنگی، اجرایی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی براساس تعالیم عالیة اسلام و اندیشه های گوهر بار امام، رهنمودهای مقام معظم رهبری در جهت تربیت و هویت اسلامی انقلابی، وحدت ملی، الهام بخش، مؤثر برای

جهان معاصر به ویژه کشورهای اسلامی».

آری مسجد در بیست سال آینده باید این ویژگی ها را داشته باشد، برای این که به این جایگاه برسد، باید بدانیم الان چند تا مسجد داریم؟

با افزایش جمعیت، چقدر مسجد باید بسازیم و چقدر افراد مسجدی داریم؟ چه مقدار از افراد مسجدی نیستند؟ چرا؟ برای مسجدی کردن آنها چه برنامه هایی داریم و چه کارهایی بایستی انجام بدهیم تا مسجدی بشوند؟

حتما می دانید در بعضی از محله ها، تراکم مساجد زیاد و در بعضی جاها هیچ مسجدی وجود ندارد، در بعضی از شهرها مسجد فراوان و در بعضی از شهر و شهرک های جدید یا مسجد نداریم و یا به اندازه کافی نداریم، در خیلی از شهرهای ما هم که مسجد هست، امام جماعت نیست، برای این که امام جماعت به اندازه مساجد داشته باشیم، چه برنامه ای باید داشته باشیم و چه کارهایی را بایستی انجام بدهیم؟ افزون بر آن، می دانید بودجه مساجد محدود است، منابع بودجه را از کجاها جستجو کنیم؟ آیا دولت؟ آیا مردم و دولت با هم؟ یا آن که مساجد خودشان دست به کار اقتصادی بزنند و ایجاد درآمد کنند تا مساجد به نحو مطلوبی اداره بشود؟ آیا کمک های پراکنده ای که الان به مساجد می شود، این ها کافی است؟ و اساسا این کمک ها نافع است یا مضر؟ نوع تعامل مساجد با دولت، با شهرداری ها، با فرمانداری ها و مراکز دیگر و با خیرین چگونه باید باشد؟ چگونه تعامل کنیم تا هم بتوانیم کسری هایمان را از طریق دولت تأمین کنیم و در عین تعامل، استقلال مساجد را نیز حفظ کنیم؟ یک وقت به قیمت پول گرفتن، مساجد را در اختیار دیگران نگذاریم، مبادا برای کمک گرفتن، از مسجد و از روحانی مسجد، استفاده ابزاری بشود، این اتفاقات گاهی می افتد و حتما باید جلوگیری بشود، دریافت کمک با حفظ همه جوانب

درست است؛ یعنی شخصیت امام جماعت و شأن و جایگاه مساجد باید حفظ بشود ما در طول تاریخ دیده ایم به محض این که بعضی جاها کمک کرده اند، کمک هایشان جز ضرر و زیان برای اماکن مذهبی و دینی خیری در بر نداشته است، لذا باید مواظبت کنیم یعنی برنامه های ما به نحوی تدوین بشود که جایگاه مسجد و امام جماعت، مؤمنین و اصل اداره مساجد به صورت مردمی همه و همه رعایت بشود.

مطلب دیگر مورد بحث در ساخت مسجد در شهر و روستا، طبقه بندی مساجد و روش های جذابیت مساجد و نیازهای فضایی آن است؛ مساجد فعلی ما تنها یک شبستان است، در یک شبستان چه کارهایی را می توان انجام داد؟ قطعاً اقتضای فعلی مساجد، چیزهای زیادی همچون سالن همایش، کلاس و حتی ورزشگاه می طلبد. یک توافقنامه با آموزش و پرورش امضاء شده که پیش دبستانی ها را با محوریت قرآن به مساجد بیاوریم؛ ساخت دو اطاق در مساجد برای کودکان مشکلی ندارد اما آثار مبارک آن بسیار زیاد است. استعداد کودکان ایرانی به قدری فراوان است که در ظرف دو سال می توانند حافظ کل قرآن بشوند، خوب آیا نباید ما برای این فرصت برنامه ریزی کنیم و نباید از آن، درست استفاده بکنیم؟

اکنون که به حمد الهی، دولت یک دولت اصول گرا و ارزش گرا است و آمادگی دارد این گونه کارها در مساجد انجام بگیرد، ما این فرصت را غنیمت بشماریم و برایش برنامه ریزی بکنیم و طبعاً یک برنامه ریزی دقیق می خواهد که این بچه ها اگر درست تربیت بشوند هم خودشان مسجدی می شوند و هم پدر

و مادرشان مسجدی می شوند و اگر خدای ناکرده ما نتوانیم درست برنامه ریزی کنیم، یا لااقل نسبت به مسجد بی تفاوت می شوند یا هم خودشان ضد مسجدی می شوند و هم خانواده هایشان.

بدینسان مدیریت امری عملی است و باید آن را پیاده کنیم البته بایستی روی مسایل فکر شود ولی برای تحقق آن، باید برنامه مدون و جامع در همه ابعاد تدوین گردد سپس برنامه به مرحله اجرا درآید. اگر بتوانیم چنین برنامه ای را تدوین کنیم و بر این برنامه، مدیریت کنیم این یک مدیریت مطلوب است.

بعد از تصویب سند چشم انداز، اکنون وقت برنامه ریزی رسیده است، ممکن است برنامه ریزی در قالب چهار برنامه پنج ساله تنظیم شود تا ان شاءالله به چشم انداز آرمانی، دسترسی پیدا کنیم.

ضرورت آموزش و بهینه سازی سطح مدیریت مساجد این مقدمه ها را بنده عرض کردم که شما نسبت به مشارکت، همراهی و حضور در مباحث مدیریت مسجد، احساس نیاز و تکلیف بکنید.

برای اجرای برنامه در مسجد چون طبق نظر امام و مقام معظم رهبری، مدیر طبیعی مساجد، ائمه جماعات هستند، طبعاً باید از انتخاب و آموزش امام جماعت شروع نمود.

بعضی ها معتقدند مدیریت ذاتی است و کسبی و اکتسابی نیست، ولی بدون شک آموختن و تمرین عملی مدیریت، آدمی را در مدیریت تواناتر می سازد. به دیگر سخن، مدیریت دارای اصولی است که این اصول اگر رعایت

شد، کارها جواب می دهد و اگر رعایت نشد، ما از کارهای خود نخواهیم توانست نتیجه مطلوب بگیریم.

و حق این است که بخشی از مدیریت ذاتی است بعضی آدم ها لیاقت و شایستگی ذاتی دارند و کسب و آموزش و تمرین بر ذاتیات آنها می افزاید و این دو که با هم تلاقی کنند، انسان را به مرتبه بالاتری می رسانند.

امیرالمؤمنین سلام الله علیه فرموده اند:

«العلم علمان، مطبوع و مسموع و لا ینفع المسموع اذالم یکن المطبوع».

«علم بر دوگونه است: یکی علم در طبیعت انسان نهاده شده و دیگری علم شنیده شده؛ اگر علم مطبوع نباشد، علم شنیداری سودی ندارد.» (1)

عقل همین طور است؛ عقل ذاتی و عقل اکتسابی داریم و به وسیله علم و تجربه بر توان عقل افزوده می شود، امام علی می فرماید:

«العقل عقلان؛ عقل الطبع و عقل التجربة و کلاهما یؤدی الی المنفعه».

«عقل بر دوگونه است؛ عقل طبعی و خدادادی و عقل تجربی و هر دو ما را به سوی نفع و فایده واقعی خودمان رهنمون می شود.» (2)

ص: 46

1- . نهج البلاغه، حکمت 313 .

2- . بحار الأنوار، ج 75، ص 6 .

در مدیریت هم باید یک زمینه ذاتی باشد که بتوان با کسب و اکتساب بدان افزود ولی اگر زمینه و استعداد مدیریت در کسی نباشد، معنی ندارد که آن شخص دنبال شکوفا کردن و ارتقای آن برود همان گونه که اگر عقل نباشد، دیگر آموختن علم و کسب تجربه معنی ندارد برای این که علم برای رشد و شکوفایی گنجینه های عقلانی است، بدین رو اگر عقل بود، دانش و علم موجب افزایش آن می شود.

اکنون فهرستی از مهم ترین اصول مدیریت به ویژه در مسجد را ذکر می کنم؛ چون هر جا از این اصول تخلف شده، مشکل به وجود آمده است.

اصول مدیریت به ویژه در مسجد شامل:

1. ایمان گرایی و خدا محوری؛
2. برنامه ریزی؛
3. سازماندهی؛
4. وحدت مدیریت و فرماندهی؛
5. قانون محوری؛
6. وحدت و هماهنگی کارکنان؛
7. رعایت سلسله مراتب؛
8. تفویض اختیار متناسب با مسئولیت؛
9. تعیین دقیق شرح وظایف و مسئولیت های افراد؛
10. انتخاب و به کارگیری افراد با صلاحیت و شایسته است.

ص: 47

در مورد شرایط و معیارهای صلاحیت و شایستگی فردی مدیر و کارکنان مسجد، می توان به صفاتی همچون اعتقاد و عمل صالح، عدالت، عامل به قول، مشورت، نظم، تقوا، سعی و کوشش، پشتکار، قاطعیت، عاقبت اندیشی، سعه صدر، هوش بالا، توان علمی، قدرت سخنرانی و توان بیان و تفهیم مطلب، کم گویی، مفید گویی، آرام گویی، ابتکار و نوآوری، شجاعت، عفو و گذشت، حفظ اسرار، استقامت، نظارت و کنترل، استفاده از مشارکت دیگران، آموزش مهارت ها و پرورش و تربیت آنها اشاره کرد.

به لطف و عنایت الهی، کتاب مدیریت مسجد که مشتمل بر مهم ترین مباحث مدیریتی، وظایف امام جماعت، هیأت امناء، خدام و بسیج می باشد مورد استفاده واقع شود.

ص: 48

لغت شناسان واژه «مدیریت» را صفت فاعلی برگرفته از مصدر و بُن «اداره = قوام، نظام، رتق و فتق و نظم و نسق دادن و تنظیم و مستقیم و تولیت و رهبری کردن» و به معنای کسی که کاری را اداره می کند، اداره کننده کاری یا مؤسسه ای، گرداننده و چرخاننده دانسته اند. (1)

در اصطلاح برای مدیریت تعاریف گوناگونی ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می گردد:

1. مدیریت، یعنی اداره امور یک سازمان. (2)

2. مدیریت، یعنی هنر انجام امور به وسیله دیگران.

3. مدیریت، علم و هنر هماهنگی کوششها و مساعی اعضای یک سازمان و استفاده از منابع، برای نیل به اهداف معین می باشد.

ص: 51

1- ر.ک: لغت نامه دهخدا، فرهنگ فارسی معین.

2- چاندلر استاد مدیریت دانشگاه نورث وسترن شیکاگو، تئوری های مدیریت، ص 22.

4. مدیریت، یعنی انجام وظایف برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، ارتباط و هدایت.

5. مدیریت، یعنی انجام وظایف و ایفای نقش های رهبری سازمان، منبع اطلاعاتی و عامل تصمیم گیری و رابط با سایر سازمان ها.

6. مدیریت، یعنی فرایند برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل، انگیزش، ارتباطات، هدایت و تصمیم گیری که هماهنگی و نیل به هدف ها را میسر می سازد و مدیران برای انجام وظایف خود، آن را دنبال می کنند. (1)

7. مدیریت، فرآیند کار کردن با دیگران و از طریق دیگران و استفاده کارآمد از منابع محدود برای تحقق اثربخش اهداف سازمان است.

8. مدیریت، فراگرد هماهنگ سازی فعالیت فردی و گروهی در جهت هدف های گروهی است.

9. مدیریت، هماهنگی همه منابع و امکانات از طریق فرآیندهای برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل است به طوری که اهداف تعیین شده تحقق یابد.

10. مدیریت، فرآیند اجتماعی، برنامه ریزی، سازماندهی، کارگزینی، هدایت، هماهنگی، و کنترل در راستای تعیین و فایق شدن به اهداف سازمانی در یک محیط پویا می باشد. (2)

ص: 52

1- . مدیریت عمومی، ص 17 و 18 و اصول و مبانی مدیریت، ص 27 .

2- . اصول و مبانی مدیریت، ص 27 .

11 . مدیریت یعنی اداره نمودن، قدرت بسیج کردن و دانش بهره برداری از نیروها در جهت اهداف از قبل مشخص شده به نحوی که مطلوب ترین کار و عملیات ممکن، در کوتاهترین زمان، با کمترین صدمه و ضایعات ارایه شود. (1)

12 . مدیریت عبارت است از پیش بینی جریانات و برنامه ریزی فعالیت های آتی و اداره امور یک سازمان جهت نیل به هدف های معین و مشخص. (2)

گفتنی است تعریف های بسیار دیگری نیز از مدیریت ارایه شده است که برای رعایت اختصار از آوردن همه آنها صرف نظر می شود.

همان طور که در تعاریف فوق ملاحظه فرمودید، برای یک مدیر همواره مأموریت و اهداف مشخصی مطرح است که باید برای نیل به آنها، نیروی انسانی، امکانات و تجهیزات موجود را با حداکثر سرعت ممکن از بهترین و کوتاهترین راه، منسجم و رهبری نماید. بدینسان مدیریت یعنی:

«اداره نمودن یک مجموعه از طریق برنامه ریزی و سازماندهی نیروی انسانی، امکانات و تجهیزات موجود برای رسیدن به اهداف معین».

ص: 53

1- . مدیریت و فرماندهی، اقبالیان، ص 2 .

2- . هنری فایول، دانشمند برجسته مدیریت کلاسیک و مدیر یکی از مؤسسات بزرگ فرانسه، تئوریهای مدیریت، ص 56 .

آری تعاریف فوق برخلاف ظاهر گوناگون خود، مدیریت را سامان دادن امور مربوط به پرسنل، تجهیزات، تسهیلات و به عبارت دیگر مهندسی نیروی انسانی و تجهیزات و قراردادادن هر یک از کارکنان در جایگاه خود و کاربرد تجهیزات در جای خود برای دستیابی به اهداف معین شناسانده اند.

همانطور که می دانید هر سازمان دارای دو نوع نیروی انسانی است:

1 - نیروهای ستادی یا نیروهای برنامه ریزی؛

2 - نیروهای صفی یا عوامل اجرایی.

همچنین هر سازمان دارای امکانات و تجهیزات و اموال و سرمایه های مختلفی است که مدیر باید با شناخت و ارزیابی صحیح از توانایی های افراد، آنان را در پُست های سازمانی متناسب، به کار گیرد و امکانات، تجهیزات و تسهیلات را متناسب با اهداف سازمان، در محل و جایگاه مناسب و لازم خود قرار داده و صرف نماید.

براین اساس، مدیریت، نوعی علم، فن، هنر و توانایی است که برای نیل به اهداف سازمانی، افراد و امکانات را با ظرفیت کامل و با سرعت هر چه بیشتر، سازماندهی و بسیج نموده، به کار گیرد.

هنری فایول از دانشمندان برجسته مدیریت کلاسیک پس از پژوهش های بسیار، امور سازمانی را به شش دسته تقسیم نمود:

1 - فعالیت های فنی شامل سازندگی و تولید؛

2 - فعالیت های تجاری مثل خرید و فروش؛

3 - فعالیت های مالی؛

ص: 54

4- فعالیت های امنیتی شامل تأمین امنیت برای افراد و لوازم و تجهیزات؛

5- فعالیت های حسابداری شامل انبارداری، میزان تولید و ...؛

6- فعالیت های مدیریت شامل برنامه ریزی، سازماندهی، فرماندهی، همکاری و کنترل. (1)

مدیریت اسلامی

مدیریت در فرهنگ های مختلف، از هدف، انگیزه، اصول، شرایط و روش های یکسانی برخوردار نیست، بلکه در بستر اندیشه و فرهنگ های گوناگون، دیدگاه های مدیریتی، تفاوت های اساسی با یکدیگر پیدا می کنند.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ایده «مدیریت اسلامی» را به صورتی علمی و نوین به جهان ارایه نمود؛ زیرا ایده «مدیریت اسلامی»، علاوه بر استفاده از دانش، ابزار و تکنیک های علمی مدیریت، نکات جدیدی همچون بصیرت و بینش الهی، سلوک اخلاقی و معنوی، در نظر گرفتن اهداف والای انسانی، مدنظر قرار دادن جهت گیری های کلی و شیوه های اجرایی خاصی را در برابر مدیران قرار می دهد تا با استفاده از آن بتوانند با قلبی سلیم، عزمی راسخ، تخصص علمی و تعهد مکتبی، به شرف خدمت به جامعه اسلامی نایل گردند و به مقام والای رضایت و قرب حق تعالی دست یابند.

ایده مدیریت اسلامی از چشمه سار زلال قرآن کریم، نهج البلاغه و سنت

ص: 55

و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام خوشه برمی گیرد و در سایه سار معیارهای گرانسنگ و نظام ارزشی مکتب حیات بخش اسلام، رشد و بالندگی می یابد.

گفتنی است آیات قرآن، سنت و سیره، سرشار از مطالب فراوانی پیرامون اهداف، انگیزه، شرایط مدیران، اصول و شیوه های مدیریت است که می باید آنها را استخراج، تدوین و ارایه نمود.

به همین جهت افزون بر تعاریف عمومی که در باره مدیریت ارایه شده است، برخی «مدیریت اسلامی» را گونه ای خاص از مدیریت دانسته، مدیریت اسلامی را به شکل های زیر تعریف کرده اند:

1. مدیریت هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول به اهداف سازمانی است به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد. (1)

2. فعالیتی که زمینه رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف یک نظام یا سازمان در ابعاد مختلف، همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند، مدیریت اسلامی است. (2)

در این تعریف که اهداف الهی، سیاست کاربرد نیروی انسانی، همچنین

ص: 56

1- . مدیریت اسلامی، نبوی، ص 33 .

2- . مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص 12 .

جهت‌گیری فعالیت‌های سازمانی و نقش مدیر در نیل به اهداف با توجه به مبانی اسلامی مشخص شده است، اصلی‌ترین جهت‌گیری کلی مدیریت، تلاش و حرکت براساس هدف خلقت و علت آفرینش جهان و انسان یعنی زمینه‌سازی برای حرکت به سوی الله معرفی شده است و بر انطباق شیوه‌های مدیریتی با آموزه‌های قرآن کریم و سیره و سنت معصومین علیهم السلام و تجارب علمی و تکنیک‌های فنی بشری به عنوان یک ضرورت رهگشا تأکید شده است و مدیر به عنوان مدار و محور هر حرکت صحیح، منظم و سازمان‌یافته شناخته شده است.

آری اساس دین مقدس اسلام بر توحید بنیان نهاده شده است و در همه دستورات اعتقادی، اخلاقی و عملی آن، توحید تجلی یافته است. براساس جهان‌بینی اسلامی، همه اجزای جهان از ذات اقدس الهی نشأت گرفته است و به سوی او سیر می‌کند.

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (1)

به همین جهت جهان هستی و به ویژه کره زمین به عنوان جایگاه ارتباط و انس انسان با خداوند، ارزشی والا یافته است و می‌بایست با مدیریتی شایسته، همه ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان از ارتباط و پیوند عمیق با حضرت حق برخوردار گردد و امور به گونه‌ای سازمان‌یابد که انسان بتواند به سیر الی الله پردازد و به وصال حق و مقام قرب نایل گردد. بر این اساس مدیریت

ص: 57

اسلامی دارای اصول و مبانی خاصی به شرح ذیل است:

اصل خدامحوری، اصل ارزش مداری، اصل توکل بر خدا، اصل خودسازی، اصل کسب رضایت خداوند، اصل ادای تکلیف، اصل آخرت گرایی، اصل ولایت مداری، اصل عدالت ورزی، اصل خیرخواهی، اصل حفظ حرمت و کرامت انسانی، اصل حفظ و استفاده درست از بیت المال، اصل رعایت حقوق دیگران، اصل توجه به محرومین، اصل حفظ عزت نفس، اصل اعتماد به نفس، اصل تواضع و فروتنی، اصل صداقت و راستی، اصل انطباق گفتار و عمل، اصل ساده زیستی، اصل وفاداری، اصل امانت داری، اصل رازداری. (1)

پیشینه دانش مدیریت

انسان از اولین روزهای خلقت خود، با اداره امور فردی و گروهی سر و کار داشته است و با معنا و مفهوم مدیریت همراه بوده است. گفته شده که برای اولین بار مردم چین بودند که در حدود 1100 سال قبل از میلاد مسیح، به صورت سازمان یافته، چهار وظیفه مدیریتی یعنی برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل را تجربه کرده اند. بعد از آنان ایرانیان، مدیریت را با تجربیات و نگرش های خود آزمودند.

در حدود سال های 350 تا 400 قبل از میلاد، یونانیان مدیریت را به عنوان یک هنر متمایز، تشخیص داده و رویکردی علمی را برای آن ابداع نمودند و در

ص: 58

1- . مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، ص 96 - 156 .

آغاز قرن بیستم، مدیریت به عنوان یک رشته علمی، تخصصی و دانشگاهی به صورت رسمی مطرح شد (1) و از آن پس تا کنون، تحول و تکامل بسیار و در خور توجهی یافته است. (2)

پس از انقلاب صنعتی در غرب و ایجاد کارگاه های بی شمار و توسعه و رشد کارخانه های عظیم تولیدی، همچنین با تولد سازمانهای جدید اجتماعی، نقش مدیریت در افزایش بهره وری باعث شد مباحث مربوط به مدیریت اهمیت بیشتری یابد و پژوهشهای گسترده ای در مورد آن انجام پذیرد و بدین صورت نظریه های متفاوتی پیرامون مدیریت طرح و در مقام عمل، به اجرا گذاشته شد.

در دوران معاصر نیز «مدیریت» و نقش آن در بهبود و نتایج حاصله از هر تلاش و کوشش، مورد توجه بیشتر و ویژه ای قرار گرفته است و هم اینک مدیریت به مثابه یک علم و فن، در ردیف سایر علوم بشری به خوبی درخشیده است و همه ساله نظریات جدیدتری در مسایل مختلف این فن، در سطح جهان مطرح، بررسی و نقد می گردد.

اهمیت و ضرورت فراگیری مدیریت

از دیرباز نقش و اهمیت مدیریت در پیشرفت امور و نیل به اهداف روشن بوده

ص: 59

1- . اصول و مبانی مدیریت، ص 197 .

2- . همان، ص 17 .

است، اما اینک در سایه پیشرفتهای علمی و صنعتی، این واقعیت برای همگان روشنتر شده است.

با عنایت به سیره و توصیه های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام که امور فرهنگی، تعلیم و تربیت، مسایل سیاسی و اجرایی، اجتماعی و حتی اقتصادی همه و همه باید به گونه ای سازماندهی و مدیریت شوند که بشر را به هدف آفرینش نزدیکتر سازند و زمینه خودشناسی، خداشناسی و حرکت در مدار رضای خداوند را برای انسان فراهم آورند، مدیریت یک تکلیف و مسئولیت دینی است؛ بر اساس روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده اگر سه نفر در جایی با هم زندگی می کنند و یا با هم برای انجام کاری مسافرت می کنند باید یکی از میان خود را به عنوان مسئول برگزینند. (1)

پژوهش ها نشان داده است که مدیریت با برنامه ریزی، نظارت، کنترل و سایر فعالیت های دیگر، منابع مختلف را در جهت هدف به حرکت در می آورد. (2) بدین رو اگر مدیریت منطقی و درست، بر جهت دهی و به کارگیری مناسب امکانات و نیروها حاکم نباشد، همه یا بخش عمده ای از منابع هدر می رود و در واقع، تنها با مدیریت صحیح است که ساماندهی، هماهنگی و همکاری، نقش فزاینده ای به خود می گیرد.

برخی مدیریت را یک خصوصیت ذاتی و عده ای آن را یک علم و دانش نظری و بعضی آن را مهارت عملی و هنر دانسته اند و پاره ای از افراد، آن را نوعی

ص: 60

1- . مدیریت و اداره امور دولتی در اسلام، ص 353 به نقل از احیاء العلوم غزالی، ج 6، ص 1091 .

2- . مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، ص 22 و 23 .

عمل دانسته اند که انجام دادنی است نه صرفاً دانستن، و برخی آن را یک روش برای نیل به مقصود می دانند، (1) ولی به نظر می رسد، مدیریت هم دانش است هم مهارت و هنر، هم علم است و هم عمل و هم روش، هم آموختنی و دانستنی است هم انجام دادنی. به هر حال آنچه مسلم است، حتی اگر مدیریت یک گزینه، خصوصیت و توانایی ذاتی نیز باشد، می توان و می باید، آن را با آموزش های علمی و تمرین های عملی لازم، افزایش داد.

مدیریت همچون دانش های دیگر، دارای اصول و روش هایی است که فراگیری و به کار بستن آن، مدیر را در انجام مسئولیت صحیح خویش یاری خواهد نمود.

با عنایت به مأموریت، اهداف و مسئولیت های والا، ابعاد و کارکردهای مختلف و گوناگون مسجد که آن را به صورت مرکزی چند منظوره در آورده است، مدیریت مسجد کار ساده و آسانی نیست و نیاز به آشنایی با اصول، مبانی، روش و تکنیک های مدیریت دارد.

بعلاوه اکنون در عصر نیاز و بازگشت بشر به سوی معنویت و با توجه به دوران توسعه و سازندگی کشورمان به عنوان أم القرا و الگوی جهان اسلام، با عنایت به لزوم روزافزون شدن نقش مساجد در هدایت امت اسلامی، باید کارکردهای مساجد با مدیریتی آگاه، بصیر، شجاع و آشنا به ابزار و تکنیک های مدیریت، احیا شده و با جاذبه های معنوی و به کارگیری روش های علمی، هدایتگر نسل جوان و آیندگان باشند.

ص: 61

بدینسان برای نیل به اهداف مقدس و الهی مساجد، بر امامان جماعت که مدیریت مهمترین کانون توحید در جهان را به عهده دارند، لازم و ضروری است که با فراگیری اصول و روشهای مدیریت و به کار بستن آن، مساجد جمهوری اسلامی ایران را به مثل و نمونه اعلای یک مسجد کارآمد، نمونه، جذاب، پیشرفته و به روز، بدل نمایند. ان شاءالله رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در سخنی تأمل برانگیز فرموده اند:

«ما اخاف على امتي، الفقر و لكن اخاف عليهم سوء التدبير».

«من بر امت خود از فقر نمی ترسم بلکه بر آنان از بدی مدیریت و سوء تدبیر در امور بیمناکم!». (1)

امام علی علیه السلام نیز با اشاره به این که:

«آسیبی که متصدیان امور را تهدید می کند، ضعف سیاست و توانایی اداره است». (2)

به این نکته تصریح می فرماید که:

«سوء تدبیر و ضعف سیاست، موجب هلاکت و نابودی است». (3)

ص: 62

1- . عوالی اللئالی، ج 4، ص 39 .

2- . آفه الزعماء ضعف السياسه. میزان الحکمه، ح 8992 .

3- . سوء التدبیر سبب التدمیر. میزان الحکمه، ح 9007 ، من ساء تدبیره تعجل تدمیره؛ غررالحکم، ص 865 .

و در برابر، نیکویی تدبیر و درستی مدیریت را موجب استواری جامعه (1) و تداوم ریاست (2) معرفی فرموده اند.

همچنین آن حضرت هشدار می دهد:

«هرکس به سوء تدبیر دچار گردد، هلاکت او در تدبیرش نهفته است». (3)

«کسی که در تدبیر امور کوتاهی نماید، در مسئولیت خود، کوچک می شود». (4)

«هرکس چاره اندیشی و برنامه ریزی در امور را به تأخیر افکند، نابودی خویش را سرعت بخشیده است». (5)

ویژگی های مدیر

اشاره

یک مدیر به ویژه برای اداره کردن صحیح مراکز مذهبی، باید دارای ویژگی های ذیل باشد، به دیگر سخن، اگر فاقد برخی از این اوصاف است، باید آنها را با تمرین و ممارست در خود ایجاد کند و در صورت دارا بودن، باید به طور مداوم آنها را ارتقا بخشد تا توانایی مدیریتی او افزایش یابد.

ص: 63

-
- 1- . حسن السیاسه قوام الرعیه. میزان الحکمه، ح 8999 .
 - 2- . من حسنت سیاسته دامت ریاسته. میزان الحکمه، ح 9001 .
 - 3- . من ساء تدبیره کان هلاکه فی تدبیره؛ غررالحکم، ح 8768 .
 - 4- . من قصر فی السیاسه صغر فی الریاسه. میزان الحکمه، ح 9003 .
 - 5- . من تأخر تدبیره تقدم تدمیره؛ غررالحکم، ح 8045 .

1- ایمان و تقوی

با عنایت به این که ایمان، در گفتار، رفتار و عملکرد آدمی تجلی می کند، بنابراین مدیر باید به خداوند ایمان داشته و در کارها از او استمداد نماید؛ زیرا ایمان در هنگام تصمیم گیری ها به ویژه در شرایط سخت و بحرانی، بهترین پشتیبان مدیر است ولی بدون ایمان به خدا و احساس وظیفه و تعهد و اتکا به او، فضای مدیریت، فضایی پر استرس است که فرسایش آدمی را به دنبال دارد.

تقوی نیز عاملی است که آدمی را در بهترین شکل تصمیم گیری یاری می کند و مدیر را در برابر خطا، وسوسه گناه، تمایل به اجحاف و ستمگری و سوء استفاده از موقعیت، محافظت می کند. مدیر باید نسبت به آداب اسلامی، مقید و از سر اخلاص، سنت های دینی را سرلوحه اعمال و رفتار خویش قرار دهد.

2- عدالت و امانتداری

عدالت موجب استواری نظام مدیریت، قرار گرفتن هر کس و هر چیز در جایگاه خود، انجام قانونمند امور و در نتیجه موفقیت و محبوبیت مدیر می گردد. امام علی علیه السلام می فرماید:

«الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا».

«عدل، امور را در جایگاه خود قرار می دهد».(1)

ص: 64

1- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 553.

آری عدالت به تعبیر امام علی علیه السلام:

«از غسل شیرین تر و از کره نرمتر و از مشک خوش بوتر است».(1)

همچنین مدیر باید امین باشد؛ مسئولیت خود را امانت الهی تلقی کند و از اموال و افرادی که در اختیار اوست به طور صحیح و نه برای تبلیغ خود و امور شخصی استفاده نماید.

افزون بر آن، با عنایت به:

«الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ».

«سخن ها امانت است».(2)

آنچه دیگران با او در میان می گذارند یا اخبار محرمانه و سری که به او می رسد، بازگو و افشاء ننماید.

3- توانایی

مدیر باید شایستگی، صلاحیت و توانایی جسمی، علمی و عملی مسئولیتی را که می پذیرد، داشته باشد. حضرت یوسف علیه السلام در مورد تصدی خود بر امور کشور

مصر چنین فرمود:

ص: 65

1- . اصول کافی، ج 3، ص 216 .

2- . بحار، ج 72، ص 465؛ امالی شیخ طوسی، ص 53 .

«قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ».(1)

«مرا بر خزاین زمین مسئولیت ده همانا من امانتدار و دانا هستم».

قرآن مجید، علت انتخاب طالوت به فرماندهی را نیز چنین بیان می کند:

«زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ».(2)

«خداوند، او را از نظر دانش و توانایی جسمی، افزون تر قرار داده بود».(3)

همچنین قرآن کریم در مورد لزوم توانایی در مسایل اقتصادی، به همگان هشدار داده، می فرماید:

«وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ».(4)

«اموال خود را در اختیار سفیهان قرار ندهید».

امام علی علیه السلام نیز در مورد مسئولیت پذیری در حکومت می فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ».(5)

ص: 66

1- . يوسف: 55 .

2- . بقره: 247 .

3- . بقره: 247 .

4- . نساء: 5 .

5- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 247 .

«ای مردم! همانا سزاوارترین شخص به امر حکومت، تواناترین آنها بر این امر و آگاهترین آنان به دستور

خداوند در حکومت است»⁽¹⁾.

این سخنان به ما نشان می دهد که مدیر باید علاوه بر تعهد و امانتداری، از دانش، تخصص و توانایی لازم نیز برخوردار باشد تا بتواند محور فعالیت ها قرار گیرد.

براین اساس، اگر کسی دارای توانایی افزونتری بود و آمادگی پذیرش و انجام آن مسئولیت را داشت، باید راه را برای او باز نمود و با آغوش باز، مسئولیت را به وی واگذار و در انجام امور، او را مساعدت نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«من ام قوما و فیه من هو اعلم منه، لم یزل امرهم الی السفال الی یوم القیامه».

کسی که بر جماعتی امامت کند و رهبری آن ها را بر عهده گیرد در حالی که در میان آن ها فردی از او آگاه تر وجود دارد پیوسته کار آن گروه رو به سقوط می رود»⁽²⁾.

همچنین آن حضرت به مسئولان جامعه اسلامی هشدار داده،

ص: 67

1- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 247 .

2- . وسائل الشیعه، ج 5، ص 415 .

من ولی من امر المسلمین شیئا فولی رجلا و هو یجد من هو اصلح للمسلمین منه، فقد خان الله ورسوله».

«کسی که متصدی امور مسلمانان شود و فردی را به عنوان سرپرستی کاری تعیین کند در حالی که می تواند کسی را پیدا کند که برای مسلمانان از او بهتر باشد، به خدا و رسولش خیانت کرده است. (1)

گفتنی است در فرآیند مدیریت و توانایی یک مدیر، حداقل سه حوزه مهارتی، شامل «مهارت علمی و فنی، مهارت های انسانی و مهارت های ادراکی» ضرورت دارد. (2)

4-اخلاق و برخورد نیکو و زیبا

بخش عمده مدیریت را برقراری ارتباط با دیگران تشکیل می دهد؛ سلام کردن، گشادگی چهره، محبت، استقبال و بدرقه نمودن، برخورد نیکو، احترام به دیگران، تواضع، رفق و مدارا که در آموزه های دینی نیز بدان توصیه گشته و در سیره مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان علیهم السلام معمول بوده است، بهترین روش دست یابی به اهداف مدیریت است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

ص: 68

1- . السیاسه الشرعیه، ص 6 .

2- . اصول و مبانی مدیریت، ص 42 .

«الْخُلُقُ الْحَسَنُ يُذْهِبُ الْخَطَا كَمَا يُذْهِبُ الْمَاءُ الْجَلِيدَ وَ الْخُلُقُ الشُّوْءُ يُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ».

«اخلاق نیکو خطا را از بین می برد، همان طور که آب، یخ را ذوب می کند و اخلاق بد، اعمال آدمی را نابود

می سازد آن گونه که سرکه عسل را از بین می برد».(1)

5- سعه صدر، تغافل، تسلط بر خود

مدیر باید از قدرت تحمل بالایی برخوردار باشد؛ حضرت موسی به محض مسئولیت یافتن از خداوند درخواست نمود:

«رب اشرح لی صدري».(2)

«پروردگارا سینه مرا گشاده دار».

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«آلَةُ الرَّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ».(3)

«سعه صدر و گستردگی توان تحمل، ابزار ریاست است».

ص: 69

1- . قصار الجمل، ج 1، ص 179 .

2- . طه: 25 .

3- . نهج البلاغه، حکمت 176 ؛ بحار الانوار، ج 75، ص 357 .

و در سخنی دیگر می فرماید:

«الحلم رأس الرئاسة» (1).

«بردباری، مهمترین رکن ریاست است».

مدیر باید با هوشیاری و دقت بر عملکرد کارکنان نظارت کند؛ امام علی علیه السلام می فرماید:

«هرگز نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان نباشند» (2).

ولی باید نسبت به خطاهای کوچک زیردستان تغافل نماید و آنها را نادیده بگیرد. شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم چنین بود:

«يَتَغَافَلُ عَمَّا لَا يَشْتَهِي» (3).

«از آنچه نمی پسندید، تغافل می نمود».

آن حضرت در حضور یاران از شخص معینی انتقاد نمی کرد:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا كَرِهَ مِنْ إِنْسَانٍ شَيْئًا قَالَ مَا بَالَ أَقْوَامٌ يَفْعَلُونَ كَذَا وَكَذَا وَلَا يَعْينُ» (4).

«اگر از کار انسانی بدش می آمد، می فرمود: چرا برخی از افراد چنین کاری را انجام می دهند؟ ولی هرگز نام او را به طور معین ذکر نمی کرد».

ص: 70

1- . غرر الحکم، ج 1 ، ص 40 .

2- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 430 .

3- . مناقب امیرالمومنین، محمدبن سلیمان الکوفی، ص 25 .

4- . بحار الانوار، ج 75 ، ص 224 .

مدیر باید در برابر خطاهای بزرگ نیز، فقط کیفر متناسب و لازم را در نظر بگیرد و از برخوردهای مبالغه آمیز در کیفر پرهیزد.

براستی چرا برخی اگر کوچکترین اشتباهی ببینند، بلافاصله به توییح، سرزنش و اهانت می پردازند؟ چرا به جای انتقاد کلی از آن کار، فرد خاصی را مورد خطاب قرار می دهند و آبروی او را نزد دیگران می برند؟

همچنین مدیر باید در برخورد با شرایط مختلف همچون هیجان یا اضطراب، موفقیت یا شکست، شادی و سرور یا حزن و خشم، بر خویش تسلط کامل داشته باشد و این گونه امور در او اثر نامطلوب بر جای نگذارد. بر اعصاب خویش مسلط باشد و از انجام عمل ناپسند، شوخی نامتعارف، سخن تند و نادرست خوداری نماید. امام علی علیه السلامی فرماید:

«قُدْرَتُكَ عَلَى نَفْسِكَ أَفْضَلُ الْقُدْرَةِ وَ إِمْرَتُكَ عَلَيْهَا خَيْرُ الْإِمْرَةِ» (1).

«برترین توانایی و قدرت، آن است که بر نفس خویش قدرت داشته باشی و بهترین فرمانروایی، فرمانروایی بر نفس خویشتن است».

همچنین آن حضرت به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین فرموده اند:

«اکثر دعائی و دعاء الانبیاء قبلی بعرفه ... اللهم اجعل فی سمعی نورا و فی بصری نورا و فی قلبی نورا اللهم

ص: 71

اشرح لی صدري و يسر لی امری» (1).

«بیشتر دعای من و دعای پیامبران پیش از من در عرفه این دعا بود: ... خداوندا! در قوه شنوایی من نور قرار ده و به بینایی ام نور عنایت کن و دلم را نورانی کن.

خدایا! شرح صدر به من ده و کارم را آسان کن».

6- خردورزی و دوراندیشی

مدیر باید اهل فکر و برنامه ریزی بوده و در فکر و برنامه ریزی خود تنها به انجام امور روزمره نیندیشد؛ بلکه دوراندیش بوده، به هنگام تصمیم گیری، تا حد امکان عاقبت و نتیجه کار را بسنجد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«إِذَا هَمَمْتُ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ» (2).

«هرگاه خواستی در مورد کاری اقدام نمایی، از آغاز به عاقبت آن بیندیش».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«القلب مصحف الفكر» (3).

«قلب، کتاب فکر است».

ص: 72

1- . میزان الحکمه، ج 9، ح 20525 .

2- . بحار الانوار، ج 71، ص 341 .

3- . تصنیف غرر الحکم، ص 66 .

و در بیانی دیگر:

«ان هذه القلوب اوعيه فخيرها اوعاها للخير».(1)

«به درستی که این دل ها ظرف های هستند که بهترین آنها دلی است که ظرفیت و گنجایش آن برای خوبی ها بیشتر باشد».

و در سخنی دیگر:

«اعقل الناس انظرهم في العواقب».(2)

«داناترین مردم کسی است که بیشتر از همه به آینده نگری پردازد».

البته گاه لازم و شایسته است مدیر، مجموعه ای از افراد با تخصص های گوناگون را دعوت نموده و اتاق فکر تشکیل دهد تا با بهره مندی از فکر آنان، مجموعه خود را بهتر مدیریت کند.

7- تعادل

مدیر باید متعادل باشد، یعنی از بزرگ کردن امور کوچک و کوچک کردن کارهای بزرگ و افراط و تفریط در امور بپرهیزد؛ نه آن چنان سخت گیری کند که تحمّل دیگران به سر آید و نه آن قدر تساهل و تسامح ورزد که اشخاص در انجام وظایف خویش کوتاهی نمایند.

ص: 73

1- . نهج البلاغه، حکمت 147 ؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص 169 .

2- . غررالحکم، ج 1 ، ص 211 .

خداوند متعال و ویژگی مهم امت اسلامی را تعادل و آن را علت نمونه و الگو شدن معرفی می کند:

«وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (1).

8- تواضع

مدیر باید از شخصیت والاتر برای خود قائل بودن و ژست گرفتن برای دیگران بپرهیزد و نباید تحت عنوان فریبنده «حفظ ابهت و پرستیژ» به استکبار و قیافه گرفتن یا دوری گردیدن و درب به روی مردم بستن دچار شود. او باید بداند که ژست های مدیریتی، پافشاری و اصرار بر نظر خویش، هیچ گاه شخصیت او را بالا نخواهد برد؛ بلکه تواضع و خاکساری در گفتار و کردار او را در چشم دیگران بزرگ جلوه گر خواهد ساخت.

مدیر باید هر کس را به اندازه علم، تقوی و ارزش های الهیش مورد تکریم قرار دهد و در مقابل انتقاد و نظریات دیگران، منصف و انعطاف پذیر باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با بلندای مقام و درجه معنوی بسیار متواضع بود. کارهای شخصی خود را انجام می داد و به علاوه به خانواده هم کمک می کرد. (2)

ص: 74

1- . بقره: 143 .

2- . الايضاح، ابن ساذان القمی، ص 214 .

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَعْتَمِلُ الشَّاهُ وَيُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ عَلَى خُبْزِ الشَّعِيرِ» (1).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روی زمین می نشست و بر روی زمین غذا می خورد و گوسفندان را نگاهداری می نمود و دعوت بردگان را برای خوردن نان جو می پذیرفت.

زنی آوازه نبوت و قدرت حکومت پیامبر را شنیده بود، آمد که از نزدیک ببیند پیامبر چگونه آدمی است. اتفاقاً وقتی خدمت پیامبر رسید که آن حضرت روی زمین نشسته و مشغول غذا خوردن بود و چون ملاحظه کرد مردی که آوازه قدرتش جهان عرب را فرا گرفته است، همانند برده های آن روز، خیلی ساده و فاقد هرگونه تشریفات، روی زمین نشسته و غذا می خورد، بی اختیار فریاد زد:

«یا محمد! واللّٰه انک لتأکل أکل العبد و تجلس جلوسه...».

«ای محمد! به خدا سوگند تو مانند برده غذا می خوری و مانند او می نشینی! گویا تو مردی که قدرتش زیانزد خاص و عام است نیستی؛ گویا تو ریاست و حکومت نداری که همانند بردگان زندگی می کنی و هیچ یک از

ص: 75

نشانه های حاکمانِ قدرتمند در رفتار تو مشاهده نمی شود!!».

پیامبر اسلام در پاسخ فرمود:

«ویحک! ای عبدُ اَعْبُدْ منی!». (1)

«وای بر تو، چه می گویی؟ کدام بنده از من بنده تر است؟».

پیامبر برای خود جایگاه خاصی قایل نبود. ابی ذر می گوید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَجْلِسُ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَصْحَابِهِ فَيَجِيءُ الْغَرِيبُ فَلَا يَدْرِي أَيُّهُمْ هُوَ حَتَّى يَسْأَلَ». (2)

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در میان اصحاب به گونه ای می نشست که هرگاه غریبی وارد می شد نمی فهمید پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم کدامیک از آنهاست مگر آنکه می پرسید».

وقتی عُلّت این کار را از پیامبر پرسیدند فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يَكْرَهُ مِنْ عَبْدِهِ أَنْ يَرَاهُ مُتَمَيِّزًا بَيْنَ أَصْحَابِهِ». (3)

«همانا خداوند دوست ندارد بنده ای را در میان یارانش ممتاز ببیند».

ص: 76

1- . الكافي، ج 6، ص 271؛ مستدرک الوسائل، ج 16، ص 227.

2- . بحار الانوار، ج 16، ص 229.

3- . هديه الاحباب، ص 277.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا دَخَلَ مَنْزِلًا قَعَدَ فِي أَدْنَى الْمَجْلِسِ حِينَ يَدْخُلُ» (1).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وقتی وارد خانه ای می شد در پایین مجلس همان جایی که وارد شده بود می نشست».

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با آنکه خود، به احترام دیگران از جای برمی خاست اما دیگران را از ایستادن به احترام حضرتش نهی می نمود.

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُومُ لَهُ فَتَهَاظُهُمْ أَنْ يَقُومُوا لَهُ» (2).

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وقتی وارد مسجد می شد مردم به احترام او از جای برمی خاستند. ولی پیامبر آنان را از برخاستن نهی می فرمود».

انس می گوید:

«لَمْ يَكُنْ شَخْصٌ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَكَانُوا إِذَا رَأَوْهُ لَمْ يَقُومُوا إِلَيْهِ لِمَا يَعْرِفُونَ مِنْ كِرَاهَتِهِ» (3).

«هیچ کس از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نزد اصحاب محبوبتر نبود ولی وقتی او را می دیدند جلوی پایش بلند نمی شدند زیرا می دانستند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آنرا مکروه می دارد».

ص: 77

1- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 24 ؛ وسایل، ج 12 ، ص 108 .

2- . بحار الانوار، ج 17 ، ص 28 .

3- . همان، ج 16 ، ص 229 .

تواضع پیامبر علاوه بر آراستگی به صفات اخلاقی، آن بود که خداوند، برای انجام صحیح رسالت، به او چنین فرمان داده بود:

«وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (1).

«ای پیامبر بالت را از برای مومنینی که از تو پیروی می کنند بگستران «در برابر آنان تواضع نما».

در سوره حجر این فرمان چنین تاکید شده بود:

«وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ قُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ» (2).

«ای پیامبر بالت را برای مومنین بگشا و بگو همانا من فقط بیم دهنده ای آشکارا هستم».

برخلاف پندار و توهم بسیاری از افراد، تکبر موجب تنفر و سقوط نزد دیگران می شود و تواضع آدمی را بلند مرتبه می سازد. در توصیف پیامبر چنین آمده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَخِيمًا مُفَخَّمًا» (3).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بزرگوار بود و در دیدگان با شکوه و عظمت جلوه می کرد».

ص: 78

1- شعراء: 215 .

2- حجر: 88 .

3- بحار الانوار، ج 16 ، ص 194 .

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

«التَّوَّاضِعُ يُنْشِرُ الْفَضِيلَةَ وَ التَّكْبَرُ يُظْهِرُ الرَّذِيلَةَ» (1).

«تواضع، فضیلت و نیکی ها را بر ملا می سازد و تکبر رذیلت و پستی ها را آشکار می سازد».

9- جدی، پر تلاش و پیشگام

مدیر باید جدی و استوار باشد: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مصمم و استوار گام بر می داشت و از حرکتی که نشانه ضعف، عجز و کسالت بود، اجتناب می فرمود؛ در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خوانیم:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَشَى، مَشَى مَشْيًا يُعْرَفُ أَنَّهُ لَيْسَ بِمَشْيٍ عَاجِزٍ وَ لَا كَسْلَانٍ» (2).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره به گونه ای راه می رفت که معلوم بود که راه رفتن یک شخص در مانده و با کسالت نیست» (3).

مدیر باید خود اهل کار و تلاش باشد و از تلاش و کوشش خسته نشود و اظهار خستگی ننماید و انجام مسئولیت های خود را به دیگران تحمیل

ص: 79

1- . مجموعه الاخبار، ص 101 .

2- . مستدرک، ج 8، ص 239 .

3- . همان .

یا واگذار نکند. او باید در همه امور، پیشگام باشد تا دیگران به فعالیت بیشتر ترغیب شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تنه‌ها خود برای ساختن مسجد به کار می‌پرداخت و در اولین صف جهاد شرکت می‌جست؛ بلکه به فرموده امام علی علیه السلام در بحران‌ها، مبارزات و به هنگام خطر پیشگام بود:

«كُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْبَأْسُ اتَّقِينَا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»⁽¹⁾.

«هنگامی که آتش جنگ شعله‌ور شده، سخت می‌گردید، ما به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پناه می‌بردیم و در سایه‌ی شمشیر او می‌آسودیم».

10- صداقت و وفای به پیمان

مدیر باید در گفتار و اعمال خویش با صداقت باشد و هرگز از سخنان کلی و مبهم، برای فریب و جذب ابتدایی دیگران استفاده نکند و به تمام عهد و پیمان‌های خویش وفا کند و اگر نه، به تدریج اعتمادها از او سلب و رفتار و گفتارش، بی‌ارزش می‌گردد و در نتیجه اعتبار و توان مدیریت بر کارکنان خود را از دست می‌دهد.

وفای به عهد و پیمان، یکی از نشانه‌های کرامت انسانی است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در مورد وفای به عهد، مراقبت فوق‌العاده‌ای داشت. به نمونه ذیل توجه فرمایید:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَدَ رَجُلًا إِلَى صَخْرَةٍ فَقَالَ: أَنَا لَكَ هَهُنَا

ص: 80

1- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 520 .

حَتَّى تَأْتِي! فَاشْتَدَّتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَوْ أَنَّكَ تَحَوَّلْتَ إِلَى الظَّلِّ؟ قَالَ: قَدْ وَعَدْتُهُ إِلَى هَهُنَا» (1).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به مردی وعده داد که در کنار سنگی بایستد تا آن مرد باز گردد؛ حضرت در آنجا ایستاد و آن مرد نیامد، تابش خورشید بر جسم مبارک پیامبر افزایش یافت، اصحاب و یاران به آن حضرت عرض کردند: ای پیامبر خدا! چرا در سایه منتظر او نمی شوی؟ فرمودند: من با او در اینجا وعده گذاشته ام».

11- خواهان دانش جدید و افق های نوین فعالیت

مدیر باید دانش و اطلاعات خود را روزآمد کند و همواره علم و دانش خود را افزایش دهد؛ خداوند این ویژگی را به پیامبر بزرگوارش چنین تعلیم می دهد:

«وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (2).

«و بگو: پروردگارا بر دانش من بیفزای».

همچنین مدیر نباید به فعالیت های متداول و روش های گذشته اکتفا کند؛ بلکه باید از افق ها، عرصه ها و روشهای جدید فعالیت استقبال کند و از تحولات و پیشرفت های تکنولوژی در جهت نیل به هدف اساسی خود بهره بگیرد.

ص: 81

1- . وسایل الشیعه، ج 12 ، ص 165 .

2- . طه: 114 .

بدون شک کسب هر یک از صفات نیکو و اخلاق کریمانه دیگری که از آنها نامی برده نشد، نیز مدیر را در ارایه مدیریتی مطلوب و موفق تر، یاری می رساند ولی در این مختصر، به موارد فوق بسنده می شود اگر چه می توان صفات و ویژگی های دیگری بر این مجموعه افزود.

اصول و روش های مدیریت

اشاره

در این بخش نخست اصولی که می توان آنها را از آیات، روایات و سیره اهل بیت استفاده نمود، ذکر نموده، سپس دیدگاه کارشناسان مدیریت، ارایه می شود. امید آن که توجه به آنها در ارتقا و تعالی مدیریت مساجد مفید باشد.

اصل اول: شناخت وظایف و اهداف

اولین وظیفه هر مدیر آن است که به طور دقیق از حوزه مسئولیت و شرح وظایف و اختیارات خویش، آگاهی پیدا کند و رسالت و اهدافی که برای دست یابی به آنها، باید تلاش و کوشش نماید به تفصیل و نه فقط به صورت کلی بشناسد. زیرا شناخت اجمالی یا دانستن کلیات برای اداره یک سازمان، کفایت نمی کند.

براین اساس، مدیر باید با تسلط کامل، بر جزئیات اهداف و وظایف، مسئولیت خود را شناخته و با بصیرت کامل عمل کند. امام صادق علیه السلامی فرماید:

«الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ»

ص: 82

«هر کس بدون بصیرت و آگاهی عمل کند، همانند کسی است که بی راهه می رود، هر چه شتاب کند، از هدف دورتر می شود».

براین اساس امامان محترم مساجد، باید بر رسالت خطیر و نقش و وظیفه والای خویش کاملاً واقف باشند.

اصل دوم: جمع آوری اطلاعات و شناخت محیط

از آنجا که داشتن آمار و اطلاعات لازم، نقش مهمی در برنامه ریزی، تصمیم گیری و انتخاب روش مدیریت دارد دومین وظیفه یک مدیر آن است که آمار و اطلاعات مربوط به حوزه مدیریت خود را از منابع مختلف جمع آوری نماید. مدیر باید از بودجه، امکانات، نیروی انسانی، برنامه های اجرا شده قبلی، به طور کامل اطلاع پیدا نماید، آنگاه اقدام نماید.

از آنجا که مدیریت صحیح، مستلزم آگاه بودن از کلیه عوامل مؤثر در آن سازمان است، هر مدیر باید برای شناخت سه دسته از عوامل کوشش نماید:

1 - عوامل خارجی: یعنی عواملی که از خارج سازمان، بر تصمیم گیری ها و افراد سازمان، مؤثر است و می تواند فعالیتهای سازمانی را تغییر دهد.

2 - عوامل داخلی: یعنی از تأثیرات اعضا و کارکنان آن سازمان بر روی

ص: 83

محیط و بازده سازمان آگاه شود، به عبارت دیگر روابط افراد در یک سازمان که بر روی محیط و بازدهی آن سازمان اثر می گذارد را بشناسد، این تأثیرات عوامل داخلی نامیده می شود، مدیر لایق آن است که به خوبی از این روابط مطلع باشد.

3 - عوامل محیطی: یعنی شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که به طور خودآگاه یا ناخودآگاه بر افراد و اعضای سازمان اثر می گذارد و مدیر باید از آنها مطلع باشد تا بتواند با توجه به آنها، تصمیمات مقتضی را اتخاذ نماید.

براین اساس امامان جماعت باید از همه امور مسجد خود اعم از فعالیت های کارکنان و همکاران خویش و اوضاع منطقه مأموریت خود اطلاع کامل داشته باشد و عوامل مؤثر در محل و منطقه و مسجد را به خوبی بشناسد. امام علی علیه السلامی فرماید:

«قَدْزُتُّمْ أَفْطَعُ» (1).

«ابتدا هر کار یا هر چیز را اندازه گیری کن، آنگاه تصمیم بگیر».

اصل سوم: مشورت

مدیر باید در انجام وظایف و امور، با افراد آگاه، خبره، شایسته و دارای صلاحیت، مشورت نماید.

ص: 84

خداوند به پیامبر گرامیش دستور می دهد:

«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (1).

«با آنان مشورت نما آنگاه که تصمیم گرفتی بر خداوند توکل نما».

این آیه اساساً فرایند تصمیم گیری، را با مشورت ترسیم می کند و اهمیت مشورت را تبیین می نماید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در تبیین راز و رمز این فرمان الهی فرمود:

«اما ان الله ورسوله لغنيان عنها ولكن جعلها الله رحمه لامتي فمن استشار منهم لم يقدم الا رشداً ومن تركها لم يقدم الا غيًّا» (2).

«آگاه باشید، خداوند و پیامبرش از مشورت نمودن بی نیازند، ولی خداوند مشورت را وسیله رحمت برای

امت من قرار داد، زیرا کسی که به مشورت پردازد، به رشد و سعادت برسد و هر که آن را ترک کند، گمراه گردد».

مشورت با دیگران از یک سو، احترام به شخصیت دیگران تلقی می شود و موجب رشد و تعالی و شکوفایی استعداد آنان می گردد و از سوی دیگر،

ص: 85

1- آل عمران: 159 .

2- تفسیر در المنثور، ج 2، ص 90 .

آدمی را از دانش و تجربه دیگران بهره مند می سازد؛ مشورت به معنای پیروی یا تقلید از دیگران نیست، بلکه به معنای اطلاع و استفاده از نظر دیگران است؛ در سیره مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می خوانیم:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَنْشِئُ أَصْحَابَهُ ثُمَّ يَعْزِمُ عَلَيَّ مَا يُرِيدُ» (1).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به طور مداوم با یارانش مشورت می نمود، آنگاه آن چه را که می خواست، تصمیم می گرفت».

برخی به خاطر آن که تصور می کنند مشورت با دیگران، نشانه جهل و نادانی تلقی می شود، از مشورت کردن با دیگران خوداری می کنند! و در نتیجه به استبداد در رأی دچار شده و با مشکلات زیادی مواجه می شوند.

بدون تردید این برداشت نادرست است؛ مشورت علامت بزرگ اندیشی و بزرگواری و نشانه دانش و توجه به شخصیت دیگران می باشد. امام علی علیه السلام می فرماید:

«و شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تَعْزِمَ وَ فَكِّرْ قَبْلَ أَنْ تُقَدِّمَ» (2).

«قبل از آن که عزم کاری کنی با دیگران مشورت کن و قبل از آن که اقدام نمایی، بباندیش».

بدیهی است که باید برای مشورت، مؤمنان شایسته و خدامحور را برگزید.

ص: 86

1- . وسایل الشیعه، ج 12 ، ص 44 .

2- . غررالحکم، ج 1 ، ص 438 .

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«و شاور فی امرک الذین یخشون الله عزوجل» (1).

«در کارهای خود با آنان مشورت کن که از خداوند خشیت دارند و حریم الهی را پاس می دارند».

همچنین در روایات توصیه شده که با صاحبان خرد و تجربه مشاوره نما و از مشورت با انسان های ترسو، بخیل و حریص خودداری کن. (2)

براین اساس امامان جماعت باید با دست اندرکاران مسجد و حتی غیرهمکاران خردمند، مؤمن آگاه و دوراندیشی که در آن محله و منطقه حضور دارند، به مشورت پردازد، آنگاه تصمیم گیری نماید.

اصل چهارم: طرح و برنامه ریزی

پس از آگاهی از مسئولیت و بعد از جمع آوری اطلاعات و سنجش و ارزیابی عوامل و پس از مشورت، برای انجام هر کار باید فکر و اندیشه را به کار انداخت و با عنایت به همه جوانب، برنامه ریزی نمود.

طرح و برنامه ریزی بر دو گونه است:

1- برنامه ریزی کلی.

2- برنامه ریزی اجرایی.

ص: 87

1- بحار، ج 72، ص 98.

2- قصار الجمل، ج 1، ص 54.

برنامه ریزی اجرایی نیز بر سه نوع است:

1 - دراز مدت.

2 - میان مدت.

3 - کوتاه مدت.

طرح و برنامه کامل و جامع، طرحی است که در آن علاوه بر اهداف و برنامه های کلی، برنامه های اجرایی دراز مدت، میان مدت و کوتاه مدت به طور دقیق مشخص باشد.

پیامبر به ابن مسعود می فرماید:

«و ایاک ان تعمل عملاً بغير تدبیر».(1)

«بپرهیز از این که بدون برنامه ریزی و آینده نگری به کاری پردازد».

امام علی علیه السلام می فرماید:

«و فکّر ثمّ انطق و تبین ثمّ اعمل».(2)

«ابتدا بیاندیش آنگاه سخن بگو و ابتدا راه را روشن نما، آنگاه در مقام عمل برآی».

همچنین آن حضرت می فرماید:

ص: 88

1- . بحار، ج 74 ، ص 110 .

2- . غرر، ج 2 ، ص 538 .

«التدبير قبل العمل يؤمنك من الندم».(1)

«برنامه ریزی و چاره اندیشی قبل از شروع کار، ترا از پشیمانی ایمن می سازد».

بنابراین امام جماعت باید برای کلیه امور مسجد، دارای طرح و برنامه سالانه مشخص باشد که با تبیین آن برای دیگران و جلب مشارکت مردم و کارکنان مسجد، آن را دنبال نماید البته در برنامه ریزی و اجرا از تحمیل نظرات خویش در اداره امور بپرهیزد.

اصل پنجم: تعیین مسئولیت و تقسیم کار

مدیر باید انجام برخی از امور را خود بر عهده بگیرد؛ امام علی صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

ثم امور من امورک لابد لک من مباشرتها؛ منها اجابه عمالک بما یعیا عنه کتابک و منها اصدار حاجات الناس یوم ورودها علیک بما تخرج به صدور اعوانک».(2)

«بدان قسمتی از کارهاست که باید شخصا آنها را انجام دهی؛ از آن جمله پاسخ دادن به کارگزاران دولت، در آن جا که منشیان و دفترداران از پاسخ عاجزند و دیگری بر آوردن نیازهای مردم در همان روز که

ص: 89

1- . بحار، ج 68، ص 338 .

2- . نهج البلاغه، نامه 53 .

احتیاجات گزارش می شود و پاسخ آنها برای همکارانت مشکل و دردسر می آفریند».

ولی امور و کارهای دیگر را بین افراد، تقسیم نماید؛ مدیر باید خود به امور مهمّ پردازد و انجام امور جزئی را به دیگران واگذار نماید. واگذاری کار به افراد، آنها را برای پذیرش مسئولیتهای بالاتر آماده و قدرت خلاقیت آنها را پرورش می دهد و وقت مدیر را برای هدایت و رسیدگی به هدایت کلی امور فارغ می سازد. عدم رعایت این نکته، توهین به دیگران تلقی و باعث دلسردی افراد و پراکندگی آنان می شود.

مدیر در تقسیم کارها، باید هر وظیفه را به کسی واگذار کند که بینش و تخصص لازم آن را دارا باشد.

براین اساس امام جماعت نباید همه امور را به دیگران واگذار کند و نباید خود متصدی انجام کلیه امور گردد، بلکه باید تا حدّ امکان همه افراد را با نظم و ترتیب خاصی در اداره امور مشارکت دهد و با این کار، علاوه بر استفاده از فکر و توان همگان، با سرعت بیشتری به کمال مطلوب دست یابد.

اصل ششم: پی گیری و استقامت

یکی از علل عدم موفقیت طرحها و برنامه های بسیار عالی، عدم پی گیری است؛ در روایات کار کمی که تداوم یابد، از کار زیادی که رها شود، بهتر شمرده

ص: 90

خداوند، پیامبران و مردان تربیت شده الهی را چنین توصیف می فرماید:

«كَأَيِّنْ مِنْ قَاتِلٍ مَعَهُ زَيْبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (2)

«و چه بسا پیامبرانی که مردان الهی بسیاری به همراه آنها جنگ کردند. آن ها هیچگاه در برابر آن چه در راه خدا به آن ها می رسید سست و ناتوان نشدند و تن به تسلیم ندادند. و خداوند پایداران را دوست می دارد».

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (3)

«تو هم مانند پیامبران اولوالعزم صبر و مقاومت پیشه کن».

بدینسان امام جماعت باید بدون شتاب زدگی و عجله بلکه با تأتی، برنامه و کارها را پی گیری و دنبال نماید و در راه هدف، استقامت ورزد و امور را تا رسیدن به کمال مطلوب دنبال نماید.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«لَا إِصَابَةَ لِمَنْ لَا آثَانَ لَهُ» (4)

ص: 91

1- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 525 .

2- . آل عمران: 146 .

3- . احقاف: 35 .

4- . غررالحکم، ج 6 ، ص 402 .

«کسی که تأنی و حوصله کافی ندارد، به هدف نمی رسد».

امام صادق علیه السلام در بیان دیگری می فرماید:

«يُظْفَرُ مَنْ يَحْلُمُ» (1).

«هر کس استقامت کند و صبر پیشه سازد، پیروز می شود».

اصل هفتم: سنجش و ارزیابی

مدیر باید با سنجش طرح ها و شیوه های اجرایی و ارزیابی مداوم بیش و توان افراد تحت امر خود بپردازد و با دست یابی به اشکالات و موانع اجرایی برنامه یا نقاط ضعف و قوت نیروهای انسانی، کوشش نماید برنامه ها را بازنگری و افراد را اصلاح نماید.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«أَنْزَلَ النَّاسَ مَنْزِلَهُمْ خَيْرَهُمْ وَشَرَّهُمْ» (2).

«مردم را در مقام و جایگاه خودشان قرار ده. چه نیک باشند و چه بد».

گفتنی است اولاً در ارزیابی نباید به دنبال میچ گرفتن و عیب جویی بود.

ص: 92

1- . اصول کافی، ج 1 ، ص 26 .

2- . تحف العقول، ص 26 .

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هیچ گاه از دیگران و حتی از خدمتکار خود عیب جوئی نمی کرد: انس می گوید:

«خَدَمْتُ النَّبِيَّ تِسْعَ سِنِينَ فَمَا أَعْمَلُهُ قَالَ لِي قَطُّ هَلَّا فَعَلْتِ كَذَا وَ كَذَا وَلَا عَابَ عَلَيَّ شَيْئًا قَطُّ» (1)

«نه سال خادم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بودم، اگر کار ناپسندی می کردم فقط از من می پرسید: چرا چنین کردی؟ ولی هرگز از من عیب جوئی نکرد».

ثانیا پس از ارزیابی، مدیر نباید عیوب افراد را برای همگان بازگو نماید یا نقاط ضعف آنان را به رُخشان بکشد؛ بلکه باید با تدبیر و ارتباط صحیح، آنان را متوجه خطای خود سازد و به راه درست هدایت کند.

امام علی علیه السلام چقدر زیبا راه اصلاح افراد را بیان می فرماید:

«عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْأِحْسَانِ إِلَيْهِ» (2)

«برادر دینی خود را با احسان کردن، سرزنش نما».

بدینسان امام جماعت هر مسجد، باید آثار برنامه های اجرا شده در مسجد خود را بررسی نماید و با ارزیابی و سنجش فعالیت کارکنان مسجد، به هدایت امور آن پردازد و در صورت لزوم، کادر مجربتری انتخاب و جایگزین نماید.

ص: 93

1- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 229 .

2- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 500 .

اصل هشتم: انعطاف پذیری در اجرا

برنامه ریزی اگر چه دقیق و با اطلاع کامل از امور و پس از مشورت انجام شده باشد، ممکن است در مقام اجرا با مشکلاتی مواجه شود و با موانعی برخورد نماید که در برنامه پیش بینی نشده است. در این صورت مدیر نباید بر اجرای برنامه اصرار ورزد و یا مأیوس، سرخورده و مضطرب شود، بلکه باید با حسن تدبیر، اجرای برنامه را با انعطاف و در نظر گرفتن شرایط دنبال کند.

در این موارد، شناسایی راه ورود و خروج در هر کار، سنگین و سبک کردن امور و ترجیح اهم بر مهم بسیار اهمیت دارد.

اصل نهم: کنترل و نظارت

مدیر نباید به انتخاب اولیه خود اکتفا کند؛ بلکه باید به صورت آشکار و پنهان بر حُسن انجام برامور نظارت داشته باشد و اطرافیان خود را کنترل نماید. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرماید:

«كان رسول الله اذا بعث جيشا و امهم اميرا بعث معهم من ثقاته من يتجسس له خبره»⁽¹⁾.

«هنگامی که رسول خدا لشگری را می فرستاد و امیری بر آن ها می گمارد، کسی از افراد مورد اعتماد خود را با آن ها اعزام می داشت تا مسائل مربوط به او را به حضرت گزارش دهد».

ص: 94

امام علی علیه السلام می فرماید:

«ای مالک! در امور کارگزاران خویش نظارت کن و پس از آزمایش، آنان را به کار بگمار.»

«وَابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ» (1)

«و بر آنان افراد صادق و با وفایی را به عنوان چشم «به صورت مخفی» بگمار.»

آن حضرت ملاک تداوم کار و ارتقا و اطمینان به افراد را کنترل و نظارت بلکه آزمودن کارکنان معرفی فرموده است:

«ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم اختبارا و لا تولهم محاباه و اثره» (2)

«سپس در کارهای کارمندان بنگر و آنها را با آزمایش و امتحان به کار وادار ولی از روی میل و استبداد آنها را به کار نگیر.»

«و الطمأنینه الی کل احد قبل الاختبار له عجز» (3)

«و اطمینان به هر کسی قبل از آزمایش و امتحان او دلیل عجز و ناتوانی است.»

ص: 95

1- . نهج البلاغه، عهدنامه مالک، ص 435 .

2- . همان .

3- . همان، حکمت 384 .

امام جماعت توانا کسی است که کارکنان مسجد را کنترل نماید و سعی نماید اطرافیان بر او تسلط نیابند و او را تحت نفوذ و آلت دست خود قرار ندهند و منابع اطلاعاتی او را محدود و کانالیزه نمایند و با عملکرد بد خویش، چهره او را مخدوش نمایند.

اصل دهم: توسعه فعالیت

مدیر لایق آنست که همواره درصدد گسترش تدریجی دامنه تلاش های خود باشد. اساسا ادامه وجود یک سازمان، به طور مستقیم به توانایی و قدرت آن سازمان در به ثمر رساندن اهداف و مقاصد خود در شرایط مختلف دارد. بدون توسعه فعالیت هر سازمان در معرض خطر جدی قرار می گیرد و به تدریج حذف می شود.

در روایات بر لزوم رشد کمی و کیفی تأکید شده و چنین آمده است:

«مَنْ سَاوَا يَوْمًا فَهُوَ مَغْبُونٌ»⁽¹⁾.

«کسی که دو روزش مساوی باشد، زیان کار است».

چستر بارنارد دانشمند برجسته مدیریت، افزون بر نگهداری عملیات اجرایی سازمانی، یکی از وظایف مدیریت را ادامه، بقاء و دوام فعالیت های افراد سازمانی می داند که از سه موضوع اصلی زیر تشکیل می گردد:

1 - ایجاد و نگهداری ارتباطات سازمانی.

ص: 96

1- . تحف العقول، ص 26 .

2 - دریافت خدمات فردی از کلیه افراد سازمانی.

3 - ایجاد و ادامه اهداف و مقاصد سازمانی. (1)

امام جماعت باید، با تماس و جذب همه اقشار اطراف مسجد، دامنه فعالیت های مسجد خود را به تدریج گسترش دهد و به فعالیت های جاری بسنده ننماید.

پیامبر گرامی اسلام علیه السلام به هدایت مردم مدینه و حجاز اکتفا ننمود بلکه برای توسعه دامنه فعالیت تبلیغی خود، نامه هایی به سران کشورها و فرمانروایان جهان نوشت و این نامه ها را توسط نمایندگان مخصوص و سفرای خود که همگی خالی از هر گونه تشریفات و در نهایت سادگی بودند، نزد سران کشورهای جهان فرستاد.

خوشبختانه مؤرخان اسلامی، متن نامه های آن حضرت را در کتاب های خود نقل کرده اند و بعضی آن را بالغ بر 186 نامه ذکر نموده اند.

براین اساس رفتن به مدرسه و مراکز آموزشی و دعوت تلفنی، کتبی و حضوری از دانش آموزان و کارکنان و برخی از متنفذان و سرشناسان محله و منطقه می تواند مورد توجه امام جماعت قرار گیرد.

اصل یازدهم: نظم و تقسیم اوقات

مدیر باید از نظم فکری و عملی برخوردار باشد و کار را با نظم و ترتیب خاص،

ص: 97

1- . تئوریهای مدیریت، ص 65 .

سر و سامان دهد. تا از هم‌ریختگی و از هم‌پاشیدگی امور جلوگیری نماید.

حضور به موقع، آغاز و انجام منظم امور، مرتب ساختن وضعیت، علاوه بر پیشرفت و سرعت بخشیدن اثرات مثبتی بر کارگزاران بر جای می‌گذارد و آنان را به نظم هدایت می‌نماید.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعِ وَاَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ» (1)

«من شما و همه فرزندان و اهل بیت خود و هر که نامه ام به او می‌رسد را به تقوی الهی و نظم امر سفارش می‌کنم».

بدینسان مدیر باید اوقات خود را تنظیم نماید و با این عمل، مدیریت زمان را در اختیار گیرد.

با کمال تأسف برخی از مدیران، به جای تسلط بر کار خویش، کار بر آنان مسلط می‌گردد و همیشه ذهن و فکر مشغولی دارند و در نتیجه، این کارها و مشاغل است که زمان و وقت آنان را در اختیار گرفته و اداره می‌کند!!

چنین مدیرانی به یقین نمی‌توانند درست وظایف خود را انجام دهند. این مدیران اگر اوقات خویش را، متناسب، با وظایف خود، اختصاص می‌دادند و برای رسیدگی به هر قسمت، زمان معینی را مصروف می‌داشتند، می‌توانستند

ص: 98

با تسلط کامل بر کار و زمان، مجموعه سازمانی تحت مدیریت خود را به خوبی اداره نمایند.

امام کاظم علیه السلامی فرماید:

«اجْتَهِدُوا أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ:

1 - سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ

2 - وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ

3 - وَ سَاعَةً لِمُعَاشِرَةِ الْأَخْوَانِ وَ التُّقَاتِ وَ...

4 - وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ بِهَذَا السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى ثَلَاثِ السَّاعَاتِ» (1).

سعی کنید اوقات خویش را به چهار بخش تقسیم کنید: ساعتی را برای مناجات با خدا و ساعتی را برای تأمین هزینه زندگی و ساعتی را برای معاشرت دوستان مورد اعتماد که شما را از عیوبتان با خبر می سازند و ساعتی را برای تفریح و لذت‌های حلال اختصاص دهید؛ زیرا به وسیله این ساعت چهارم است که در آن سه ساعت دیگر موفق خواهید بود».

امام جماعت باید به طور منظم در مسجد حضور یافته و برای اداره امور مختلف و شرکت در جلسات، وقت لازم را اختصاص و برای پاسخ به سؤالات و ارتباطات مردمی، ساعت‌هایی را مشخص و اعلام نماید.

ص: 99

1- . تحف العقول، ص 433 .

مدیر باید با برقراری ارتباط صحیح و صمیمی، زمینه مشارکت همکاران و جذب مراجعه کنندگان را فراهم آورد. امام علی علیه السلام می فرماید:

«أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ إِكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ» (1)

«ناتوان ترین و عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست ناتوان باشد».

همچنین مدیر باید زمینه مشارکت مردم را فراهم نماید زیرا جذب و تشکل افراد، نظر عنایت الهی را جلب و انجام امور مهم را میسر می سازد. پیامبر می فرماید:

«يُدَالِلُ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ» (2)

«دست عنایت خدا با جماعت است».

به همین جهت مدیر باید از اموری که موجب تنفر و پراکنده شدن اطرافیان و مردم می گردد، اجتناب نماید و همگان را مجذوب سازد.

مدیر باید از امور ذیل که افراد و مردم را از اطراف او پراکنده می سازد، خودداری نماید.

ص: 100

1- . بحار الانوار، ج 74 ، ص 278 .

2- . نهج الفصاحه، مترجم، ص 51 .

الف - تکبر و استبداد رأی:

«مَنْ تَقَنَّهَ وَقَرَّ وَ مَنْ تَكَبَّرَ حَقَرَ» (1).

«هر که آگاه شد، موقر و متین شد و هر کس تکبر ورزید، خوار گردید».

ب - مباحات و به خود بالیدن:

«مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُ عَلَيْهِ» (2).

«هر که از خود راضی گردید، افراد زیادی نسبت به او خشمگین خواهند شد».

ج - خنده بسیار بلند و شوخی های بی جا:

«مَنْ كَثُرَ مِزَاحُهُ اسْتَخَفَّ بِهِ» (3).

«هر کس بسیار شوخی نمود، دیگران او را کوچک و حقیر خواهند شمرد».

د - ستیزه جویی با مردم:

«إِنَّ لِلْخُصُومَةِ قَمَحًا» (4).

«همانا در خصومت و ستیزه جویی، نابودی ها نهفته است».

ص: 101

1- . بحار الانوار، ج 77، ص 285 .

2- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 470 .

3- . بحار الانوار، ج 77، ص 282 .

4- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 517 .

ه- تملق و چاپلوسی:

«مَنْ قَلَّ ذَلَّ» (1).

«هر که خود را کم گرفت خوار گردید».

افزون بر موارد فوق:

و - خلف وعده و شکستن عهد و دروغ گفتن.

ز - گوشه گیری از جامعه و دوری از مردم و عدم شرکت در مجالس شادی و سوگواری مردم، نیز مردم را از یک مدیر دور می سازد.

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مبنی بر جذب و مشارکت همگان، بهترین درس، رهنمود و راهکار برای ماست.

براین اساس امام جماعت باید با برخوردی شایسته و نیکو، مردم و به ویژه نسل جوان را جذب نماید و با حضور مداوم و برقراری ارتباط صمیمانه، زمینه حضور و مشارکت همگان را فراهم سازد.

اصول مدیریت از دیدگاه کارشناسان مدیریت

دانشمندان و کارشناسان دانش مدیریت، در مورد اصول مدیریت بر یک نظر نیستند گر چه در پاره ای از موارد، اشتراک دارند، به همین جهت دیدگاه دو تن از آنان به طور گزینشی تقدیم می گردد:

اصول مدیریت از دیدگاه هنری فایول عبارتند از:

ص: 102

1 - تنظیم برنامه: پیش بینی و برنامه ریزی برای طرح نقشه و عملیات آتی براساس تجربیات گذشته و مفروضات حال، با در نظر گرفتن چهار امر:

الف - وحدت؛

ب - استمرار؛

ج - انعطاف؛

د - دقت.

2 - سازماندهی: سازمان دادن یا به وجود آوردن تشکیلات یا مرتب و منظم نمودن آن یعنی تهیه و تنظیم فعالیتهای نیروی انسانی و قرار دادن هر فرد برمسئولیت خویش، همچنین تهیه و تنظیم تجهیزات و تسهیلات با در نظر گرفتن چهار امر:

الف - تشکیلات منظم و مرتب؛

ب - وحدت فرماندهی؛

ج - تعیین وظایف و مسئولیت ها؛

د - اتخاذ تصمیم صحیح.

3 - فرماندهی: صدور فرامین و دستور برای یکنواختی و هماهنگی فعالیت های نیروی انسانی، به وسیله مدیران با توجه به مسئولیت آنان، با رعایت تعیین اعضای ستاد فرماندهی و معرفی آنان به اعضا برای وحدت نظر در مورد تعاریف و تفهیم هدفهای سازمانی.

4 - هماهنگی: هماهنگ نمودن فعالیت های نیروی انسانی و بازده های تجهیزات و تسهیلات سازمان با بوجود آوردن سیستم همکاری و هماهنگی

ص: 103

با رعایت چهار امر:

الف - متحد نمودن افراد؛

ب - موزون نمودن فعالیت های افراد؛

ج - ارتباط صحیح اثرات و کارایی هر فرد با افراد دیگر؛

د - به وجود آوردن سیستم جریان اطلاعات و ارتباطات بین مدیران و اعضا.

5 - کنترل و نظارت: سرکشی و رسیدگی، کنترل و نظارت بر تمام فعالیت های سازمان براساس ضوابط و معیارهای مشخص و فرامین صادره از سوی مدیران با ایجاد سیستم بازرسی سریع و دقیق. (1)

هنری فایول علاوه بر اصول پنج گانه فوق در جریان تحقیقات خود اجرای اصول ذیل را نیز ارایه نمود:

1 - اصل تقسیم کار یعنی اختصاص هر قسمت از فعالیت به فردی از افراد.

2 - اصل اختیار و مسئولیت یعنی حق داشتن صدور فرمان به افراد در حیطه کاری خود.

3 - اصل انضباط یعنی تبعیت کارکنان از مقررات و دستورات مدیریت.

4 - اصل وحدت فرماندهی یعنی هر فرد باید مستقیماً تحت نظر فرد دیگری انجام وظیفه کند.

5 - اصل وحدت رهبری یعنی وحدت و یگانگی کادر رهبری برای تکنواختی فرمان ها.

ص: 104

1- . تنوریهای مدیریت، ص 50 .

6 - اصل برتری مصالح عمومی بر منفعت فردی یعنی مقدّم داشتن مصلحت عموم بر مصلحت فردی.

7 - اصل حقوق و مزایا یعنی به وجود آوردن اصول و قواعد پرداخت حقوق.

8 - اصل تمرکز یا عدم تمرکز یعنی مشخص کردن تمرکز یا عدم تمرکز امور سازمان با توجه به وضعیت و ماهیت انجام امور سازمان؛ زیرا برخی از فعالیت‌ها باید به صورت متمرکز باشد و برخی به صورت غیر متمرکز بهتر انجام می‌شود.

9 - اصل سلسله مراتب یعنی ایجاد سلسله مراتب برای ابلاغ دستور از سطوح بالا به کارگزاران.

10 - اصل ترتیب یعنی ترتیب دادن و منظم نمودن اشیاء و افراد در سازمان.

11 - اصل تساوی و انصاف یعنی رعایت عدالت و تساوی حقوق و عدم تبعیض.

12 - اصل ثبات و پایداری شغلی یعنی نگهداری مدیران و کارکنان با تجربه و تحصیل کرده.

13 - اصل ابتکار یعنی ایجاد زمینه برای بروز ابتکارات افراد.

14 - اصل روحیه همکاری یعنی تقویت روحیه همکاری به وسیله تهنید و ارتقای اخلاقی کارکنان و برقراری پیوند مناسب بین آنان. (1)

ص: 105

1- . همان، ص 55 .

بدون تردید برنامه صحیح و تعاون و همدلی اعضا و کارکنان یک سازمان، مهمترین نقش را در موفقیت آنان ایفا می کند. بنابراین مهمترین وظیفه مدیر آن است که با برنامه ریزی صحیح، به گونه ای فرماندهی و هماهنگی لازم را بین افراد پدید آورد که همه با جان و دل برای نیل به اهداف سازمان بکوشند.

لوتر گولیک(1) یکی دیگر از دانشمندان مدیریت، نتایج تحقیقات خویش را در هفت اصل ذیل (Posdcorb) به مجامع علمی عرضه نموده است:

- 1 - تنظیم برنامه یعنی پیش بینی عملیات اساسی و تعیین استراتژی براساس تجربیات گذشته، حقایق حال و فعالیتهای آینده.
- 2 - سازماندهی یعنی تعیین کلیه فعالیتهای و اختیارات برای کلیه افراد و به وجود آوردن ارتباطات رسمی و ایجاد هماهنگی.
- 3 - کارگزینی یعنی کارمندیابی، کارآموزی، استخدام و تأمین شرایط مساعد کار برای آنان.
- 4 - رهبری یعنی اتخاذ تصمیمات، صدور فرامین و دستورات و تجدید نظر و اخذ تصمیمات.
- 5 - هماهنگی یعنی تطبیق وظایف و مشاغل مختلف و منظم و مرتب نمودن فعالیت های افراد.
- 6 - گزارش دهی یعنی آگاه نمودن افراد سازمان و به وجود آوردن رابطه شغلی.

ص: 106

7- بودجه بندی یعنی تهیه و تنظیم طرح مالی درآمدها و هزینه ها. (1)

وظایف و مسئولیت های اساسی مدیریت

اشاره

دانش پژوهان مدیریت در کم و کیف وظایف و مسئولیتهای مدیریت دیدگاه های گوناگونی ابراز داشته اند؛ برخی پنج وظیفه اصلی مدیریت را:

1. برنامه ریزی؛

2. سازماندهی؛

3. برانگیختن؛

4. به کار گماری؛

5. نظارت دانسته اند. (2)

برخی وظایف مدیریت به ویژه در مدیریت استراتژیک را، تعیین اهداف دراز مدت و سالانه، تخصیص منابع، تغییر ساختار سازمانی موجود، تجدید ساختار و مهندسی مجدد، بازنگری برنامه های پاداش و تشویق، اداره کردن مقاومت در برابر تغییر، اداره کردن محیط طبیعی، ایجاد و گسترش فرهنگ حمایت از استراتژی، توجه به فرایندهای تولید و عملیات، توجه به منابع انسانی، کوچک سازی در صورت لزوم را مورد توجه قرار داده اند. (3)

ص: 107

1- . تنوریهای مدیریت، ص 67 .

2- . مدیریت استراتژیک، ص 62 - 63 .

3- . همان، ص 19 .

از نظر آنان مدیریت استراتژیک، هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیماتی است که سازمان را در رسیدن به اهدافش توانمند می سازد. (1)

هوفر و شندل برای فرایند مدیریت استراتژیک شش وظیفه اساسی را لازم دانسته اند:

1. تهیه و تنظیم هدف؛

2. تجزیه و تحلیلی محیط؛

3. تهیه و تنظیم استراتژی؛

4. ارزشیابی استراتژی؛

5. پیاده کردن استراتژی؛

6. کنترل استراتژیک. (2)

به گفته برخی دیگر، فعالیت مدیریت به ویژه در حوزه مدیریت منابع انسانی در راستای موارد زیر انجام می شود:

الف: مشخص کردن اهداف، راهبردها و سیاست گذاری ها و برنامه ریزی در زمینه توسعه منابع انسانی و اجرای آن؛

ب: فعالیت های سازمان یافته شناسایی، جذب و تربیت نیروهای خلاق و با انگیزه؛

ج: نظارت و کنترل و ارزیابی عملکرد در یک مدت زمان برنامه ریزی شده؛

ص: 108

1- . همان، ص 19 .

2- . سازمان و مدیریت، فرزاد فخمی، ص 88 .

د: برنامه ریزی جهت بسترسازی و ایجاد فرهنگ و محیطی پویا؛

ه: آگاهی از فرایند رشد ابتکار و خلاقیت در منابع انسانی؛

و: برنامه ریزی جهت تغییر رفتار شغلی افراد و سازمان در جهت خلاقیت و خوداتکایی هر چه بیشتر؛

ز: برنامه ریزی جهت شناسایی، جذب افراد نخبه و تربیت و ارتقاء توانمندی نیروهای انسانی؛

ح: آماده سازی منابع انسانی برای موقعیت های شغلی در آینده و به کارگیری تکنولوژی پیشرفته؛

ط: ایجاد ارتباط هدفمند و موثر با منابع انسانی؛

ی: تقویت ارزش ها، ایمان و باورها در خود و منابع انسانی.

با توجه به مباحث پیش گفته و با عنایت به دیدگاه های مختلف، سعی می شود تا مهمترین وظایف مدیر متناسب با مدیریت در مسجد، گزینش و ارایه شود:

1. تدوین استراتژی «تعریف مأموریت و اهداف»

اشاره

طراحی استراتژی در برگیرنده دو اقدام است:

1. تعریف مأموریت؛

2. تعیین اهداف. (1)

ص: 109

1- . مدیریت استراتژیک منابع انسانی، ص 53 .

الف) تعریف مأموریت

اولین کار یک مدیر، ارایه یک تعریف معنادار از مأموریت است. رهبر یا مدیر، به طور معمول، مأموریت مجموعه تحت مدیریت خود را می داند (1) ولی باید آن را به طور دقیق، تعریف نماید و با همکاران در میان بگذارد.

ب) تعیین هدف کلی و اهداف مشخص و جزئی

پس از تعریف مأموریت به صورت معنی دار و روشن برای همه همکاران، سازمان، یک قطب نمای دائمی برای دنبال کردن مسیر خود را در اختیار دارد و اکنون آماده است تا هدف گذاری اساسی را شروع کند. (2)

قبل از تدوین استراتژی، انجام مطالعات و کسب آمار و اطلاعات لازم و به دست آوردن شناخت کافی از موقعیت، امکانات، منابع انسانی و ... یک ضرورت است.

باید بدانیم که سازمان های متعالی:

می دانند به کجا می روند و نقاط قوت و ضعف خود را می شناسند.

به وجهه خود در جامعه می اندیشند.

نسبت به ایجاد ارزش برای مراجعان خود حساس اند.

مراجعان خود را حفظ می کنند و روز به روز تعداد آنها را افزایش می دهند.

ص: 110

1- . بسترسازی برای کار گروهی و کار تیمی، ص 48 .

2- . همان، ص 48 .

ارایه محصولات و خدمات جدیدی را پی گیری می کنند.

کارکنانی دارند که می دانند چه می کنند و احساس می کنند که در صورت کم کاری مورد چالش و در صورت وظیفه شناسی مورد حمایت قرار می گیرند. به همین جهت کارکنان آنها می توانند ضایعات و دوباره کاری را کاهش دهند.

در مورد بهسازی امور برای کارکنان و مراجعان خود حساس اند. (1)

در مراحل اولیه بررسی، بایستی به دو سؤال اساسی توجه کنید:

1. چه اهدافی برای سازمان خود در نظر گرفته اید؟

2. فعالیت ها و فرایندهای کلیدی دستیابی به آنها کدامند؟ (2)

زمانی که استراتژی و هدف کلی روشن شد، باید اهداف جزئی نیز مشخص شوند. (3)

زمانی که یک سازمان مأموریتش را تعریف کرد و استراتژی و اهداف مشخص خود را تنظیم نمود، آنگاه آماده کار می شود.

براین اساس امام جماعت باید نخست با تعریف مأموریت مسجد و هدف کلی و اهداف جزئی با توجه به شرایط خاص مسجد خود، استراتژی حرکت خود را تدوین کند و آن را با کارکنان مسجد در میان بگذارد و معیار برنامه ریزی اجرایی قرار دهد.

ص: 111

1- . تعالی انسانی، ص 12 .

2- . همان، ص 7 .

3- . بسترسازی برای کار گروهی و کار تیمی، ص 49 .

2. انتخاب و گزینش همکاران و تأمین نیروی انسانی توانا و متعهد

باید توجه داشت که تعریف مأموریت، تعیین هدف کلی و اهداف جزئی به صورت دقیق برای موفقیت در مدیریت کافی نیست؛ بلکه دستیابی به اهداف، مستلزم برخورداری از موارد زیر است:

- تعداد مناسبی از افراد؛

- با مهارت های مناسب؛

در مکان مناسب؛

و با در نظر گرفتن زمان مناسب. (1)

به همین جهت دومین وظیفه مدیر، انتخاب اعضای شایسته به عنوان تیم همکاران است.

برای انتخاب همکاران باید شایستگی های اخلاقی و کاری را ملاک گزینش قرار داد؛ افزون بر ایمان و تقوی و تعهد، باید شایستگی های تجربه و پاکی، (2) از خانواده های صالح و شایسته، (3) دارای سابقه دین داری (4)

ص: 112

-
- 1- . مدیریت منابع انسانی، ص 19 .
 - 2- . و توخ منهم اهل تجربه و الحیاء؛ و از میان آنها افرادی که با تجربه تر و پاکترند برگزین. نهج البلاغه، نامه 53 .
 - 3- . من اهل البيوتات الصالحه؛ از خانواده های شایسته. نهج البلاغه، نامه 53 .
 - 4- . و القدم فی الاسلام المتقدمه فانهم اکرم اخلاقا و اصح اعراضا و اقل فی المطامع اشراقا و ابلغ فی عواقب الامور نظرا؛ کسانی که در اسلام پیشگامترند زیرا اخلاق آنها بهتر و خانواده آنها پاکترند و همچنین کم طمع تر و در سنجش عاقب کارها بیناترند. همان، نامه 53 .

و برخورداری از نشاط کاری را نیز مد نظر قرار داد. (1)

اعضای تیم همکاران باید دارای روحیه کار اجتماعی باشند و از تک روی خودداری نمایند. امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر، ملاک انتخاب فرماندهان را چنین معرفی می نماید:

«ولیکن اثر رؤوس جندک عندک من واساهم فی معونته». (2)

«فرماندهان لشکر تو باید کسانی باشند که در کمک به افراد دیگر، بیش از همه مواسات و همدلی کنند».

همچنین همکاران انتخابی باید شجاعت سخن گفتن و خرد گوش کردن را داشته باشند.

براین اساس مدیر باید از به کار گرفتن، گماردن و انتصاب افراد نالایق و ناتوان به کارها دوری کند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«من استعمل غلاما فی عصابه فیها من هو ارضی لله منه فقد خان الله». (3)

«کسی که جوانی را به حکومت عده ای بگمارد،

ص: 113

1- امام علی علیه السلام: لا تتکل فی امورک علی کسلان؛ در کارهایت بر انسان های کسل تکیه نکن. غررالحکم، ج 2، ص 321.
امام صادق علیه السلام: لا تستعن بکسلان و لا تستشیرن عاجزا؛ از افراد کاهل و ناتوان کمک منخواه و از انسان های ناتوان، طلب مشورت مکن. فروع کافی، ج 5، ص 85.

2- نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، نامه 53 به مالک اشتر.

3- بحار، ج 23، ص 75.

در حالی که فردی در بین آن جمع وجود دارد که بیشتر مورد رضای خداست، به خداوند خیانت کرده است».

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

«من استعان بالضعیف ابان عن ضعفه».(1)

«کسی که افراد ضعیف را به یاری برگزیند، ضعف خود را آشکار کرده است».

گفتنی است در انتخاب کارکنان و همکاران، باید مصلحت اندیشی های پنداری را کنار گذاشت و به شایستگی ها توجه نمود. پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«ایما رجل استعمل رجلا- علی عشرة انفس علم ان فی العشرة افضل ممن استعمل فقد غش الله و غش رسوله و غش جماعه المسلمین».(2)

«کسی که فردی را بر ده نفر حاکم نماید، در صورتی که می داند در میان آن ده نفر، فرد بهتر و برتر از آن که او گمارده، وجود دارد، همانا به خدا و رسول و جامعه مسلمین خیانت کرده است».

به یک نمونه از انتخاب همکاران توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم توجه فرمایید:

ص: 114

1- . غرر الحکم، ج 2، ص 180 .

2- . نهج الفصاحه، ص 207، شماره 1029 .

در جنگ بدر که نخستین جنگ های اسلامی است و پیامبر اسلام فوق العاده نیازمند به نیروهای مجرب و جنگجو بود، پیش از شروع جنگ در محلی به نام عقیق، شخصی موسوم به خبیب بن یساف که رزمنده ای دلیر و شجاع و با تجربه بود با دوستش به نام قیس، در حالی که غرق در تجهیزات جنگی بودند، به پیامبر رسیدند. پیامبر از آنها پرسید که برای چه آمده اید؟

خبیب پاسخ داد که به خاطر خویشاوندی و همسایگی و غنائم احتمالی آمده اند که همراه او بجنگند. پیامبر فرمود: کسی که آیین و عقاید ما را قبول ندارد نباید همراه ما باشد!

خبیب در حالی که از پاسخ پیامبر اسلام سخت شگفت زده شده بود که چرا در چنین وضعی پیامبر یاری و همراهی آن ها را نمی پذیرد، مقداری در باره تجربه و شجاعت و دلاوری خود توضیح داد و در پایان گفت:

«فأقاتل معك للغنيمه و لا اسلم».

«اجازه بدهید که برای غنیمت همراه شما بجنگم ولی اسلام نیاورم!».

پیامبر اسلام با قاطعیت تمام پاسخ داد:

«لا، اسلم ثم قاتل».

«خیر اسلام بیاور سپس بجنگ!».

خبیب نپذیرفت ولی پس از مدتی کوتاه در منزلگاه دیگری به نام روحاء خدمت آن حضرت رسید و گفت:

«يارسول الله! اسلمت لله العالمين و شهدت انك رسول الله».

«ای پیامبر خدا! در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم و گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا هستی».

او در جنگ بدر و جنگ‌های دیگر اسلامی در سپاه اسلام نقش حساس و تعیین‌کننده ای داشت. (1)

در اینجا نیکوست به این نکته اساسی اشاره شود که «مدیریت منابع انسانی» را یکی از شاخه‌ها و وظایف اساسی، بلکه کلید موفقیت مدیریت دانسته‌اند.

مدیریت منابع انسانی موضوعی است که اساساً با انسان سر و کار دارد؛ یعنی همان افرادی که برای یک سازمان کار می‌کنند. (2)

مدیریت صحیح منابع انسانی از بروز مشکلات برای کارکنان و توسط آن‌ها و به دلیل سطح نامناسب منابع انسانی، جلوگیری می‌کند و مشکلاتی که می‌تواند به فاجعه بزرگی تبدیل شود را حل می‌کند. (3)

شاید مهمترین راز و رمز این نکته، آن باشد که هر مدیر یا سرپرست با تعدادی از افراد کار می‌کند و کمتر مدیری وجود دارد که منابع انسانی در اختیار نداشته باشد. مدیریت منابع انسانی مثل مدیریت سایر منابع نیست که بتوان به دیگری واگذار نمود.

ص: 116

1- . نک. شرح ابن ابی الحدید، ج 14، ص 111 .

2- . مدیریت منابع انسانی، ص 2 .

3- . همان، ص 4 .

وظیفه مدیر در این راستا عبارتند از:

الف) تأمین منابع انسانی یعنی یافتن افراد مناسب، پرورش آنها در مهارت های مورد نیاز و حصول اطمینان از این که نتایج ارزشمندی را برای سازمان به همراه خواهد داشت.

ب) توسعه منابع انسانی یعنی تأمین و تدارک افراد و طراحی آموزش مهارت های لازم به آنان برای فعالیت های آتی.

ج) مدیریت عملکرد و پاداش: ایجاد نظام مدیریت بر عملکرد و نظام پرداختی که هم عوامل انگیزشی و هم پاداش را تأمین نماید. به مفهوم دیگر ایجاد انگیزه های لازم برای پیوستن افراد به سازمان و ماندن در آن در جهت بهبود عملکرد مرکز.

د) برقراری ارتباط سازنده با منابع انسانی.

زمینه کلیدی مدیریت منابع انسانی را چنین معرفی کرده اند:

1. برنامه ریزی سطوح اشتغال و تنظیم آن ها؛

2. انتخاب و به کارگرفتن همکاران؛

3. آموزش و پرورش کارکنان؛

4. ارزیابی کارکنان؛

5. بهداشت و ایمنی محیط؛

6. روش های اجرایی به خصوص در موارد انضباطی و شکایات. [\(1\)](#)

ص: 117

1- مدیریت منابع انسانی، ص 5.

پس از انتخاب همکاران شایسته، نباید کار را تمام شده پنداشت؛ بلکه باید همواره توسعه منابع انسانی را به صورت استراتژیک مد نظر قرار داد و اقدامات ذیل را در دستور کار قرار داد:

الف. آموزش برنامه ریزی شده و مستمر کارکنان در راستای اهداف تعریف شده؛

ب. طراحی و اجرای مکانیزم های ارزیابی عملکرد (کارکنان، واحدها و سازمان)؛

ج. طراحی و اجرای مکانیزم های انگیزشی؛

د. ایجاد و به کارگیری روش های جدید متناسب با شرایط و نیازهای سازمان مورد تغییر؛

ه. به کارگیری سایر روش ها و ابزارهای مناسب و اثربخش در راستای روند تکاملی تغییر. (1)

گفتنی است شناخت انسان و قوانین حاکم بر تاریخ، جامعه و انسان و استفاده از آنها در مدیریت منابع انسانی بسیار مهم است. همچنین باید به این نکته توجه داشت که کارکنان تمایل دارند نسبت به سازمانی که در آن کار می کنند و کاری که به آنها واگذار شده است، احساس غرور و افتخار کنند؛ هنگامی که مدیریت، تصمیم گیری ناپخته و متوسط را می پذیرد، غرور آنها آسیب

ص: 118

1- . بسترسازی برای کار گروهی، ص 16 .

هدف کلی مدیریت منابع انسانی عبارت است از تضمین این که سازمان بتواند به کمک کارکنانش، موفق شود. سیستم های مدیریت منابع انسانی می توانند منبع قابلیت ها و توانایی های سازمانی باشند که به مجموعه، امکان می دهد تا فرصت های جدید را شناسایی و روی آنها سرمایه گذاری کنند. سازمان را قادر سازد تا کارکنان ماهر، متعهد و با انگیزه را جذب کند و به خدمت گیرد و از طریق آموزش های ذاتی آنها، مشارکت، توان بالقوه و همکاری آنها را تقویت کند و توسعه بدهد، جوی مناسب فراهم آورد که در آن بتوان روابطی مؤثر و هماهنگ را از طریق مشارکت بین مدیران و کارکنان برقرار و حفظ نمود. با در نظر گرفتن تفاوت های فردی و گروهی کارکنان از حیث مهارت ها، سلیق و روحیات، نیروی کاری متنوع را ایجاد و مدیریت کند. (2)

در این گونه مدیریت، مدیر باید بداند چرا عده ای خوب کار می کنند، اما عده ای ناراضایتی دارند؟ علت علاقه و یا بی علاقهگی آنان به شغل چیست؟ (3)

با عنایت به حضور مؤثر و مشارکت فعال اقشار مختلف مردم در مسجد، مهمترین مسئولیت مدیریتی یک امام جماعت، مدیریت منابع انسانی حاضر در یک مسجد است؛ ولی باید توجه داشت که در یک مسجد، منابع انسانی که باید

مدیریت شوند، فقط اعضای هیئت امنا، خادم، نیروهای بسیج و کانونهای مسجد

ص: 119

- 1- . پانزده گفتار در مدیریت انسانی، ص 18 و 19 .
- 2- . مدیریت استراتژیک منابع انسانی، ص 20 - 21 .
- 3- . اصول و مبانی مدیریت مدیریت عمومی، ص 146 .

نیستند، بلکه در مدیریت منابع انسانی یک مسجد، باید امام جماعت افزون بر مدیریت کارکنان مسجد، باید مدیریت عاطفی، اجتماعی، علمی و معنوی مأمومین و نمازگزاران را نیز بر عهده گیرد و آن را به خوبی انجام دهد و گرنه مسجد از جذابیت و رونق لازم برخوردار نخواهد بود.

3. مدیریت و رهبری منابع انسانی

اشاره

پنج عامل توانمندسازی یک سازمان را چنین معرفی کرده اند: رهبری، خط مشی و استراتژی، کارکنان، مشارکت و منابع و فرایندها. (1)

اکنون این پرسش مطرح است که رهبری سازمانی چیست؟ آیا رهبری سازمانی، غیر از مدیریت سازمانی است؟

با عنایت به آن که رهبری سازمانی را «فرآیند نفوذ بر فعالیتهای گروهی در جهت تحقق هدفها» تعریف کرده اند و رهبر یک سازمان را «کسی دانسته اند که می کوشد بر افراد تحت سرپرستی خود اثر گذاشته، آنها را در نیل به اهداف سازمانی برانگیزد و هدایت کند»، (2) در سال های اخیر بیشتر کارشناسان، براین باورند که رهبری با مدیریت متفاوت است. (3)

بدینسان در مدیریت منابع انسانی برخی از افراد، افزون بر مدیریت،

ص: 120

1- . تعالی انسانی، ص 52 .

2- . مدیریت فراملیتی و جهانی، ص 70 .

3- . رفتار سازمانی، ص 639 .

نقش رهبری همکاران خود را نیز ایفا می کنند، یعنی دارای دو نقش مدیریت و رهبری هستند:

مدیرانی که با بینش و عملکرد صحیح خود، شخصیتی محبوب و الگو نزد همکاران خود یافته و توجه خود را روی تشویق، توانمندسازی و پشتیبانی از گروه همکارانشان متمرکز می کنند، مدیرانی هستند که علاوه بر مدیر، رهبر افراد سازمان خود نیز هستند.

محور و مباحث مورد گفتگوی رهبری در یک سازمان؛ هدایت کردن به جای دستور دادن و کارکنان را بدون شدت عمل به توجه کردن و یادداشت برداری واداشتن، هدایت رفتار و اعمال گروه مدیران ارشد که فرهنگ، ارزش ها و مسیر سازمان را تعیین می کنند، برقرار کردن فرهنگ و ارزش های مهم در سازمان، حصول اطمینان از این امر که اهداف سازمان توسط استراتژی و خط مشی آن تحقق می پذیرد و هماهنگ ساختن نحوه مدیریت و ساختار سازمان با معیارهای بلوغ و شرایط متحول است. (1)

مسئولیت های تعریف شده برای رهبری یک تیم عبارتند از:

مشخص کردن انتظارات، فراهم کردن منابع تیم، حفظ توجه به تیم، ارابه باز خورد مثبت، برقراری ارتباط با سازمان، شرکت در انجام کار، ارزیابی دوباره موقعیت ها، ارزیابی پیشرفت کار، واکنش نسبت به دست آوردها، مقابله با بروز مشکلات در روابط تیم، اقدام به تغییرات در عضویت تیم در صورت

ص: 121

باید توجه داشت که فرهنگ توانمندسازی کارکنان تنها در فضایی آکنده از اعتماد که در آن ابتکار و نوآوری تشویق می شود، شکوفا می گردد. بنابراین باید افزون بر به مهار کردن تضادها و اختلافات به جای سرپوش گذاشتن بر آنها اندیشید و با ایجاد و صرف وقت برای مشارکت افکار و عقاید همت گماشت و به این ترتیب توجه و علاقه خود را به کارکنان نشان داد و به جای انباشتن اطلاعات به عنوان پایگاه قدرت، دیگران را در آن شرکت داد و منابع را به اندازه مسئولیت هر یک در اختیار آنها قرار داد. (2)

برابر روایتی قابل دقت و توجه از امام صادق علیه السلام، کسانی که در مساجد حضور می یابند، انسانهایی برگزیده و از برترین افراد جامعه هستند:

«یا فضل! لا یأتی المسجد من کل قبیله الا وافدها و من کل اهل بیت الا نجیها». (3)

«ای فضل! از هر قبیله ای به مسجد نمی آیند مگر انسان های الگو و نمونه آن و از هر خانواده نیز به مسجد نمی آیند مگر انسان های نجیب و شایسته آن».

حضور برگزیدگان و شایستگان در مسجد، مسئولیت مدیر و مسئولان آن

ص: 122

1- . بسترسازی برای کار گروهی و کار تیمی، ص 64 و 65 و 66 و 67 .

2- . تعالی انسانی، ص 28 .

3- . امالی شیخ صدوق، ص 46 .

را افزونتر می سازد، بدین رو نه تنها امام جماعت باید بکوشد تا وظیفه مدیریت مسجد را به خوبی انجام دهد؛ بلکه باید به عنوان یک رهبر روحانی و یک مبلغ آموزه های دینی تلاش نماید با ارایه بینش و نگرش متعالی، گفتار سنجیده، رعایت آداب دینی معاشرت و ارایه عملکردی صحیح از خود، شخصیتی محبوب و الگو نزد مسئولان و نمازگزاران مسجد باشد و توجه خود را بر روی تشویق، توانمندسازی و پشتیبانی از همکاران و مردم حاضر در مسجد متمرکز سازد به گونه ای که بتواند نقش رهبری کارکنان و نمازگزاران، بلکه همه مردم منطقه را به خوبی ایفا کند.

در مدیریت منابع انسانی افزون بر مطالب پیش گفته، باید به دو نکته اساسی توجه نمود:

الف) هدایت و انگیزش سازمانی

یکی از مهمترین وظایف و مسئولیت های اساسی رهبری و مدیریت یک سازمان، تأثیرگذاری و نفوذ بر افراد در جهت انجام وظیفه با میل و علاقه و به عبارت دیگر، فرایندی است که مدیریت می کوشد با ایجاد انگیزه و ارتباطی مؤثر، انجام سایر وظایف خود را در تحقق اهداف سازمانی، تسهیل کند و کارکنان را از روی میل و علاقه به انجام وظایفشان ترغیب کند.

برخی از کارشناسان مدیریت، منابع پنج گانه ذیل را برای توانایی و نفوذ مدیریت بر کارکنان لازم دانسته اند. به گفته آنان مدیر باید از راه های ذیل اعمال نفوذ کند:

1 - قدرت مرجع بودن: یعنی توانایی ناشی از قبول رهبر به وسیله دیگران به عنوان مرجع و الگو.

2 - قدرت قانونی: یعنی توانایی ناشی از قانون، که مدیر را قادر می سازد بر مرئوسان تأثیر گذاشته به رفتارشان جهت دهد.

3 - قدرت تخصصی: یعنی توانایی ناشی از تخصص و کاردانی مدیر که فرمان او را بر دیگران نافذ می سازد.

4 - قدرت پاداش: یعنی توانایی دادن پاداش مادی و معنوی به کارکنان.

5 - قدرت تنبیه: یعنی توانایی تنبیه کارکنان به منظور تحقق اهداف سازمان.

اما برخی از کارشناسان مدیریت، خصوصیات فردی مدیر نظیر خصوصیات ظاهری، تحصیلات، هوش، انسانگرایی، شخصیت، پشتکار، تلاش، مرتبت اجتماعی و سیاسی را در رهبری مؤثر می دانند.

برخی از نظریه پردازان مدیریت، سیستم های مدیریت، نظیر سیستم وظیفه مدارانه و آمرانه، یا سیستم اطمینان و اعتماد به زیردستان، یا مدیریت از طریق برقراری ارتباط صمیمانه و مشارکت جویانه در تمام امور را، در توفیق مدیریت مؤثر می دانند.

ولی عده ای دیگر از کارشناسان می گویند: باید رهبری صحیح و شیوه متناسب را براساس شرایط، به اقتضای موقعیتها تعیین نمود.

بنابراین دیدگاه ها، امام جماعت باید با حضور و پشتکار خود، همچنین از طریق به وجود آوردن یک سیستم معنوی متناسب با مسجد خود و با مشارکت

دادن همگان، امور مسجد را به طور صحیح رهبری نماید و با عنایت به روحیات مختلف کارکنان و مراجعان، بکوشد همه افراد را با هم پیوند دهد و آنها را در پیشبرد هدف کلی به کار گیرد.

(ب) ارتباطات سازمانی

اشاره

مسئولیت مهم دیگر مدیر، تنظیم ارتباطات صحیح سازمانی است؛ ارتباط، تار و پود یک سازمان را به هم پیوند داده و موجب یکپارچگی و وحدت سازمانی است، به همین جهت وجود ارتباطات صحیح در سازمان، یکی از اجزای مهم موفقیت به شمار می آید.

مقصود از تنظیم ارتباطات، تنها مکاتبات اداری یا وسایل ارتباطی نیست، بلکه مراد از آن، انتقال و تبادل بدون واسطه یا با واسطه اطلاعات، مفاهیم و معانی و احساسها بین افراد در سازمان است.

گفتنی است که نمودار رسمی هر سازمان، کانال و مجاری ارتباطات رسمی را نشان می دهد ولی در اکثر سازمانها، ارتباطات غیر رسمی وجود دارد و چه بسا ارتباطات غیر رسمی، نافذتر از ارتباطات رسمی عمل می کند.

بنابراین مدیر باید علاوه بر ارتباطات رسمی، با برقراری ارتباطات عاطفی با تک تک کارکنان، قلب آنان را تسخیر نماید.

در این راستا توجه به چند نکته مناسب است:

1. در اجرا و به کارگیری اصول سخت گیر، اما انعطاف پذیر باشید.

2. نسبت به اشتباهات، مصالحه و گذشت کنید.

ص: 125

3. پرسش و تجربه آموزی را بخشی از فرهنگ سازمانتان سازید.

4. هرگاه در راه تغییر گام برمی دارید، از سختی های موقتی و از مشکلاتی که به طور طبیعی فرا راhtان قرار خواهند گرفت، نهراسید. (1)

5. بکوشید مشارکت همگان را در یک کار گروهی جلب کنید و سامان دهید؛ اگر ما بتوانیم تفکر کار گروهی را بر سازمانمان حاکم گردانیم، کارکنان به این اندیشه ارزشمند دست می یابند که هر فرد یا واحد سازمانی، یک گروه کاری و کل سازمان نیز گروه کاری بزرگتری است که همه نسبت به نتایج حاصل از عملکرد آن مسئول هستند. (2) این نگرش، راز بزرگ موفقیت یک سازمان است.

6. با تعیین دقیق وظایف هر یک از کارکنان، ارتباط شایسته ای را میان آنها به وجود آورید؛ وجود ارتباطات شایسته در همه جهات یعنی همه می دانند دیگران چه می کنند و فعالیت های مختلف چگونه با یکدیگر ادغام و هماهنگ

می شود.

7. احساس مسئولیت را در کارکنان بالا ببرید و محیط کار را سالم و از سرزنش عاری سازید؛ کارکنان مسئول کارکنانی هستند که نسبت به کار خود احساس تعلق می کنند و در فرایند برنامه ریزی و بهسازی مشارکت دارند.

8. هنگامی که کار برای کارمندان شرایطی را فراهم می کند که از فکرشان

ص: 126

1- . بسترسازی برای کار گروهی و کار تیمی، ص 17 .

2- . همان.

استفاده کنند، مهارت های جدیدی یاد بگیرند و با موقعیت هایی روبرو شوند که آنها را به رشد و می دارد، آنان سرزنده باقی می مانند و احساس مسئولیت بیشتری می کنند. (1) پس چنین موقعیت هایی را برای کارکنان خود به وجود آورید.

9. توجه داشته باشید که هر عمل، پاسخ یا ارتباط مدیریت، پیامی در خصوص میزان احترام یا عدم احترام به کارکنان را به دنبال دارد. (2) پس مراقب نحوه پاسخ دادن و اعمال خود باشید.

10. از آنجا که محیط سالم کاری، محیطی است که در آن کارکنان این آزادی را دارند که از طریق هدف های مورد توافق و بازخورد منظم، کارایی خود را بیازمایند و در صورت اشتباه، سرزنش نمی شوند، پس در امور کوچک از گیر دادن و به رخ کشیدن اشتباهات پرهیزید. در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می خوانیم که آن حضرت هرگز دیگران را مذمت و سرزنش نمی کرد:

«قَدْ تَرَكَ النَّاسَ مِنْ ثَلَاثٍ: كَأَن لَّا يَدُومُ أَحَدًا وَلَا يُعِيرُهُ وَلَا يَطْلُبُ عَوْرَتَهُ». (3)

(سه چیز را در مورد مردم ترک نموده بود:

1 - هیچ کس را مذمت نمی نمود.

ص: 127

1- . پانزده گفتار در مدیریت انسانی، ص 21 .

2- . همان، ص 22 .

3- . مناقب امیرالمومنین، محمد بن سلیمان الکوفی، ص 26 .

2- هیچ کس را سرزنش نمی کرد.

3- در مورد اسرار یا عیوب کسی به جستجو نمی پرداخت».

11. به صورت مکرر و مداوم از کارکنان قدرشناسی کنید؛ ابزار قدرشناسی واقعی، ساده، کم هزینه و فوق العاده مؤثر است. پژوهش نشان می دهد که قدرشناسی اگر قوی ترین عامل انگیزش در کارمندان نباشد، یکی از قوی ترین عوامل است. (1)

عوامل مؤثر در برقراری ارتباطات سازنده

به کارگیری اصول زیر در برقراری ارتباط سازنده مدیران با منابع انسانی و افراد دیگر مؤثر است:

الف) اسامی افراد را به خاطر بسپارید و آنها را با اسم خودشان بخوانید.

ب) فرد راحتی باشید، تا کسی از ارتباط و تعارف با شما احساس ناراحتی نکند.

ج) بر این باور باشید که هیچ چیز نباید آرامش شما را به هم بزند.

د) خودپرست نباشید و بیهوده تظاهر نکنید.

ص: 128

1- . پانزده گفتار در مدیریت انسانی، ص 20 .

ه- به هنگام صحبت با دیگران فکر کنید و برداشت های ارزشمندی را به مخاطب منتقل کنید.

و) شخصیت خودتان را زیر ذره بین قرار دهید، تا بتوانید عوامل ناهنجار را از آن خارج کنید.

ز) سعی کنید از سوء تفاهم ها خود را خلاص کرده و گلایه ها را از ذهنتان بیرون کنید.

ح) دوست داشتن افراد دیگر را تمرین کنید.

و) همیشه از فرصت هایی که برای تبریک گفتن یا اظهار همدردی در غم، اندوه و ناکامی های افراد پیش می آید، استفاده کنید.

ت) به مردم قدرت روحی بدهید تا محبت بی ریایشان را نصیبتان کنند.

ی) در صحبت با دیگران از سه عبارت زیر به فراوانی استفاده کنید:

1. با شما موافقم!

2. به عقیده شما احترام می گذارم!

3. نظر شما را تحسین می کنم!

همچنین مدیران منابع انسانی برای طرفدار ساختن دیگران نسبت به نگرش های خود لازم است به موارد زیر توجه نمایند:

الف) تقویت نگرش فعال در خود (فعال کردن خود).

ب) تقویت نگرش اهمیت دادن به دیگران.

ج) تقویت نگرش تقدم ارایه خدمات به دیگران (در خدمت به دیگران، جلوتر از آنها باشید).

د) قدردانی و تشکر (در مقابل کاری که دیگران برای شما انجام می دهند، سپاس گزار باشید). (1)

سبک های مختلف مدیریت و رهبری سازمانی

سبک های مدیریت و رهبری در یک سازمان، گوناگون است و هر کدام دارای ویژگی هایی است که به آن اشاره می شود:

1. مدیریت و رهبری اقتدارگرا؛ رهبری اقتدارگرا، قدرت خود را از منابعی مثل مقام، دانش، زور، یا توانایی تشویق و تنبیه می گیرد؛
2. مدیریت و رهبری بوروکراتیک: رهبر بوروکراتیک همانند اقتدارگرا به مردم می گوید که چه بکنند و چگونه بکنند، اما پایه همه دستورات او، انحصار سیاست ها و دستور العمل های سازمانی و اداری است؛
3. مدیریت و رهبری دیپلماتیک: یک رهبر دیپلماتیک هنرمندی است که با استفاده از هنر خود برای متقاعد کردن افراد عمل می کند؛
4. مدیریت و رهبری مشارکتی؛ رهبر مشارکتی، به صورت باز، مردم را به شرکت در تصمیم گیری ها، سیاست گذاری ها و تعیین روش های اجرایی برای زمینه های محدود و یا گسترده دعوت می نماید؛
5. مدیریت و رهبری رها کرده؛ رهبری است که کارها را لجام گسیخته رها

ص: 130

1- فصلنامه توسعه تکنولوژی، سال سوم، شماره نهم، زمستان 1384، مقاله بررسی عوامل مؤثر و ابعاد مختلف مدیریت توسعه تکنولوژی در هزاره سوم، ص 21.

می کند، البته رهبری رها کرده به مفهوم کنار گذاردن هر نوع کنترل نیست. (1)

نقش و وظیفه مدیریت و رهبری در سبک های مختلف اداره و رهبری سازمانی، شکل و عنوانهای متفاوتی به شرح زیر یافته است:

1. مدیر و رهبر به عنوان مجری؛
2. مدیر و رهبر به عنوان برنامه ریز؛
3. مدیر و رهبر به عنوان سیاست گذار؛
4. مدیر و رهبر به عنوان متخصص؛
5. مدیر و رهبر به عنوان نماینده خارجی گروه؛
6. مدیر و رهبر به عنوان کنترل کننده روابط خارجی؛
7. مدیر و رهبر به عنوان مسئول تشریفات و تنبیهات؛
8. مدیر و رهبر به عنوان واسطه یا داور؛
9. مدیر و رهبر به عنوان نمونه؛
10. مدیر و رهبر به عنوان هویت و علامت گروه؛
11. مدیر و رهبر به عنوان جانشین مسئولیت های فردی؛
12. مدیر و رهبر به عنوان ایدئولوژیست؛
13. مدیر و رهبر به عنوان شبه پدر؛
14. مدیر و رهبر به عنوان سپر بلا. (2)

ص: 131

1- اصول و مبانی مدیریت، ص 126 - 128 .

2- همان.

در مورد مدیریت و رهبری نیروی انسانی و جذب و ایجاد انگیزش در دیگران، در سیره رسول اعظم خداوند صلی الله علیه و آله وسلم چنین می خوانیم:

«خوش خوی و نرم بود، خشن و درشتخو نبود، سبک و دارای قهقهه نبود، ناسزاگو و عیب جو نبود، کسی را به زیادی ستایش نمی کرد و هرگز کسی را مذمت و سرزنش نمی نمود، در باره اسرار و لغزش های مردم

جستجو نمی کرد، جز در جایی که امید ثواب در آن داشت، سخن نمی گفت، به هنگام تکلم، چنان حاضران را به خود جذب می کرد که آنان را در جای خود میخکوب می نمود، گویا بر سر آنان پرده ای نشسته است»⁽¹⁾.

«در برابر هیچ کس، سخنی که مورد پسند نبود، بر زبان نمی آورد»⁽²⁾.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ساده می زیست و از ایجاد تشریفات یا ایجاد حشمت و جلال ظاهری نفرت داشت، زندگیش از هر گونه تکلف خالی بود. زیرا خداوند به او فرمان داده بود:

ص: 132

1- «لین الجانب لیس بفظ ولا غلیظ ولا ضحاک ولا فحاش ولا عیب و لا مداح... کان لا یدم احدا ولا یعیبه و لا یطلب عثراته و لا عورته و لا یتکلم الا فیما رجی ثوابه، اذا تکلم اطرق جلسائه کان علی رؤسهم الطیر»، مکارم، ج 1، ص 163.

2- «و کان لا یتکلم احدا بکلام یکرهه»، مکارم، ج 1، ص 22.

«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا بِمُتَكَلِّفِينَ» (1).

«به مومنین بگو من برای رسالت، پاداشی نمی خواهم و متکلف نیستم».

به همین جهت در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می خوانیم:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَفِيفُ الْمُؤْنَةِ» (2).

«همواره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم کم هزینه بود و به سادگی می زیست».

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با کاروانی همراه می شد، خود کارهای شخصی خویش را انجام می داد و علاوه بر آن، انجام خدمتی را در کاروان عهده دار می گردید.

قرآن کریم یک قاعده کلی بیان می کند و چنین می فرماید:

«مَا كَانَ لِإِنْسَانٍ أَنْ يُوْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَ النَّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ» (3).

«هرگز انسانی که خداوند به او کتاب، حکمت و نبوت عنایت فرموده، حق ندارد به مردم بگوید: بنده من باشید!!!».

آری پیامبران الهی علیهم السلام مردم را به سوی خداوند دعوت می نمودند

ص: 133

1- . ص: 86 .

2- . ارشاد القلوب، باب 32 ، ص 155 .

3- . آل عمران: 79 .

و ردای جلال و عظمت را، تنها لایق خداوند می دانستند و با آن همه جلالت قدر، بدون عجب و استکبار و به صورت بنده می زیستند. ساده و بدون هرگونه تکلف. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود می فرمایند:

«نَحْنُ مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأُمَنَاءِ وَالْأَتْقِيَاءِ بُرَاءٌ مِنَ التَّكَلُّفِ» (1).

«زندگی ما انبیاء و اُمناء و پرهیزکاران، خالی از تکلف می باشد».

ابن مسعود می گوید:

«أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ يُكَلِّمُهُ فَأَرَعَدَ فَقَالَ: هَوْنٌ عَلَيْكَ فَلَسْتُ بِمَلِكٍ، إِنَّمَا أَنَا ابْنُ إِمْرَأَةٍ كَانَتْ تَأْكُلُ الْقِدَّةَ» (2).

«شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید تا با او سخن بگوید، در هنگام سخن گفتن دچار لکنت زبان گردید، پیامبر به او فرمود: راحت باش! من پادشاه نیستم! من فرزند زنی هستم که غذایش قطعه ای نان خشک بود».

در این مورد امام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز سخن کوتاه ولی جامعی را بیان فرموده اند که عمل به آن می تواند از بروز بسیاری از مشکلات پیشگیری کند:

«إِيَّاكَ وَكُلَّ عَمَلٍ يُنْفَرُ عَنْكَ حُرًّا أَوْ يُدُلُّ لَكَ قَدْرًا أَوْ

ص: 134

1- . اصول کافی، ج 2، ص 671 .

2- . بحار الانوار، ج 16، ص 229 .

يَجْلِبُ عَلَيْكَ شَرًّا أَوْ تَحْمِلُ بِهِ إِلَى الْقِيَامَةِ وَزُرًّا» (1).

«از هرگونه رفتاری که انسان آزاده ای را از تو بیزار کند، یا ارزش و شخصیت تو را کاهش دهد، یا گرفتاری و شری را بر تو وارد سازد یا در قیامت و بال و بار سنگینی بردوش تو می نهد، بپرهیز».

امام جماعت باید به گونه ای مردم مسجد و منطقه خود را رهبری کند که نقش رهبری او به عنوان الگویی معنوی و الهی، خودساخته، خیراندیش و غیر قابل سوء استفاده شناخته شود.

4. برنامه ریزی

تدوین و تعیین فعالیت هایی که باید در محدوده راه ها و در چارچوب روش های مشخص شده انجام پذیرد را برنامه ریزی دانسته اند. به دیگر سخن، برنامه ریزی یعنی انتخاب راه و روشی مناسب برای بهتر رسیدن به هدف. (2)

برابر فرموده امام علی علیه السلام: برای هر چیزی، چاره ای وجود دارد؛ لکل شیء حیلہ (3) همچنین به فرموده آن حضرت: ظرافت و دقت در برنامه ریزی بهتر

ص: 135

1- . غررالحکم، ج 1 ، ص 157 .

2- . اصول و مبانی مدیریت، ص 50 .

3- . بحار، ج 8 ، ص 44 .

و سودمندتر از امکانات است؛ التلطف فی الحیله اجدی من الوسیله. (1)

برنامه ریزی را می توان پاسخ به 3 «ک» (کی، کجا، کی) و 3 «چ» (چی، چرا، چگونه) دانست. (2)

برنامه ریزی دارای گونه های مختلفی است، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد و مطلوب و ایده آل است، تهیه برنامه جامع و استراتژیک است.

برنامه ریزی جامع و استراتژیک فرایندی است در جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت بخشیدن به تلاش های آن برای نیل به اهداف و رسالت های بلند مدت با توجه به امکانات و محدودیت های درونی و بیرونی.

این نوع برنامه ریزی شامل مراحل زیر است:

- تعیین و تدوین اهداف آینده سازمان.

- شناخت اهداف و استراتژی های موجود سازمان.

- تجزیه و تحلیل شرایط محیطی سازمان.

- تجزیه و تحلیل منابع و امکانات سازمان.

- شناخت وضع موجود سازمان.

- تعیین تغییرات مورد لزوم در استراتژی ها.

- تصمیم گیری در مورد استراتژی مطلوب.

- اجرای استراتژی جدید.

- کنترل و سنجش استراتژی جدید در عمل.

ص: 136

1- . غررالحکم، ج 1 ، ص 107 .

2- . اصول و مبانی مدیریت، ص 50 .

بنابراین امام جماعت باید برای نیل به اهداف مشخص هر مسجد، خط مشی جامعی را طراحی و براساس آن برنامه ریزی نماید.

5. ساماندهی

اشاره

اساساً سازمان عبارت است از هماهنگی معقول تعدادی از افراد که از طریق تقسیم وظایف و برقراری روابط منظم و منطقی، برای تحقق هدف یا منظور مشترکی، به طور مستمر، فعالیت می کنند. (1)

برخی سازمان را عبارت از «ساختاری از روابط قدرت، اهداف، نقش ها، فعالیت ها، ارتباطات و عوامل دیگر بین افرادی که به صورت گروهی کار می کنند»، دانسته اند. (2)

جان ام گائوس مؤلف کتاب «تئوری سازمانی در مدیریت عمومی» می گوید:

«سازمان عبارت است از تنظیم افراد، جهت تسهیل در به ثمر رساندن مقاصد همگانی از راه تجنیس کارکرد و وظائف». (3)

زندگی انسان ها از آن جهت که یک زندگی اجتماعی است، از واحدهای

ص: 137

1- . اصول و مبانی مدیریت، ص 77 .

2- . نظریه های سازمان و مدیریت، ص 33 .

3- . تئوریهای مدیریت، پرهیزکار، ص 18 .

مختلفی تشکیل شده که ما هر یک از آنها را سازمان و ارگان های نظام اجتماعی می نامیم. بایشرفت زندگی اجتماعی، به تدریج سازمانهای جدیدی نیز شکل گرفته است. یکی از اساتید معاصر رشته مدیریت دانشگاه کلمبیا(1) در باره سازمان های جدید اجتماعی زندگی ما می گوید:

«جامعه معاصر ما جامعه ای است سازمان یافته، در سازمان هایی که افراد خانواده ما زندگی می نمایند، ولادت می یابیم و توسط سازمان های آموزشی از تعلیم و تربیت بهره می بریم، قسمت اعظم زندگی خود را در خدمت به سازمان ها صرف می کنیم و بسیاری از اوقات فراغت خود را در سازمان ها می گذرانیم، حتی به هنگام کفن و دفن توسط سازمانی اجازه تدفین صادر می گردد و بالاخره باز هم به دست افراد سازمان مربوطه به خاک سپرده می شویم».(2)

هر سازمان، مجموعه مرکبی است از واحدهای جزئی که هر یک عهده دار انجام کاری معین است. هر یک از سازمان های اجتماعی، چه کوچک و چه بزرگ، چه ساده و چه پیچیده، دارای اهداف و کارکردها و سیستمی هستند که به وسیله آن، اجتماع بشری را به چرخش درآورده، یکی از نیازهای جامعه را برآورده می سازند.

ص: 138

1- . امیتائی اتزیونی Amitai Etzioni .

2- . p.1 Modern Organization . به نقل از تئوری های مدیریت، ص 16 .

براین اساس در هر جامعه برای انجام وظایف خاصی و رسیدن به اهداف معینی یک سازمان به وجود می آید و هر سازمان برای انجام مسئولیت خویش، دارای سیستم و کارکرد مخصوص به خود می باشد.

سیستم را «مجموعه ای از اجزاء می داند که با ارتباط و همبستگی متقابل، مجموعه واحدی را تشکیل می دهند و نقش معینی را ایفا می کنند»، هر سیستم دارای چهار عنصر اصلی، داده، ستاده، فرآیند و بازخورد می باشد؛ داده، «امکانات و منابعی است که از بیرون به یک سیستم داده می شود و توسط سیستم جذب می گردد». ستاده، «هدف، نتیجه و خروجی یک سیستم است که ما آن را از سیستم دریافت می کنیم». فرآیند، «عملیات یا فعل و انفعالاتی است که بر روی «داده ها» انجام می گیرد تا به «ستاده ها» تبدیل شود». بازخورد، «مبنای کنترل یک سیستم و معیار ایجاد تعادل و هماهنگی بین اجزاء و برقراری ارتباطی درست میان داده، ستاده و فرآیند برای اصلاح کار و برآوردن نیاز و مقتضیات محیطی است». (1)

تقسیم وظایف و کارها

لازمه تشکیل سازمان در درجه اول، تقسیم و طبقه بندی وظایف است. همه کارها و فعالیت های سازمان باید به وظایفی تقسیم شوند که هر یک از افراد و گروه ها، بتوانند به طور منطقی و به راحتی از عهده اجرای آنها بر آیند،

ص: 139

این مرحله، تقسیم کار نامیده می شود. در این مرحله باید حدود اختیارات و مسئولیت های هر شغل نیز معلوم و مشخص گردد. (1)

براین اساس سازماندهی عبارت است از فرآیند استفاده از منابع و کارکنان سازمان به شیوه ای منظم برای دستیابی به هدف ها و آرمان های بلندمدت یک سازمان. (2)

در سازماندهی، وظایف و اختیارات و مسئولیت های واحدها و افراد مشخص شده و نحوه هماهنگی و ارتباط بین آنان معین می گردد. به همین جهت سازماندهی فعالیت مستمر و مداومی است که مدیر همواره با آن روبروست.

مدیر باید نیروی انسانی و امکانات موجود در سازمان خود را شناسایی و سازماندهی کند. وظیفه هریک آنان را، و چگونگی استفاده از امکانات را معین سازد.

پویایی مدیریت ایجاب می کند که همواره سازماندهی برای سازگاری سازمان با محیط متغیر و تکنولوژی های جدید و سایر سازمان ها استمرار داشته باشد. براین اساس مدیران باید به طور مستمر ساختار سازمانی خود را با شرایط جدید تطبیق دهند و اصلاحات لازم را در آن به عمل آورند. البته مستمر بودن کار سازماندهی، به معنای آن نیست که سازمان، به طور دایم دستخوش دگرگونی های بنیادی گردد.

ص: 140

1- . اصول و مبانی مدیریت، ص 78 .

2- . همان، ص 77 .

سازماندهی هر سازمان براساس یکی از مبانی ذیل انجام می شود:

- سازماندهی بر مبنای وظیفه یا هدف.

- سازماندهی بر مبنای نوع تولید یا عملیات.

- سازماندهی بر مبنای منطقه عملیات.

- سازماندهی بر مبنای پروژه یا طرح.

می دانیم که به مجرد همکاری چند نفر برای نیل به هدف های مشترک، تقسیم کار بین آنان ضرورت پیدا می کند ولی مسأله مهم چگونگی تقسیم مجموع وظایف متعدد و متنوع یک سازمان بین افراد و واحدهای مختلف آن است. (1)

ترسیم نمودار تشکیلاتی

افزون بر تقسیم وظایف بین افراد و گروه ها، باید سلسله مراتب سازمانی به صورت رسمی توسط نموداری مشخص گردد که هم واحدهای تابعه را نشان می دهد و هم خطوط و مجاری ارتباطات و مسئولیت را تعیین نماید.

ضرورت این اقدام بدان جهت است که همکاری افراد در یک گروه متشکل به منظور تأمین مقاصد معین مستلزم این است که روابط آنها با یکدیگر معلوم باشد، به گونه ای که معین گردد در سازمان چه کسی به چه کسی گزارش

ص: 141

می دهد. (1)

در حقیقت نمودار سازمانی، نقشه ای است که پست ها و روابط درون ساختار سازمانی را ترسیم می کند. (2) امام علی لزوم معین بودن و رعایت سلسله مراتب را چنین بیان می کند:

«... و انت مسترعی لمن فوقک لیس لک ان تفتات فی رعیه ولا تخاطر الا بوثیقه».

«تو نیز باید مطیع مافوق باشی، در باره کار مردم حق نداری بر اندیشه خود استبداد ورزی و حق نداری به کار بزرگی دست زنی، مگر با پشتوانه دستوری که به تو برسد». (3)

6. کنترل و نظارت

اشاره

کنترل و نظارت، فعالیتی است منظم که به وسیله آن، هست ها را با بایدها، موجودها را با مطلوب ها، عملکردها را با پیش بینی ها، مقایسه می کند و اصلاحات لازم را در وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب میسر می سازد.

ص: 142

1- اصول و مبانی مدیریت، ص 79 .

2- همان، ص 94 .

3- نهج البلاغه، نامه 5 .

کنترل و نظارت دارای مراحل است که باید آنها را مورد توجه قرار داد:

الف - تعیین نتایج مورد انتظار یعنی «بایدها» در کنترل.

ب - تعیین شاخص برای سنجش نتایج مورد انتظار.

ج - تعیین استاندارد یا «الگوی مطلوب».

د - تعیین نحوه و روش جمع آوری اطلاعات یا طراحی شبکه اطلاعاتی در کنترل.

ه - ارزیابی اطلاعات و نتیجه گیری از آن و مشخص کردن عملکرد واقعی.

بنابراین امام جماعت باید با در نظر گرفتن بایدها، الگوی مطلوب، معیار ارزیابی و روش ارزیابی، نتایج به دست آمده فعالیت ها و عملکرد واقعی مسجد خود را مورد کنترل و ارزیابی قرار دهد و با تقویت نقاط قوت و از بین بردن نقاط ضعف، به سوی وضع مطلوب گام بردارد.

7. تصمیم گیری

یکی از وظایف و مسئولیت های مدیر، تصمیم گیری است؛ تصمیم گیری عبارت است از: انتخاب بهترین راه از میان راه های مختلف و ممکن.

مدیر باید پس از مطالعه لازم و کسب اطلاعات و مشورت با دیگران، در امور مهم سازمان خود، به طور صحیح و اصولی تصمیم گیری نماید یعنی باید راه های ممکن و نتایج ناشی از هر یک را بررسی و بهترین را از بین آنها انتخاب کند.

فرآیند تصمیم‌گیری، دارای شش مرحله است که به عنوان روش حل مسئله «problem solving» معروف است. (1)

برخی می‌پندارند تصمیم‌گیری در سازمان وظیفه فردی مدیر است به همین جهت گاه به استبداد رأی دچار شده و حمایت افراد سازمان را از خود از دست می‌دهند.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مدیر باید تصمیم‌گیری را با کسب اطلاعات لازم و مشورت صورت دهد و آن را به یک فرآیند تبدیل کند یعنی به گونه‌ای برخورد کند که همگان خود را، در فرایند تصمیم‌گیری مدیر سهیم بدانند خداوند به پیامبر چنین فرمان می‌دهد:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (2)

در این آیه شریفه، نخست بر پیش گرفتن اخلاقی نرم و دوری از سرسختی

ص: 144

1- . مراحل: 1 . برخورد به مشکل، مانع و چالش 2 . مشخص و تعریف کردن دقیق مسئله و مشکل 3 . پردازش تجربیات و معلومات قبلی خود برای یافتن راه حل مشکل از میان آنها یا تحصیل اطلاعات لازم و مشورت 4 . فرضیه‌سازی و تدوین راه یا راه‌های حل مشکل از میان علوم و تجارب پیشینی یا دریافتی 5 . بررسی آثار، مزایا و پیامدهای هر یک از راه‌حل‌های ممکن و ثبت آن 6 . انتخاب بهترین راه حل ممکن. روانشناسی تربیتی، دکتر علی شریعتمداری، ص 396 - 380 . به تعبیر منطق دانان: و الفکر حرکه الی المبادی و من المبادی الی المرادی.

2- . آل عمران: 159 .

و خشونت با یاران و همراهان به عنوان فضل و رحمت الهی تأکید شده، آنگاه فرایند تصمیم‌گیری پس از مشورت با یاران همراه، مطرح گشته و در نهایت، توکل بر خداوند و نه عجب و اعتماد بر یافته‌های خود، راه موفقیت دانسته شده است.

8. خلاقیت و نوآوری در سازمان

همه سازمان‌ها برای بقا، نیازمند اندیشه‌های نو و نظرات جدیدی هستند که از رکود و نابودی سازمان جلوگیری می‌کند. منظور از خلاقیت یعنی پیدا کردن یا طراحی یک اندیشه و فکر نو و نوآوری علمی و عملی برای انجام مأموریت خود.

با توجه به تحولات روزافزون و پی‌در پی در مسایل جهانی، اجتماعی و تکنولوژی، مساجد نیز باید در انجام وظایف و امور خود، خلاقیت و نوآوری داشته باشد و از همه تحولات و پیشرفت‌ها برای هدایت مردم بهره و استفاده لازم و کافی را ببرد. بدینسان امام جماعت و مدیر مسجد باید زمینه را برای طراحی و تدوین، پرورش و افزایش و اجرای اندیشه‌های نو برای پویایی برنامه‌های مسجد و جذاب ساختن آنها برای همه اقشار و انطباق امکانات و روشها با شرایط و ابزار جدید تکنولوژی مهیا سازد.

امام جماعت باید با روی گشاده از پیشنهاد و طرح اندیشه‌های جدید و روش‌های نوین در مسجد استقبال نماید و آنها را به صورت علمی مورد بررسی قرار دهد؛ همه جوانب آن را سنجیده، پس از بررسی‌های لازم و رفع نواقص آنها را به مرحله اجرا بگذارد.

بدون شک هر مسجد در جامعه اسلامی، یک سازمان منسجم معنوی است که دارای مأموریت، اهداف، وظایف، کارکرد و تشکیلات و سیستمی مخصوص به خود می باشد.

ویژگی های منحصر به فرد مسجد، سازمان و تشکیلات آن را به صورت یک سازمان خاص و ویژه در آورده است. از یک سو این سازمان همانند دیگر نهادهای نوین اجتماعی نیست که به دلیل ضرورت های زندگی جدید، ایجاد شده است؛ بلکه ریشه در فطرت و نهاد خداجوی آدمی دارد و به عنوان اولین مرکز اجتماعی سیاسی، از صدر اسلام تا کنون، در میان امت اسلامی، نقش مهم و محوری، ایفا نموده است.

و از سوی دیگر، تشکیلات و سازمان مسجد، یک تشکیلات اداری، انتفاعی، یا تجاری و اقتصادی نیست؛ بلکه مسجد، سازمانی الهی - مردمی است که دارای رسالت هدایتی، معنوی، آموزشی، تربیتی و تبلیغی است که با رهبری معنوی و نفوذ کلمه و مدیریت امام جماعت و با حضور توده مردم و اقشار مختلف آن، سازماندهی می شود.

همچنین سازمان مسجد از سیستمی باز برخوردار است که به طور دایم با محیط پیرامون خود در حال تعامل است؛ براساس آنچه در بیان مأموریت مسجد خواهد آمد، داده های این سیستم اقشار مختلف مردم به ویژه جوانان و نوجوانان هستند که باید با فرآیند تعلیم و تربیت اسلامی به انسان های شایسته، توانا، فرهیخته، مؤمن و متعهدی تبدیل شوند که در جامعه اسلامی و انسانی، مفید و مؤثر باشند.

با عنایت به ظرافت های روان انسان، در این سیستم بازخوردها، نقش مهمی ایفا می کند و به همین جهت است که در این سازمان، ارتباط بین امام جماعت با کارگزاران و نمازگزاران، یک ارتباط اداری خشک، بی روح و رسمی نیست و صد البته که نباید باشد؛ بلکه عامل اصلی پذیرش مسئولیت و حضور نمازگزاران در یک مسجد، همچنین انسجام، نظم و اجرای دقیق رهنمودهای امام جماعت، شخصیت علمی، اخلاقی و معنوی امام جماعت، قداست مکان و جایگاه رفیع مسجد در نزد آنان و در یک کلمه، انگیزه های معنوی است.

در این سیستم مهمترین نقش در بهره وری مناسب، کارآیی و تعالی سازمان مقدس مسجد را امام جماعت به عنوان رهبر و مدیر آن، بر عهده دارد.

هیچ کس در این که وظایف و کارکردهای گوناگون مساجد باید به شکل صحیح مدیریت و رهبری شود تا بتواند نقش اصلی خود را به خوبی ایفا نماید، تردیدی ندارد ولی متأسفانه سازمان و تشکیلات یکسانی در مساجد شکل نگرفته است و تشکیلاتی که فعلاً در استانها و شهرهای مختلف ایران و جهان

موجود است، شکل یکسانی ندارد و مدیریت کلان مساجد نیز دارای تشکیلات مرکزی متمرکزی نیست. کانونهای فرهنگی مساجد وزارت ارشاد اسلامی، بخش مساجد سازمان اوقاف و امور خیریه، قسمت مساجد سازمان تبلیغات اسلامی، صندوق عمران مساجد و مرکز رسیدگی به امور مساجد هر یک با هدف، سیاست و روش مختلف و به گونه ای خاص، خود را در امور مسجد دخیل و دارای مسئولیت می دانند به همین جهت هم اکنون مساجد، از نظر ساخت و ساز، گزینش، نصب و آموزش امام جماعت، تعیین هیئت اُمناء، گزینش خادم و رسیدگی به نظافت و بهداشت و نظارت بر برنامه های فرهنگی آموزشی و مسایل مالی و اقتصادی آن، دارای یک استراتژی معین و مصوب نیست و با انجام کارهای موازی از طرف دستگاه های اجرایی و نهادهای مختلف که هر یک خود را به گونه ای مسئول امور مساجد می دانند، به سازمانی غیر منظم بدل شده و در نتیجه از ضعف مدیریت و برنامه ریزی و توزیع نامناسب بودجه های تخصیصی رنج می برد.

با عنایت به اهمیت، حساسیت و جایگاه والای مسجد، تشکیل نهاد مرکزی سازمان مساجد، تحت اشراف و نظارت مستقیم مقام معظم رهبری و با حضور همه نهادهای سهیم و دخیل، ضرورت دارد.

افزون بر ضرورت تشکیل سازمان مرکزی مسجد، هر مسجد باید دارای سازمان و تشکیلاتی منظم و منسجم باشد تا واحدها، وظایف و روابط کاری امام جماعت، هیئت اُمناء، خادم، پایگاه مقاومت بسیج و کانون فرهنگی مسجد را به طور دقیق تعریف و معین نماید و براساس آن، استراتژی و برنامه ریزی های فرهنگی تدوین و اجرا شود.

سازمان و تشکیلاتی که به صورت پیشنهادی ارائه می‌گردد، علاوه بر رعایت اصول ساده بودن، حفظ قداست و معنویت و تناسب با مأموریت و کارکرد مسجد، در جهت نظم بخشیدن به امور و نهادینه ساختن مدیریت مساجد با احتراز جدی از اداری شدن روابط، تنظیم شده است.

بدون شک تشکیلات پیشنهادی بی نقص نیست و کاستی‌هایی دارد که از تمامی اندیشمندان و دست‌اندرکاران استدعا دارد با راهنمایی خود، آن را تکمیل فرمایند.

براساس روایات که امام جماعت را افضل مردم در مسجد معرفی کرده است،⁽¹⁾

همچنین براساس سیره مسلمانان از آغاز تاکنون و برابر دیدگاه اندیشمندان اسلامی و تصریح مقام معظم رهبری، امام جماعت مسجد به طور طبیعی مدیریت مسجد را بر عهده دارد و هیئت ائمه به عنوان شورای مشورتی و مسئول امور اجرایی مسجد، وظایف خویش را تحت اشراف و نظارت امام جماعت انجام می‌دهند.

براین اساس، امام جماعت با اِعمال مدیریت صحیح در مسجد و نظارت بر حسن اجرای امور مختلف آن، می‌بایست نقش خویش را به خوبی ایفا نماید. عدم توجه به نقش محوری امام جماعت یا وجود موانع در برابر اِعمال مدیریت وی، موجب از هم گسستگی نظام مسجد و به هم ریختگی امور آن خواهد شد.

ص: 152

1- . امام علی علیه السلام: أَفْضَلُ النَّاسِ فِي الْمَسْجِدِ الْإِمَامُ ثُمَّ الْمُؤَدِّنُ ثُمَّ مَنْ عَلَى يَمِينِ الْإِمَامِ؛ در مسجد، برترین امام است و بعد از او مؤدِّن، سپس آن کسی که بر سمت راست امام نماز می‌گذارد. کنز العمال، ج 7، ص 586 .

مدیریت امام جماعت اگرچه نه براساس انتصاب اداری است و نه به شکل تحمیلی است ولی باید از سوی همه نهادها به رسمیت شناخته شود؛ به همین جهت پایگاه بسیج اگر چه از نظر سلسله مراتب فرماندهی به طور مستقیم زیر نظر نیروی مقاومت می باشد، ولی باید در چگونگی انجام وظایفش با هماهنگی کامل با امام جماعت عمل نماید و در برابر امام جماعت نیز مسئولیت دارد؛ همچنین کانون فرهنگی مسجد که از سوی ادارات ارشاد پشتیبانی می شوند، باید در کلیه برنامه های ابلاغی در چهارچوب کلی برنامه های مسجد و با هماهنگی کامل با امام جماعت، اقدام کنند.

خادم نیز به طور مستقیم در برابر هیئت اُمناء و به صورت غیر مستقیم در برابر امام جماعت مسئولیت خواهد داشت.

مأموریت و اهداف مسجد

اشاره

برای تحقق اصول، مبانی و وظایف مدیریت در مسجد، نخست باید مأموریت و اهداف تأسیس مسجد را شناخت تا بتوان بر اساس آن، هدف کلی و اهداف جزئی را مشخص نمود.

تأسیس مسجد و پی نهادن بنیان پر شکوه و مقدس آن، دارای مأموریت و اهداف والا و بلندی است که مهمترین آن عبارتند از:

ص: 153

خداوند هدف نهایی آفرینش انسان را قرار دادن خلیفه در زمین معرفی نمود(1) و برای دستیابی انسان به مقام خلافت و جانشینی خداوند، همه اسما و حقایق را به انسان آموخت(2) و فرشتگان را در آستان بلند مقام انسانیت او، به شاگردی و تواضع فرا خواند.(3)

با عنایت به این که تنها راه دستیابی انسان به خلافت الهی، عبادت و بندگی خداست، به همین جهت هدف میانی آفرینش را عبادت شناسانده،(4) آدمیان را به عبادت و بندگی خود فراخواند(5) و رسولان خود را برای آموزش دادن چگونگی عبادت و بندگی برانگیخت.

مأموریت اصلی و اصیل مسجد، آموختن توحید و برگزاری آیین عبادی و اقامه نماز جماعت به عنوان عالی ترین نماز بندگی است. خداوند متعال نماز را به واسطه جبرئیل، به پیامبر اکرم آموخت و رسول اعظم اسلام نیز به امت خود فرمود:

«صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي».(6)

ص: 154

- 1- . «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...». بقره: 30 .
- 2- . «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...». بقره: 32 .
- 3- . «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا...». بقره: 34 .
- 4- . «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». ذاریات: 56 .
- 5- . «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». بقره: 21 .
- 6- . صحیح بخاری، ج 1 ، ص 162 .

«آن گونه که می بینید من نماز می گذارم، نماز را اقامه کنید».

علاوه بر اقامه نماز جماعت، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خود در دهه آخر ماه مبارک رمضان در مسجد اعتکاف می نمود(1) و در گفتار و عمل، اعتکاف و خلوت با خداوند را تشویق می نمود.(2)

برابر این سیره بود که اصحاب و یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و مسلمانان صدر اسلام، مسجد را به مکان توبه و بازگشت به سوی خدا، محل اعتکاف و مرکز تفکر و اندیشیدن و خلوت با خداوند قرار داده بودند. سیره ای که باید در دوران معاصر با همت بلند امامان جماعت احیاء و ترویج شود.

توجه به سیره مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در برگزاری حلقه های ذکر و دعا و نیایش و اعتکاف در مسجد، نشان می دهد که مساجد برای ایجاد حالت بندگی در انسان ها نباید به نماز جماعت بسنده کنند؛ بلکه باید با برپایی مجالس ذکر و دعا و نیایش به صورت جذاب، ایجاد حالت های معنوی و ایجاد روحیه ارتباط با خدا در همه لحظات زندگی و آموزش آداب ذکر و دعا را مسئولیت خود دانسته و تلاش کنند عبادت و نماز را به فرهنگ رایج مردم تبدیل کند و به نهادینه ساختن حالت بندگی در میان مردم بپردازد به گونه ای که مردم همواره در حالت ذکر و دعا و نیایش باشند.

ص: 155

-
- 1- امام صادق علیه السلام: «کان رسول الله اذا کان العشر الاواخر اعتکف فی المسجد». بحار، ج 16، ص 273.
 - 2- جاء رجل الى النبي صلی الله علیه و آله وسلم فقال: من خیر اهل المسجد؟ فقال صلی الله علیه و آله وسلم: اکثرهم ذکرا. بحار: ج 93، ص 161.

نقش مهم و تأثیر بی بدیل مسجد در سعادت انسان، آنگاه آشکار می شود که بدین حقیقت توجه کنیم و بدانیم: بدون معرفت توحید و بدون عبادت و بندگی خالصانه خداوند، انسان ره به جایی نخواهد برد؛ بلکه به کفر و شرک، گرفتار و آلوده خواهد شد و در نتیجه خود را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار کرده، به جهنم خواهد افکند.

بدون تردید، مساجد بهترین پایگاه ارتباط انسان با خداست و همین رابطه است که رابطه انسان با ولایت و جامعه و ارتباط انسان با خویشتن را به بهترین وجه ممکن، تنظیم می نمایند. به همین دلیل اگر مساجد، نقش خویش را در مورد ارتباط انسان با خدا، ولایت، جامعه و خویشتن به طور کامل ایفا نکنند، آثار نامطلوب زیادی در فرد و جامعه بروز خواهد کرد.

2. آموزش کتاب الهی قرآن کریم

آموزش و تعلیم قرآن یکی از مأموریت های اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بوده است (1) و بدون شک یکی از اهداف مهم تأسیس مسجد توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، تلاوت، تعلیم و تبیین آیات و معارف قرآن کریم بوده است. (2)

خداوند متعال، قرآن را هدایتگر و نور معرفی و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به تلاوت

ص: 156

1- «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». آل عمران: 164 .

2- پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم: «انما نصبت المساجد للقرآن». بحار، ج 83، ص 363 نیز تهذیب الاحکام، ج 3، ص 259 .

و تعلیم و تبیین آن مأمور ساخت و آن حضرت نیز مسجد را ستاد مرکزی دانشگاه علوم قرآن و مرکز آموزش تلاوت، حفظ و کتابت آیات و معارف قرآن قرار داد. (1)

سیره مبارک آن حضرت نشان می دهد که از مساجد عصر بعثت به عنوان مدرسه استفاده می شد (2) و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نخستین کسی بود که نومسلمانان عرب را برای کسب دانش در یک حلقه گرد آورد.

برابر این سیره مبارک، محور اساسی و متن رسمی آموزش دین در مسجد، تلاوت و تبیین و تفسیر قرآن بود برابر روایات اهل بیت علیهم السلام حتی هدف از این که آن حضرت در نمازهای خویش، سوره های مختلف قرآن را تلاوت می فرمودند، آن بوده است که مردم قرآن را به خوبی بیاموزند و تعالیم حیات بخش آن را به درستی فراگیرند.

بدینسان بود که قرآن چنان در روح و روان مردم آن دوران نفوذ کرد که اندیشه، بیش و فرهنگ آن مردم را کاملاً تغییر داد و از مردمان عقب افتاده و فرزندگوشی که با فرهنگ منحط عصر جاهلی تربیت شده بودند، انسان هایی فرهنگ ساز و معلمانی تمدن آفرین ساخت و زندگی شان را براساس ارزش های

ص: 157

1- . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم: «ما قعد قوم فی مسجد یتلون کتاب الله و یتدارسونه بینهم الا نزلت علیهم السکینه و غشیتهم الرحمه و حفتهم الملائکه». سنن ترمذی، ج 4، ص 265 .

2- . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمان داد اسیران با سواد جنگ بدر، آنان که توانایی پرداخت سَر بها را ندارند به شرطی آزاد می شوند که هر یک، ده تن را خواندن و نوشتن بیاموزند. تاریخ پیامبر اسلام، آیتی، ص 282 .

آری مسجد با آموزش این متن گرانسنگ و بی نظیر آسمانی بود که توانست انسان هایی چنان وارسته و والا تربیت کند که نه سختی و شکنجه و آزار و اذیت شدید و طاقت فرسای کافران و مشرکان، آنها را سست می نمود و نه در برخورد با تمدن های پیشرفته دیگر، عظمت و جلال و شکوه ظاهری دربار طاغوت ها، چشم آنان را خیره می ساخت و نه خوشی ها و لذت های زودگذر دنیا آنها را می فریفت و از ایفای مسئولیت خود باز می داشت.

بدون تردید هم اکنون نیز، تنها راه احیای تمدن بزرگ و فراگیر اسلامی، فرهنگ سازی قرآنی در ذهن و بینش و گفتار و کردار آدمیان است و بس! و مسئولیت بزرگ مساجد نیز آموزش دادن آن کتاب بی نظیر آسمانی است.

در دوران معاصر، آموزش قرآن در سطوح مختلف آن، نیاز به داشتن برنامه، تأمین استاد و امکانات و از همه مهمتر، توجه و پی گیری مداوم دارد که ان شاء الله امامان جماعت بدان عنایت لازم و کافی را خواهند داشت.

آری باید هم اکنون مساجد از طریق آموزش قرآن، به کانون های اشاعه فرهنگ ناب اسلام و مراکز تعلیم و تربیت جوانان و محل پرورش استعداد های نوجوانان و کودکان و پناهگاه امن و مستحکمی در برابر تهاجمات و شبهات فرهنگی، عقیدتی و سیاسی دشمنان بدل شوند و گرنه جامعه و امت اسلامی به پیامدها و خسارتهای جبران ناپذیری دچار خواهد شد.

3. تربیت، تهذیب و پرورش انسان های با ایمان و شایسته

با عنایت به آن که مأموریت اساسی پیامبر، انسان سازی است، (1) یکی از اهداف و مسئولیت های اصلی مسجد، پرورش، تهذیب و تربیت انسان های وارسته ای است که همواره طالب طهارت و پاکی (2) و رسیدن به مقام محبوبیت خداوند از طریق جهاد و ارشاد و احسان و عدالت هستند. آنان نه تنها به زیور ایمان و تقوی خود را آراسته اند؛ بلکه با گفتار و در عمل، از خداوند، توفیق دستیابی به جایگاه امامت و پیشوایی متقیان را درخواست می کنند. (3)

گفتنی است که انسان، موجودی چند لایه و چند بعدی است که در تربیت او، باید به همه ابعاد وجود وی توجه نمود و از افراط و تفریط در هر مورد اجتناب کرد؛ نگاهی کوتاه به سیره مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در تربیت و تهذیب انسان، از یک سو اعتدال، جامع نگری و دوری از هر گونه افراط و تفریط در امور تربیتی را نشان می دهد و از سوی دیگر، مسجد را مرکز ثقل تربیت و پرورش انسان معرفی می کند.

اگرچه آن حضرت در همه حالات با مردم بود و آنها را هدایت می کرد و مهذب می ساخت، ولی مرکز ثقل انسان سازی مسجد بود.

به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم افزون بر اقامه نماز، اعتکاف و آموزش معارف دینی، مسجد را به مرکزی برای رسیدگی به امور مختلف مسلمانان و جامعه

ص: 159

1- . «وَيُزَكِّيهِمْ...». آل عمران: 164 .

2- . «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ». توبه: 108 .

3- . «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا». فرقان: 74 .

اسلامی مبدل ساخت؛ آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم در مسجد، در مرأی و منظر مردم، به امور مردم اهتمام می ورزید، مستمندان را مورد تقد و دستگیری قرار می داد، با آنان به مشورت می نشست و نمایندگان طوایف و مذاهب گوناگون را به حضور می پذیرفت، برای رزمندگان مجروح در مسجد، خیمه ای برمی افراشت و ضمن تجلیل و بزرگداشت مقام مجاهدان راه خدا و نظارت بر مداوای آنها، مسجد را به مرکز نشر فرهنگ جهاد و شهادت در میان مردم بدل نموده بود.

براستی هیچ توجه کرده ایم که اندیشوران، مؤلفان، معلمان و مربیان بشری، همه و همه مردم و دانشجویان خود را به خواندن کتابی که خودشان نگاشته اند، دعوت می کنند، اما خداوند و رسول او، همگان را به خواندن کتاب فطرت و درون خویشتن فرا می خوانند و به او نهیب می زنند که مسئولیت پایانی تو نیز همین است:

«اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» (1)

«کتاب خویش را بر خوان».

در این روش انسان سازی ویژه که قرآن در آیات مختلف بدان اشارت فرموده، تنها فراهم ساختن فرصتی مناسب برای خودآگاهی، خودیابی، خودشناسی و خودسازی لازم است؛ زیرا با مراجعه به درون خود، آدمی مطلوب و معشوق واقعی خود را می یابد و قرب او را به خود حس می کند و گستره زندگی و امتداد وجود خودش را محدود به زمان تولد تا مرگ نمی بیند، بلکه می یابد که حیات آدمی از قبل از دنیا آغاز شده و تا ابدیت تداوم دارد!!

ص: 160

با این یافته هاست که چشم و گوش باطنی انسان مردمان، گشوده می شود و بر همه انتخاب های آنان در امور مختلفشان تأثیری شگرف بر جای می گذارد.

در صدر اسلام، تربیت مردم تحت نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در مسجد تجلی ویژه ای می یافت و در مسافرتها و کارزارها پی گیری می شد و بدین گونه بود که سلمان و ابوذر و مقداد و دیگر یاران و اصحاب پاک آن حضرت تربیت شدند.

اکنون نیز اگر امامان جماعت مساجد به این مأموریت اصیل مسجد، توجه کنند و برای آن برنامه ریزی کنند، جوامع اسلامی، انسان هایی بزرگ همانند یاران پیامبر و امامان معصوم و یا برابر پاره ای از روایات، افرادی با درجاتی والاتر تربیت خواهند کرد.

همچنان مسجد جایگاه تجمع امت اسلامی و هدایت امور مختلف آنان بوده است و هم اکنون نیز باید با برنامه ریزی چنین بشود.

وظایف و مسئولیت های مسجد

در دوران حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در مکه، با عنایت به وجود مسجدالحرام و کعبه، آن حضرت، مسجدی را بنیان نهادند ولی قبایل مختلفی که در اطراف حضور داشتند، احیاناً دارای مسجد قبیله ای بوده و حضرت به هنگام سر زدن به آنها، در مساجدشان به اقامه نماز می پرداخت ولی به محض هجرت به مدینه، اولین کار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، ساخت مسجدی بود که هم اکنون با نام مسجد شریف نبوی شناخته می شود.

اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در ساختن این مسجد قبل از هر کار دیگر نشان می دهد که در نگاه آن حضرت، مرکز و کانون مدیریت همه امور مسلمانان اعم از مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، مسجد است. سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز نشان دهنده این واقعیت است که مرکز بلکه تمام تشکیلات حکومت دینی آن حضرت در مسجد خلاصه می شد، بدین رو در فرهنگ اسلام، مسجد دارای وظایف، مسئولیت ها، ابعاد و کارکردهای گوناگونی گردید که بدان اشاره می شود:

الف) مرکز عبادت فردی و جمعی

اگرچه هدف غایی آفرینش انسان، دستیابی به مقام خلافت الهی است (1) ولی رسیدن به آن جایگاه والا جز با بندگی خداوند میسر نیست. به همین جهت خداوند متعال می فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (2).

«انس و جن را نیافریدم جز برای آن که مرا عبادت کنند».

هرچند همه زمین، محل سجده و عبادت آدمیان است ولی اختصاص مکان های خاص برای عبادت و پرستش خداوند متعال و اقامه نماز جماعت در آن و نامگذاری آنها به عنوان «مسجد» و «خانه خداوند» نشانگر عظمت،

ص: 162

1- «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً». بقره: 307.

2- ذاریات: 56.

قداست و والایی مکانت مسجد در فرهنگ اسلامی است. اصلی ترین مأموریت مسجد، اقامه نماز جماعت به عنوان رکن اساسی دین است.

افزون بر اقامه جماعت، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در دهه آخر ماه مبارک رمضان در مسجد، به اعتکاف می پرداخت و مسلمانان برگزاری سنت اعتکاف در مسجد را از آن حضرت آموختند. همچنین حلقه های برای ذکر و عبادت خداوند در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم تشکیل می شد.

(ب) تعلیم و آموزش

در صدر اسلام مسجد، دانشگاه بزرگ اسلام بود؛ برنامه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم این بود که مسجد، به مرکز مهم آموزش در جامعه اسلامی تبدیل شود، از این رو برای تشویق می فرمود:

«کسی که به منظور یاد دادن یا یاد گرفتن وارد مسجد می شود، مانند مجاهدی است که در راه خدا نبرد می کند»⁽¹⁾.

اراده نبی مکرم اسلام در تبدیل مسجد به مرکز تعلیم و آموزش، به گونه ای بود که ایشان اغلب اوقات خود را در مسجد، صرف تعلیم مردم می کرد و بیشتر از عبادت، بر تشکیل و حضور در حلقه علمی و آموزش در مسجد، ارجح می نهاد. به عنوان نمونه روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم خانه را به قصد مسجد ترک کرد؛

ص: 163

1- . الموطأ، ابن مالک، ص 56 .

در مسجد با دو گروه روبرو شد. گروهی به مباحثات علمی و آموختن معارف اسلامی مشغول بودند و گروهی به دعا و نیایش! حضرت فرمود:

«هر دو گروه در مسیر خیر و صلاح هستند؛ یک گروه خدا را می خوانند و گروه دیگر به آموزش و علم و آگاهی می پردازند! ولی گویا این حلقه علمی از فضیلت بیشتری، برخوردار است و من برای تعلیم فرستاده شده ام!!».

آنگاه به گروه و حلقه علمی پیوستند و در میان آنها نشستند. (1)

افزون بر آن در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز فضایل والایی برای آموزش در مسجد ذکر شده است. (2)

سنت حسنه فوق باید با همت بلند ائمه جماعات در دوران معاصر، احیاء و ترویج گردد و همه باید تلاش کنیم تا جایگاه علم و دانش در جهان اسلام را با محوریت مساجد تقویت نماییم؛ در آن صورت، مساجد بهتر می توانند به عنوان مراکز انسان ساز در خدمت جامعه بشری قرار گیرند.

ص: 164

1- . منیه المرید، ص 107 ، شهید ثانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1409 هق .

2- . امام صادق علیه السلام: و هیچ گروهی در مسجد خداوند متعال، به منظور تلاوت قرآن و مباحثه علمی پیرامون آن نشستند، مگر این که آرامش قلبی آنان را فرا گرفت و فرشتگان الهی آنان را با بال و پر خویش در برگرفتند. عوالی الالالی، ج 1 ، ص 375 ؛ ابن ابی الجمهور احسائی، قم، سید الشهداء، 1405 هق.

ج) تربیت و پرورش

مسجد، افزون بر تعلیم و تعلم، مرکز خودسازی و تربیت نفوس مسلمین بود؛ اساس همه تربیت های اسلامی، توحید نظری و عملی است که مبنای همه امور در مسجد فراگیری علمی و عملی توحید بود، همچنین آداب اخلاقی (1) و نهادینه ساختن آن در افراد و اجتماع، از جمله وظایفی بود که مسجد به خوبی آن را ایفا می کرد. (2)

د) فرهنگ و تمدن سازی

مسجد در ایجاد نهضت فرهنگی و بنیاد تمدن و فرهنگ نوین اسلامی، بزرگ ترین و مهمترین نقش و تأثیر را در جامعه بر عهده گرفت و به خوبی ایفا نمود. محوریت مسجد در همه امور، فرهنگ و تمدن نوینی بر پا ساخت که بشریت در همه اعصار مدیون مواهب و آثار گرانبساز آن بوده و هست.

اطلاع رسانی نیز از طریق مسجد صورت می پذیرفت و مردم با ندای «الصلاه جامعه» برای دریافت اخبار مهم و جدید به مسجد می شتافتند.

ص: 165

-
- 1- پیامبر ادب و احترام به افراد را در مسجد به صورت عملی آموزش می داد. بحار، ج 16، ص 240.
 - 2- «انّ وفد ثقیف لا قدموا علی رسول الله انزلهم المسجد لیكون ارق لقلوبهم». سنن ابی داود، ج 2، ص 39.

ه) جامعه پذیری و جامعه سازی دینی

مسجد همواره مرکز تجمع دلهای پاک مؤمنان و صالحان و نیک اندیشانی است که با حضور خویش، به انجام پرستش خالصانه خداوند می پردازند و خویش را از هر معبودی جز او رها می سازند و با احساس پیوند عمیق روحی و قلبی با سایر مؤمنان و به ویژه حاضران در آن مسجد، وحدت را تحقق می بخشند و نظم، همدلی و انسجام مؤمنان خدا جو در سراسر گیتی را به نمایش می گذارند. بدون تردید یکی از حکمت های استحباب نماز جماعت و تأکید بر انجام آن از سوی پیشوایان دینی نیز همین بوده است.

مسجد از آن جهت که مرکز حضور و ارتباطات مردم از همه اقشار بوده و هست، مسئولیت و نقش مهمی در جامعه پذیری افراد دارد. افزون بر آن یکی از کارکردهای مساجد، تعمیق پیوندهای عاطفی و معنوی بین مردم و ایجاد وحدت و همدلی بین آنان است که در جامعه سازی دینی، تأثیر شگرفی دارد.

به صدر اسلام بنگرید؛ جامعه کوچک اسلامی آن روز از دو گروه مهاجران از مکه و انصار مدینه تشکیل می شد، دو گروه با دو فرهنگ متفاوت و آداب و رسوم مختلف که فقط اسلام، حلقه اتصال آنان بود.

در مدینه نیز دو قبیله مهم اوس و خزرج دارای رقابت و اختلافات عمیق تاریخی بودند! پیامبر باید همه آن اختلافها را برچیده، مردم را هماهنگ ساخته و آنان را سازماندهی کند و انگیزه حرکت در مسیر واحد را در آن ها به وجود آورد و عوامل اختلاف انگیز را در هم بکوبد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دست به یک اقدام بی سابقه و ابتکاری زد؛ از یک سو معیارهای موهوم و پنداری رقابت زارا کنار زد و اوس و خزرج را با هم متحد ساخت و از سوی دیگر میان مهاجرین و انصار و به صورت دو به دو، پیمان مواخاه و برادری بست!

درست است که همه مسلمانان با هم برادر هستند، ولی این پیمان، دل آنها را به یکدیگر نزدیک تر ساخت و برادری میان آنها را جدی تر کرد و از این طریق هم مشکل تنهایی و غربت مهاجران را حل کرد و هم ناهماهنگی های فرهنگی آنها با یکدیگر را از میان برد. این برادری تا آنجا پیش رفت که انصار، مهاجران را در خانه و اموال و خویش سهیم می کردند.

این جامعه سازی برگرفته از ایمان و عقیده، چنان قدرت و تأثیر عجیبی داشت که همه افراد، عملاً خود را عضو یک خانواده می دیدند.

نقش و وظیفه مهم جامعه سازی و ایجاد همدلی و یکدلی در میان مردم، چندان مورد توجه شارع مقدس بوده و هست که آن حضرت مأموریت یافت تا مرکزی که هدفش تفرقه افکنی بین مسلمانان بود، ولی به نام و تحت عنوان «مسجد» تأسیس شده بود، تخریب و به مزبله تبدیل شود. (1)

مسجد همچنین پایگاه ارایه خدمات مختلف و امداد رسانی به مردم بود و جمع آوری زکات و تقسیم آن در مسجد صورت می پذیرفت و در برخی از

ص: 167

1- «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلِيُحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (107) «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا». توبه: 107 - 108 .

موارد، مرکز نگهداری اموال عمومی و بیت المال نیز مسجد بود.

با کمال تأسف به وظیفه و کارکرد اجتماعی مسجد کمتر توجه شده است و شایسته است در سال وحدت ملی و انسجام اسلامی از مساجد کشور و همه جهان اسلام به عنوان شبکه ای وحدت بخش و انسجام آفرین به گونه ای مطلوب استفاده شود.

(و) هدایت سیاسی

مسجد محل تشکیل جلسات شورای مسلمانان برای تصمیم گیری در امور مهم سیاسی و داخلی بود، چنان که مرکز پذیرش نمایندگان خارجی و تنظیم روابط با آنان بود.

در دوران بعد، بیعت، انتخاب و نصب و عزلها و حتی مباحثات و مجادلات سیاسی نیز در مسجد صورت می پذیرفت.

(ز) حل اختلافات و عدالت گستری

مسجد، دادگاه و مرکز قضاوت و محل دادرسی و عدالت و دادگستری نیز بود. دکه القضاى مسجد کوفه به خوبی این سیره مبارک را نشان می دهد.⁽¹⁾ فضای معنوی مسجد، شاهدان، مدعیان و منکران را به حضور و علم خداوند متعال توجه می داد و آنها را برای پذیرفتن حق و عدل آماده تر می ساخت.

ص: 168

1- . بحار الانوار، ج 40، ص 287.

مسجد، ستاد لشکر اسلام محسوب می شد، فرمان فراخوان سپاهیان اسلام برای اعزام به جنگ و جهاد از آن مکان مقدس صادر می شد و تهیه لوازم و لجستیک نیروها هم از طریق مسجد انجام می شد و حتی مداوای مجروحین جنگ نیز در مسجد صورت می پذیرفت. (1)

البته وظایف و مسئولیت های مسجد به امور فوق خاتمه نمی یافت؛ بلکه مسجد در همه امور مربوط به جامعه و افراد امت اسلامی نقش اساسی داشت.

خوشبختانه مردم ایران در دوران شکل گیری مبارزات و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران دفاع مقدس و به هنگام وقوع حوادثی نظیر سیل و زلزله و... نقش آفرینی بسیار مهم و برجسته مسجد را به عنوان مرکز فعالیت های مردمی، کمیته حفاظتی، جذب و بسیج نیرو، ستاد پشتیبانی و پایگاه خدمات و امدادسانی به مردم آسیب دیده در حوادث طبیعی به صورت عینی مشاهده نمودند و مساجد به خوبی از عهده این وظایف برآمدند.

آری به تعبیر حضرت امام خمینی قدس سره:

«مساجد، باید همچون مساجد صدر اسلام باشند».

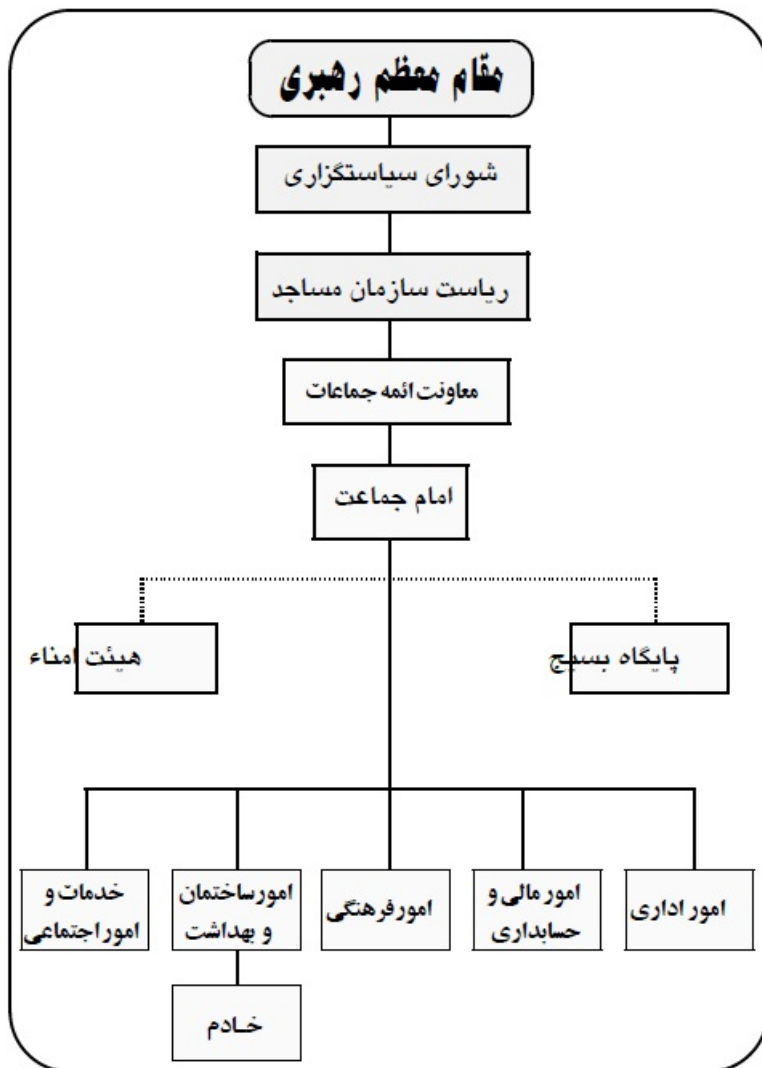
ص: 169

1- . «لَمَّا اصيب سعد بن معاذ يوم الخندق ... فضرب عليه رسول الله خيمه في المسجد فيعوده من قريب». سنن ابی داود، ج 2، ص 58 ، ح 3101.

و در همه صحنه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نقش آفرینی کنند.

برای تحقق این منظور و عملی شدن اهداف فوق، ایجاد تشکیلات منسجم مردمی، زیباسازی فضا و ارایه برنامه های صحیح و جذاب در مساجد ضروری است و در این راستا امام جماعت به عنوان مدیر مسجد نقش اصلی را داراست.

ص: 170



فردی که می خواهد هدایت و مدیریت مهمترین پایگاه توحید را به عنوان امام جماعت به عهده گیرد، باید از جهت های مختلف، دارای شرایط و ویژگی هایی خاصی باشد و به طور دایم در به دست آوردن و ارتقای این ویژگی ها در خود تلاش نماید. امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (1)

«هر کس خویشتن را پیشوای مردمان قرار می دهد، باید قبل از دیگران، سازندگی را از خود آغاز کند و پیش از آن که از راه زبان به تربیت دیگران پردازد، باید با سیره و برخوردش آنان را ادب نماید. آن که به تعلیم و تأدیب خویش می پردازد، از معلم و ادب کننده دیگران، به احترام و بزرگداشت سزاوارتر است».

ص: 172

امام جماعت باید از نظر فقهی

* بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، عادل و حلال زاده باشد.

* نماز را به طور صحیح بخواند.

* اگر مأموم مرد است، امام هم باید مرد باشد.

* بنا بر احتیاط واجب کسی که مرض خوره یا پیری دارد، نباید امام جماعت شود.

* اگر امام مرضی دارد که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، بنا بر احتیاط واجب نمی شود به او اقتدا کرد. (1)

علاوه بر تحصیل علوم رایج در حوزه ها، باید از نظر علمی

* با قرآن و علوم مختلف آن به ویژه تفسیر اُنس داشته باشد.

* با روایات و سخنان ائمه معصومین علیهم السلام و منابع روایی آشنا باشد.

* با تسلط بر مسایل شرعی، توان پاسخگویی به سوالات فقهی را داشته باشد.

* با علم کلام و شبهات جدید کلامی آشنا باشد و توان پاسخگویی به شبهات را داشته باشد.

* با مطالعه، از اخبار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور و جهان آگاه باشد.

ص: 173

* زبان و ادبیات معاصر را بشناسد و توان استفاده از زبان و ادبیات فارسی را در نوشتار و گفتار داشته باشد.

* برای توفیق بیشتر، با اصول مدیریت، اصول مشاوره، اصول و روش های مختلف تعلیم و تربیت و روانشناسی تربیتی آشنا باشد.

باید از نظر وضعیت ظاهری

* دارای سلامت جسمانی باشد.

* نظیف و پاکیزه باشد.

* لباسش در عین سادگی، از آراستگی لازم برخوردار باشد.

* از تجمل و پوشیدن لباسهای بسیار گران قیمت و خارج از زی طلبگی اکیدا خودداری نماید.

* به طور مداوم خود را با عطر خوشبو سازد.

باید از نظر گفتار

* از پر حرفی، مطالب بیهوده، کلمات رکیک و ناپسند، غیبت و بدگویی اشخاص دوری گزیند.

* هنگام سخن گفتن با دیگران، سنّ، موقعیت و معلومات مخاطب را مورد توجه قرار دهد.

باید از نظر برخورد

* دارای چهره ای باز و گشاده و خوش برخورد باشد.

* شخصیت افراد را حفظ و به همگان احترام بگذارد.

* از تحقیر و مسخره و پوزخند به دیگران به هر عنوان پرهیزد.

* متواضع و فروتن باشد.

* با سلام و احوال پرسی گرم، با افراد محل، ارتباط عاطفی برقرار نماید.

مهارت های امام جماعت

برخی از کارشناسان مدیریت، برخورداری مدیر از سه مهارت؛ فنی، انسانی و نظری یا تتوریک را لازم دانسته اند:

1. «مهارت فنی» عبارت است از توانایی مدیر در کاربرد دانش تخصصی خود.

2. «مهارت انسانی» عبارت است از توانایی کار کردن، درک نمودن و ایجاد انگیزش در افراد.

3. «مهارت نظری یا تتوریک» عبارت است از توانایی مدیر در حل مسایل و مشکلات پیچیده سازمان. (1)

همه ما می دانیم که مراجعه و حضور افراد مختلف با سلیقه، تفکر، شخصیت، انگیزه و زمینه های فکری و فرهنگی گوناگون در مسجد و پرسش،

ص: 175

1- رفتار سازمانی، ص 9.

انتظار، توقع، تقاضا و درخواست های مختلف و متنوع آنها، همچنین وجود مشکلات و مسایل مکانی، مالی، منابع انسانی و انگیزشی کارکنان مسجد، نیز بازتاب مشکلات و فضای اجتماعی سیاسی کشور، سازمان مسجد را به سازمانی ویژه و منحصر به فرد بدل نموده است که باید به خوبی مدیریت و رهبری شود.

با عنایت به ویژگی های منحصر به فرد مسجد، مدیر آن یعنی امام جماعت نه تنها باید از مهارت های سه گانه فوق در حد بسیار بالایی برخوردار باشد بلکه باید برای افزایش، روزآمد کردن و بالا بردن مداوم سطح مهارت های خود به عنوان مدیر و رهبر مسجد، برنامه ریزی لازم را بنماید.

مهارت فنی امام جماعت، برخورداری او از علوم و معارف اسلامی، قرائت صحیح، حفظ جزء سی ام قرآن کریم و قرائت سوره های کوتاه آن در نماز، توان تبلیغ، سخنرانی و قدرت پاسخ گویی به پرسش های دینی است. در این راستا، امام جماعت باید از اطلاعات گسترده ای نسبت به علوم مختلف اسلامی به ویژه معارف قرآنی برخوردار باشد و به آموخته های گذشته خود، اکتفا نکند؛ بلکه همواره در فراگیری مطالب نو و افزایش دانش خود فعال باشد.

مهارت انسانی امام جماعت، توانایی برخورد، تعامل و اداره عاطفی و اجرایی کارکنان، نمازگزاران و مراجعان به مسجد است. در این امر، امام جماعت باید زمینه مشارکت هر چه بیشتر افراد و کارکنان مسجد را با مشورت و استقبال از ایده های نو آنان را فراهم آورد.

مهارت نظری یا تئوریک امام جماعت عبارت است از توانایی حل

مسایل، اختلافات و پیدا کردن راه حل برای مشکلات مختلف مسجد و افراد حاضر در آن و ارایه مشاوره به آنان. در این مورد امام جماعت باید با فراگیری و استفاده از اصول و تکنیک های علم مدیریت، مشاوره و روانشناسی، حل مسایل و مشکلات را به صورت علمی، مد نظر قرار دهد.

همچنین مطالعه و یادداشت برداری مداوم، توجه به نیاز، تلاش در بیان مطالب به صورت خوش و جذاب، ارایه مسایل نو، مختصر گویی و پرهیز از سخنرانی های تفصیلی و خسته کننده و پرهیز از بازگویی مسایل تکراری در بیان آموزه های قرآن و سنت، لازم و مهم است، چنان که پرهیز از ارایه مطالب اختلاف برانگیز، سست و غیر متقن و احیانا خرافی و دوری گزیدن از نقل و استناد به خواب های نامعلوم، اموری است که در موفقیت امام جماعت و تحقق اهداف مسجد، نقش و تأثیر بسیار زیادی دارد.

شرح وظایف امام جماعت

اشاره

براساس نمودار تشکیلاتی، امام جماعت رکن اصلی و مدیر تشکیلات مسجد است؛ خوشبختانه در اسلام و آموزه های تابناک آن، مسجد به صورت روشنی تعریف شده است و مأموریت و اهداف کلی آن مشخص شده است و در سنت و سیره نبوی و اهل بیت علیهم السلام، استراتژی اساسی رسیدن به آن اهداف، تعیین گردیده است، به همین جهت مسئولیت امام جماعت به عنوان هدایت کننده و مدیر مسجد، سهل و آسان شده است.

با عنایت به مأموریت، اهداف و وظایف پیش گفته، امام جماعت دارای چهار وظیفه اساسی؛ اقامه نماز جماعت، تعلیم و تربیت و نشر معارف، هدایت و مدیریت و ارتباطات می باشد.

شرح این وظایف به تفصیل در ذیل ارائه می گردد.

الف : اقامه نماز جماعت

1. اقامه جماعت در سه نوبت («نماز صبح، ظهر و عصر، مغرب و عشاء») به طور منظم.
2. برقراری ارتباط عاطفی و صمیمی با ساکنین، شاغلین و جوانان منطقه از طریق حسن برخورد و احترام به شخصیت آنان به منظور تشویق و ترغیب عملی مردم، برای حضور در مسجد و نماز جماعت.
3. نظارت و پی گیری امور نظافت و زیباسازی و خوشبوساختن مسجد برای ایجاد رغبت جهت حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت.
4. بیان شفاهی و کتبی اهمیت انجام فرایض دینی و مذهبی به ویژه تبیین و تبلیغ مواهب، آثار و ثواب حضور در مسجد و نماز جماعت.
5. بررسی و ارزشیابی نحوه برگزاری نماز و تلاش جهت برطرف کردن مشکلات و موانع حضور مردم.
6. اقامه نماز در اول وقت و عدم طولانی نمودن آن و پرهیز از سخنرانی یا قرائت دعاهای طولانی بین دو نماز.
7. حفظ حرمت و قداست مسجد، نماز و امام جماعت از طریق رعایت

شئون و آرایه عملکرد صحیح و پرهیز از ورود جانبدارانه به اختلافات منطقه و حفظ اعتماد مردم و جلوگیری از ایجاد شک و شبهه در مورد عدالت و تهذیب اخلاقی امام جماعت.

ب : تعلیم و تربیت و نشر معارف

8 . تقویت ایمان و اعتقاد به مبانی اسلام از طریق بیان و تعلیم اصول معارف، اخلاقیات و احکام اسلام.

9 . ارتقای بینش اسلامی در زمینه های مختلف از طریق سخنرانی، تشکیل کلاس، برگزاری مسابقات و

10 . تبیین مسایل عقیدتی به ویژه توحید و خداپرستی، مسایل اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و اجرای برنامه های آموزشی در زمینه علوم و معارف اسلامی.

11 . آماده سازی فضای مسجد برای تعلیم و تربیت از طریق تبلیغات داخلی، نصب تابلو، زدن تراکت و پارچه، ایجاد کتابخانه، با عنایت به لزوم حفظ فضای معنوی مسجد.

12 . تعلیم و تربیت افراد بر اساس آداب اسلامی در شئون فردی و اجتماعی و پرورش روحیه امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با مظاهر کفر و شرک و نفاق و استکبار به صورت صحیح با احترام به قانون و حفظ نظم به عنوان یک وظیفه همگانی.

ص: 179

- 13 . راهنمایی و ارشاد اخلاقی مؤمنین و ارایه الگوی عملی اسلام به آنان و همت گماردن نسبت به تربیت عملی نمازگزاران.
- 14 . پرورش و تقویت روحیه تعقل و تفکر همراه با رشد فضایل اخلاقی و روحیه تعبد و التزام عملی به احکام اسلامی.
- 15 . ایجاد و تقویت وجدان کار، روحیه انضباط اجتماعی، نوع دوستی، همبستگی و مشارکت در فعالیت های مذهبی و فرهنگی از طریق مسئولیت دادن به افراد و تقویت روحیه انتقادپذیری و سعه صدر در آنان.
- 16 . ترتیب دادن حرکت های دسته جمعی نظیر اردو، شرکت در نماز جمعه، تشکیل گروه هم خوانی قرائت قرآن، سرود، تواشیح، گردهمایی ورزشی و فعالیت های گروهی هنری.
- 17 . تقویت روحیه مطالعه از طریق تشکیل کتابخانه و نظارت بر حسن اداره آن از نظر نظم ساعات کار، عضوگیری، زیباسازی محیط آن و برگزاری مسابقات کتابخوانی و پی گیری غنی نمودن کتابخانه و ترتیب دادن دیدار از کتابخانه های بزرگ.
- 18 . احیای ولایت و محبت اولیای الهی در قلوب نسل جوان به وسیله معرفی سیره حضرات معصومین علیهم السلام و عدم اکتفا به ابراز محبت یا حزن و عزاداری در مناسبت های مختلف.
- 19 . تشکیل مجالس وعظ و برگزاری مراسم دعا و زمینه سازی برای احیای مراسم اعتکاف در مسجد.

20. تشکیل کلاس های روخوانی، روان خوانی، حفظ، تجوید و تفسیر قرآن، نهج البلاغه و... .
21. برگزاری مسابقات علمی معنوی، برای ایجاد انگیزه و جذب جوانان به فراگیری معارف اسلامی.
22. دعوت از اساتید، سخنرانان و مسئولین جهت پاسخ به سؤالات مذهبی، فکری و... به طور مستمر.
23. تجلیل از عالمان وارسته و اندیشمندان، اُستوانه ها و شخصیت های جهان اسلام و افراد موفق و خودساخته و معرفی آنان به عنوان «الگو» برای جوانان.

ج : رهبری و مدیریت مسجد

24. رهبری و مدیریت مسجد از طریق تدوین استراتژی، برنامه ریزی جامع برای کلیه امور مسجد و نظارت بر حُسن اجرای آن.
25. انتخاب اعضای هیئت اُمناء و معرفی به سازمان امور مساجد جهت بررسی و انتصاب.
26. تشکیل جلسات منظم با هیئت اُمناء و استماع گزارش کار هر یک در زمینه های مختلف و نظارت دقیق بر عملکرد آنان.
27. تشکیل جلسه با بسیج بر اساس مسئولیت های ابلاغی نیروی مقاومت و تشکیل جلسه با کانون فرهنگی مسجد و نظارت دقیق بر عملکرد آنان.

28. توجه و عنایت خاص به خادم یا خادمان مسجد و سعی در رفع مشکلات مربوطه.

29. برنامه ریزی سالانه و تهیه تقویم اجرایی برگزاری مراسم و فعالیت های فرهنگی مسجد در جهت تعظیم شعائر اسلامی.

30. افزایش بهره وری و نقش آفرینی مسجد و بالا بردن میزان استفاده از مسجد با برگزاری مراسم تحویل سال، جشن تکلیف، مراسم عقد، مسابقه و تلاش در جهت تأسیس صندوق قرض الحسنه و ارائه خدمات درمانی در صورت امکان.

31. تقویت فعالیت های اسلامی در مسجد و محدوده آن با مشارکت دادن همگان و تقسیم کار بین آنان.

32. سعی در جهت فعال ساختن مسجد با عنایت به برنامه های کلی و اجرایی مرکز رسیدگی به امور مساجد.

د : ارتباطات

33. برقراری ارتباط صمیمی با نمازگزاران و اهالی محل همراه با رعایت آداب معاشرت اسلامی.

34. برقراری ارتباط با مدارس، دبیرستان، دانشگاه و مراکز آموزشی محدوده مسجد و برنامه ریزی جهت حضور دانش آموزان و دانشجویان در نماز و برنامه های مسجد.

ص: 182

35. برقراری ارتباط با دبیر اجرایی حوزه و شرکت فعال در جلسات ماهانه آن و ارائه گزارش کار ماهانه فعالیت مسجد.

36. برقراری ارتباط با مراکز فرهنگی، تبلیغی و مرکز نیروی مقاومت جهت هماهنگی و جذب امکانات فرهنگی.

37. برقراری ارتباط با افراد برای خودکفا نمودن مسجد از نظر مالی.

38. برقراری ارتباط عاطفی و دعوت از افرادی که دارای مشکلات فرهنگی، اخلاقی و... هستند، برای گفتگو به منظور هدایت آنان.

39. ارائه مشاوره و برقراری ارتباط هدایتی با افراد و خانواده‌ها در صورت لزوم و اختصاص مکان و زمان مناسب جهت پاسخ به سؤالات شرعی، اخلاقی و معنوی مردم و ارائه رهنمودهای لازم به آنان.

40. حضور و مشارکت در مجالس شادی و عزای نمازگزاران و دیگر مردم منطقه و اهتمام نسبت به امور عاطفی آنان.

پیروی از سیره نبوی، رمز موفقیت امام جماعت

سیره نبوی برترین روش زندگی، عبادت، تبلیغ، مدیریت و روابط اجتماعی است. بدون شک پیروی از سیره حسنه پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام رمز موفقیت و تضمین کننده سعادت فرد و جامعه بشری و بیانگر شیوه شایسته زندگی و مدیریت اسلامی است. به همین جهت قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به عنوان الگو و اسوه حسنه به ما معرفی می کند:

ص: 183

«وَلَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (1).

«هر آینه برای شما در پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم الگویی نیکو است برای آنان که به خداوند و روز قیامت امید دارند و خداوند را بسیار یاد می کنند».

در روایات نیز ما را به گام گذاشتن در جای پای آن حضرت، فرا خوانده اند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنِّي لَا كُرَّةَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَمُوتَ وَقَدْ بَقِيَ خُلَّةٌ مِنْ خِلَالِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَأْتِ بِهَا» (2).

«من نمی پسندم فردی از دنیا برود در حالی که سنتی از سنت های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باقی مانده که او آن را انجام نداده باشد».

پیروی از سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، اگر چه برای همگان ممکن، میسر و لازم است، ولی برای موفقیت امام جماعت در مسئولیت بس خطیر و مهمی که برعهده گرفته است، از لزوم و ضرورتی مضاعف و دوچندان برخوردار است و تخلف از آن به هیچ وجه پذیرفته نخواهد بود. سعدی چه زیبا سروده است:

ص: 184

1- احزاب: 21.

2- مکارم الاخلاق، ج 1، ص 41.

در این بحر جز مرد داعی نرفت.

گم آن شد که دنبال داعی نرفت.

کسانی کزین راه برگشته اند.

برفتند بسیار و سرگشته اند.

خلاف پیامبر کسی ره گزید.

که هرگز به منزل نخواهد رسید.

مپندار سعدی که راه صفا.

توان رفت جز پی مصطفی (1)

اینک به برخی از اصول کلی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در دو بخش توجه نمایید:

بخش نخست: سیره فردی و اجتماعی

1- نظافت

پیامبر همچون همه پیامبران الهی، همواره خویش را نظیف می ساخت؛ لباسش گرچه وصله داشت اما تمیز و پاکیزه بود. امام رضا علیه السلام می فرماید:

«مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنْظُفُ» (2).

«نظافت از اخلاق انبیاست».

پیامبر نه تنها خود پاکیزه بود بلکه همگان را به پاکیزگی سفارش نموده، می فرمود:

ص: 185

1- . دیباچه بوستان سعدی، ص 4 .

2- . تحف العقول، ص 706 .

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبْغِضُ الْوَسَخَ وَالشَّعَثَ».(1)

«همانا خداوند متعال کثیفی و ژولیدگی را دشمن می دارد».

پیامبر با صراحت هشدار داده، می فرمود:

«لَا يُدْخِلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَظِيفٌ».(2)

«به بهشت وارد نمی شود مگر شخص نظیف و پاکیزه».

2- مسواک

یکی از مظاهر رعایت بهداشت فردی، مسواک زدن می باشد به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به خوشبویی دهان اهمیت می داد و از خوردن غذاهایی که بوی نامطبوع دارد، پرهیز می نمود:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَأْكُلُ الثُّومَ وَلَا الْبَصَلَ وَلَا الْكَرَاثَ».(3)

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هرگز سیر، پیاز و تره میل نمی فرمود».

به علاوه پیامبر بعد از هر غذا با آب، دهان خود را می شست:

ص: 186

1- . نهج الفصاحه، ص 150 .

2- . میزان الحکمه، ج 2، ص 93 .

3- . بحار الانوار، ج 66، ص 250 .

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَكَلَ مَضْمَضَ فَاَهُ وَقَالَ: إِنَّ لَهُ دَسِيمًا» (1).

«همواره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بعد از غذا، آب در دهانش مضمضه می نمود و می فرمود: غذا چربی دارد».

همچنین بعد از غذا خوردن خلال می کرد تا باقی مانده غذا در دهانش باقی نماند:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَتَخَلَّلُ» (2).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همیشه خلال می کرد».

همچنین پیامبر همواره دندان هایش را مسواک می زد؛ امام باقر علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَكْثُرُ السُّوَاكَ» (3).

«همانا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بسیار مسواک می نمود».

گفتنی است در روایات مسواک زدن قبل از برگزاری هر نماز بسیار

سفارش شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«رُكْعَتَانِ بِمِسْوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةٍ بِغَيْرِ مِسْوَاكِ» (4).

«دو رکعت نماز با مسواک از 70 رکعت نماز بدون مسواک برتر است».

ص: 187

1- . همان، ج 66، ص 355 .

2- . همان، ج 66، ص 436 .

3- . وسایل الشیعه، ج 2، ص 11 .

4- . السنن الکبری، ج 1، ص 62 .

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره و حتی در درون خانه ظاهری آراسته و زیبا داشت و هنگام خارج شدن از خانه خویشتن را می آراست. امام باقر علیه السلامی فرماید:

«كَانَ يَنْظُرُ فِي الْمِرْآةِ وَيَرْجُلُ جَمَّتَهُ وَيَمْتَشِي طُورَ رُبَّمَا نَظَرَ فِي الْمَاءِ وَ سَوَّى جَمَّتَهُ فِيهِ وَلَقَدْ كَانَ يَتَجَمَّلُ لِأَصْحَابِهِ فَضَدَّ لَأَعْلَى تَجَمُّلِهِ لِأَهْلِهِ» (1).

(پیامبر همواره در آینه می نگریست و موهایش را شانه می زد و گاه در آب نگاه می کرد و موهایش را درست

می نمود و علاوه بر آراستگی که برای خانواده خود داشت، خویشتن را برای اصحاب و یارانش تزیین و آراسته می ساخت).

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در هنگام پذیرفتن نماینده اقوام مختلف، در مورد آراستگی مراقبت بیشتری داشت. در سیره او چنین می خوانیم:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا قَدِمَ الْوَفْدَ لَيْسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهِ وَأَمَرَ أَصْحَابَهُ بِذَلِكَ» (2).

(پیامبر هنگامی که نماینده و فرستاده ای به دیدارش می آمد بهترین لباس خود را برتن می نمود و به اصحاب

ص: 188

1- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 249 .

2- . بحار الانوار، ج 21 ، ص 372 .

و یارانش نیز امر می کرد که بهترین لباس خود را بپوشند».

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بیشتر اوقات لباس سفید می پوشید و می فرمود:

«لَيْسَ مِنْ ثِيَابِكُمْ شَيْءٌ أَحْسَنُ مِنَ الْبَيَاضِ فَالْبَيْضُ» (1).

هیچ لباسی زیبا و نیکوتر از لباس سفید نیست. پس لباس سفید بپوشید».

آن حضرت از رنگ تیره جز در پاره ای از موارد کراهت داشت:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَكْرَهُ السَّوَادَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ الْخُفِّ وَالْعِمَامَةِ وَالْكِسَاءِ» (2).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از رنگ سیاه کراهت داشت مگر در سه چیز، کفش، عمامه و عبا».

اگرچه آراستگی و وظیفه همیشگی است، اما برای نماز و رفتن به مسجد بر آن تأکید بیشتری شده است؛ قرآن مجید می فرماید:

«خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (3).

«زینت های خود را در هر مسجد بگیرید».

امام حسن مجتبی علیه السلام هرگاه برای نماز بر می خواست، بهترین لباسش را

ص: 189

1- . تحف العقول، ص 103 .

2- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 449 .

3- . اعراف: 31 .

می پوشید، به او گفتند: یابن رسول الله! چرا بهترین لباس را می پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، من خود را برای خداوند می آرایم چرا که خداوند فرموده است:

«زینت های خود را در هر مسجد بگیرید. بنابراین دوست دارم زیباترین لباسم را بپوشم».(1)

در برخی روایات منظور از برگرفتن زینت در مسجد، شانه زدن موها به هنگام هر نماز واجب و مستحب معرفی شده است.(2)

بدینسان لباس سفید، نگاه در آئینه برای آراسته نمودن و تزئین خویش همچنین شانه کردن موها، سیره حسنه پیامبر است و نامرتب بودن، ژولیدگی، به هم ریختگی مو و محاسن، بی توجهی به وضعیت ظاهری، امری ناپسند و مبعوض خداوند متعال است. بنابر این امام جماعت به عنوان الگوی نمازگزاران، باید بهترین و زیباترین لباس خویش را بپوشد و سر و روی خود را شانه بزند و با وضعی آراسته به سوی مسجد برود.

ص: 190

-
- 1- «كَانَ الْحَسَنُ ابْنُ عَلِيٍّ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَبَسَ أَحْوَدَ ثِيَابِهِ فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبَسُ أَحْوَدَ ثِيَابِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ: «وَاخُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»، فَأَحَبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَحْوَدَ ثِيَابِي». تفسیر عیاشی، ج 2، ص 14.
- 2- «الْمَشْطُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ». تفسیر قمی، ج 1، ص 229.

انسان به طور فطری به زیبایی گرایش دارد و از دیدن آن لذت می برد. به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به تزئین خویش توجه داشت:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُطْلِي» (1).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بدن خود را با روغن تزئین می نمود».

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَخْتَضِبُ» (2).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره محاسن خود را رنگ می کرد».

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَنْحَتِمُ بِيَمِينِهِ» (3).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره انگشتر به دست راست می نمود».

آری یکی از مظاهر تزئین به ویژه به هنگام اقامه نماز، انگشتر به دست نمودن است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«يَا بُنَيَّ! تَخَتَّمْ بِالْيَاقُوتِ وَالْعَقِيقِ فَإِنَّهُ مَبْرُكٌ وَالصَّلَاةُ فِيهِ سَبْعُونَ صَلَاةً» (4).

«فرزندم! انگشتر یاقوت و عقیق به دست کن؛ زیرا مبارک و میمون است و نماز با آن، هفتاد نماز محسوب می شود».

ص: 191

1- . بحار الانوار، ج 76 ، ص 91 .

2- . همان، ج 76 ، ص 103 .

3- . همان، ج 42 ، ص 68 .

4- . دعائم الاسلام، ج 2 ، ص 164 .

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره خویش را با مشک و عطر خوشبو می ساخت. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«يُنْفِقُ عَلَى الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ عَلَى الطَّعَامِ» (1).

«پولی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای خرید عطر می پرداخت بیشتر از پولی بود که برای تهیه آذوقه پرداخت می نمود».

استفاده پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از عطر به گونه ای بود که امام باقر علیه السلام می فرماید:

«كَانَ يُعْرِفُ فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ قَبْلَ أَنْ يُرَى بِالطَّيِّبِ فَيَقَالُ هَذَا النَّبِيُّ» (2).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در شب های تاریک قبل از آنکه او را ببینند، از بوی عطرش شناخته می شد و می گفتند این پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است».

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نه تنها از بوی بد کراهت داشت، بلکه بعد از غذا دست های خویش را می شست تا بوی غذا نیز از دست های مبارکش استشمام نشود:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَغْسِلُ يَدَيْهِ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يُنْقِيَهُمَا فَلَا يُوجَدُ لِمَا أَكَلَ رِيحٌ» (3).

ص: 192

1- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 248 .

2- . همان .

3- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 271 .

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره دستش را بعد از غذا می شست تا آنها را پاکیزه سازد و بوی آنچه میل نموده به مشام کسی نرسد».

استفاده فراوان از عطر و مشک و پرهیز از هرگونه بوی ناپسند، سیره همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان علیهم السلام بوده است، ولی آنان برای حضور در مسجد و اقامه نماز، به صورت خاص و ویژه، خود را معطر می نمودند؛ به عنوان نمونه در مورد امام سجاد علیه السلام آمده است:

«كَانَتْ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَارُورَةٌ مِسْكٍ فِي مَسْجِدِهِ فَإِذَا دَخَلَ لِلصَّلَاةِ أَخَذَ مِنْهُ فَتَمَسَّحَ». (1)

«امام سجاد علیه السلام ظرفی از مشک در مسجد خویش داشت، هرگاه برای نماز وارد آن می شد از آن مشک برمی داشت و خویش را معطر می نمود».

امام صادق علیه السلام در توصیه به استفاده از عطر به هنگام اقامه نماز می فرماید:

«رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَعَطِّرٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةٍ يُصَلِّيْهَا غَيْرَ مُتَعَطِّرٍ». (2)

«دو رکعت نمازی که انسان با زدن عطر بجای می آورد از هفتاد رکعت که بدون عطر بخواند ثوابش بیشتر است».

ص: 193

1- . اصول کافی، ج 6، ص 515 .

2- . ثواب الاعمال، ص 67 .

سلام رمز و آغاز برقراری ارتباط با دیگران است؛ به همین جهت خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمان می دهد:

«وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (1).

«وقتی آنان که ایمان آورده اند به نزد تو می آیند، به آنان سلام کن».

به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به هرکس برخورد می نمود؛ پیر یا جوان، زن یا مرد و حتی به کودکان سلام می نمود:

«وَيُسَلِّمُ مَبْتَدِئًا عَلَى كُلِّ مَنْ اسْتَقْبَلَهُ مِنْ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ أَسْوَدٍ أَوْ أَحْمَرَ حُرٍّ أَوْ عَبْدٍ» (2).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به هرکس که به دیدار او می شتافت کوچک یا بزرگ، سیاه یا سرخ، بنده یا آزاد سلام می کرد».

انس می گوید:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ مَرَّ عَلَى صَبِيَّانَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمَا وَهُوَ مُغْدٌ» (3).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وقتی از کنار کودکان می گذشت به آنان

ص: 194

1- . انعام: 54 .

2- . بحار الانوار، ج 73 ، ص 208 .

3- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 229 .

سلام می کرد در حالی که به آنها خوراکی نیز می داد».

گفتنی است در سلام باید به برخی از امور توجه داشت:

«كَانَ رَسُولَ اللَّهِ يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَيُرْدُّنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ» (1).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به زنان سلام می کرد و آنان نیز به او جواب می دادند».

ولی امام علی علیه السلام از سلام کردن به زنان جوان کراهت داشت (2).

خداوند به همگان دستور می دهد:

«فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا» (3).

«وقتی وارد خانه ای شدید، سلام کنید».

و اگر دیگران به شما سلام کرده و تحیت گفتند:

«وَ إِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا» (4).

«اگر تحیتی به شما عرضه شد، نیکوتر یا حداقل به همان صورت، پاسخ دهید».

براستی چرا برخی این سیره حسنه را کنار گذاشته و علیرغم فرمان صریح خداوند به دیگران سلام نمی کنند؟ چرا این سیره پیامبر در بین مسلمین فراموش

ص: 195

1- . همان، ج 40، ص 335 .

2- . کافی، ج 2، ص 648 .

3- . نور: 61 .

4- . نساء: 86 .

گشته است؟ و حتی به طور شایسته پاسخ سلام یکدیگر را نمی دهند؟ آیا اُبْهَتْ را در روی گرداندن از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جستجو می کنند؟ یا تکبر را با هیبت و اُبْهَتْ اشتباه گرفته اند! پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«أَبْخَلُ النَّاسِ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ».

«بخیل ترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل ورزد».(1)

7-مصافحه

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اخلاقی خوش و برخوردی نرم و ملایم، چهره ای متبسم و شیوه ای جذاب داشتند و با هر کس برخورد می نمودند، پس از سلام، با آغوش باز و روی گشاده، با او مصافحه می نمودند:

«و يُصَافِحُ الْغَنِيِّ وَالْفَقِيرَ وَالصَّغِيرَ وَالْكَبِيرَ».(2)

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با ثروتمند و فقیر، کوچک و بزرگ مصافحه می کرد».

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از مصافحه با دشمنان نیز امتناع نمی کرد:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَقِيَ أَبَا جَهْلٍ فَصَافَحَهُ أَبُو جَهْلٍ».(3)

ص: 196

1- . بحار الانوار، ج 76، ص 4 .

2- . بحار الانوار، ج 73، ص 208 .

3- . همان، ج 9، ص 86 .

«همانا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وقتی ابوجهل را ملاقات نمود، ابوجهل با او مصافحه نمود».

8- گشادگی چهره

پیامبر همواره چهره ای گشاده داشت و با آغوش باز مردم را می پذیرفت. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در توصیف آن حضرت می فرماید:

«الْيَتُّهُمْ عَرِيكَةً وَ أَكْرَمُهُمْ عِشْرَةً مَنْ رَأَاهُ بَدِيهَةً هَابَّةً وَ مَنْ خَالَطَهُ فَعَرَفَهُ أَحَبَّةً» (1).

«برخوردش از همه ملایم تر و در معاشرت از همه بزرگوarter بود. هرکس او را می دید، او را بزرگ می داشت و اگر با او معاشرت می کرد و او را می شناخت، او را دوست می داشت».

براستی چرا برخی تصور می کنند، لازمه تقوی و تدین، داشتن چهره ای گرفته و عبوس است؟ آیا با چهره عبوس، می توان مردم را به سوی اسلام جذب نمود؟ در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَسَلَّمَ يَمْزُحُ وَ يُبَسِّمُ إِلَى أَصْحَابِهِ» (2).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شوخی می کرد و به اصحاب و یارانش، تبسم می نمود».

ص: 197

1- . همان، ج 16 ، ص 229 .

2- . بحار الانوار، ج 41 ، ص 147 .

«إِذَا حَدَّثَ بِحَدِيثٍ تَبَسَّمَ فِي حَدِيثِهِ» (1)

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هنگامی که سخن می گفت، لبانش متبسم بود».

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در برابر ناراحتی و چهره غمناک یارانش، بی تفاوت نبود بلکه سعی می کرد با شوخی و مزاح، آنها را شاد و خوشحال کند: در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می خوانیم:

«وَلَقَدْ كَانَ النَّبِيُّ يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ بِهِ أَنْ يَسْرَةَ» (2)

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای خوشحال نمودن افراد با آنان شوخی می نمود».

9- برقراری ارتباط عاطفی و صمیمانه

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با هرکس برخورد می کرد با مهربانی و عطوفت و بذل توجه و عنایت، با او مأنوس می گردید. در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین آمده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ بِهِمْ رَحِيمًا وَعَلَيْهِمْ عَطُوفًا وَفِي إِزَالَةِ الْآثَامِ عَنْهُمْ مُجْتَهِدًا» (3)

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به افراد، مهربان و بر همگان عطوفت داشت و در دور ساختن آنان از گناه کوشا بود».

ص: 198

1- . همان، ج 16، ص 298 .

2- . همان، ج 16، ص 298 .

3- . بحارالانوار، ج 9، ص 331 .

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم افزون بر مهربانی در برخورد با دیگران، از احوال مسلمانان پرس و جو می کرد و به دیدار آنها می شتافت:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَتَعَاهَدُ الْأَنْصَارَ وَيَعُوذُهُمْ وَيَسْأَلُ عَنْهُمْ» (1).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به دیدار یاران می شتافت و در باره اوضاع و احوال آنان سؤال می نمود».

انس می گوید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا فَقَدَ الرَّجُلَ مِنْ إِخْوَانِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، سَأَلَ عَنْهُ فَإِنْ كَانَ غَائِبًا دَعَا لَهُ وَإِنْ كَانَ شَاهِدًا زَارَهُ وَإِنْ كَانَ مَرِيضًا عَادَهُ» (2).

«اگر سه روز یکی از اصحاب را نمی یافت، در باره او سؤال می کرد؛ اگر به مسافرت رفته بود، برایش دعا می کرد و اگر در شهر حاضر بود، به دیدارش می رفت و اگر مریض شده بود، به عیادتش می شتافت».

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به کسانی که با او صحبت می کردند، به طور کامل توجه می کرد:

«لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَكَلِّمُهُ إِلَّا أَقْبَلَ إِلَيْهِ بَوَّجِهِهِ ثُمَّ لَا يُصْرِفُهُ عَنْهُ حَتَّى يَقْرَعَ مِنْ حَدِيثِهِ وَكَلَامِهِ» (3).

ص: 199

1- . همان، ج 82، ص 119 .

2- . همان، ج 16، ص 233 .

3- . مستدرک، ج 8، ص 439 .

«هیچ کس با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن نمی گفت مگر آن که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با تمامی چهره به سوی او توجه می نمود و تا آن شخص، از سخن و گفتارش باز نمی ایستاد،

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صورت خود را از او بر نمی گرداند».

همچنین در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین آمده است:

«كَانَ إِذَا لَقِيَهِ وَاحِدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ قَامَ مَعَهُ فَلَمْ يَنْصَرِفْ حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ يَنْصَرِفُ عَنْهُ وَ مَاقَعَدَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ رَجُلٌ قَطُّ فَقَامَ حَتَّى يَقُومَ» (1).

«اگر یکی از یاران و اصحاب، به دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می آمد، حضرت در کنار او می ایستاد و تا آن صحابی بر نمی گشت، آن حضرت از او منصرف نمی شد و هیچ گاه کسی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود، از جایش

بر نمی خاست، مگر آن که حضرت نیز به احترام او بر می خاست».

پیامبر برای تحکیم روابط به دیگران هدایایی تقدیم می کرد و هدیه را هر چند کوچک و ناچیز بود، می پذیرفت:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ يَأْكُلُ الْهَدِيَّةَ وَ لَا يَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَ يَقُولُ: تَهَادُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَسِيلُ السَّخَائِمَ وَ تَجْلِي صَغَائِرَ الْعَدَاوَةِ»

ص: 200

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از آنچه به او هدیه شده بود، میل می کرد، ولی از صدقه نمی خورد و می فرمود: به یکدیگر هدیه دهید؛ زیرا هدیه، کینه ها را از بین می برد و حقد و دشمنی را می زداید».

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از دیگران دعوت می نمود و به اطعام آنان می پرداخت و بدین کار توصیه می فرمود:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مِنْ مُوجِبَاتِ مَغْفِرَةِ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ إِطْعَامُ الطَّعَامِ».

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره می فرمود: یکی از عوامل بخشش خداوند، اطعام و غذا دادن به دیگران است» (2).

و دعوت افراد و حتی بردگان را برای امور مختلف می پذیرفت و اجابت می نمود؛ در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می خوانیم:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُجِيبُ الدَّعْوَةَ» (3).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره دعوت دیگران را اجابت می فرمود».

ص: 201

1- . اصول کافی، ج 5، ص 86 .

2- . وسایل الشیعه، ج 16، ص 231 .

3- . همان، ج 24، ص 270 .

در توصیف دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین آمده است:

«وَأُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ عَلَى خُبْرِ الشَّعِيرِ».

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دعوت بردگان را حتی برای خوردن نان جو می پذیرفت».

و از آنجا که شرکت در شادی و غم مردم، رابطه و پیوند مستحکم و صمیمی با آنان ایجاد می کند و قلوب آنان را مجذوب می سازد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به عیادت بیماران می شتافت و در تشییع مردگان حضور می یافتم:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَعُودُ الْمَرِيضَ وَيَتَّبِعُ الْجَنَازَةَ».(1)

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از بیماران عیادت می نمود و در تشییع جنازه حاضر می شد».

این سیره، مختص رسول خدا نیست بلکه یک وظیفه دینی است؛ ابن وهب از امام صادق علیه السلام پرسید: با افرادی که با ما معاشرت دارند، چگونه رفتار کنیم؟ حضرت چنین پاسخ فرمود:

«تُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ وَتُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَتَعُودُونَ مَرَضَاهُمْ وَتَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ».(2)

«امانت آنان را به آنها بازگردانید، به نفع یا به ضرر آنها شهادت دهید، بیماران را عیادت و در تشییع جنازه هایشان شرکت نمایید».

ص: 202

1- . مستدرک، ج 8، ص 268 .

2- . اصول کافی، ج 4، ص 447 .

براستی چرا برخی از برقراری ارتباط صمیمی و عاطفی و انس گرفتن با دیگران برای هدایت آنان استفاده نمی کنند؟ و فکر می کنند می توانند با سخنرانی، افراد را اصلاح و هدایت نمایند؟ آیا توجه ندارند که آدمی، سخن کسی را که دوست دارد، بهتر می پذیرد؟

10- احترام و ادب

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به همگان احترام می گذاشت و ادب را در همه زمینه ها رعایت می نمود. به موارد ذیل دقت فرمایید:

* پیامبر به احترام دیگران از جا برمی خاست:

«دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَ وَهُوَ جَالِسٌ وَحَدَهُ فَتَرَحَّزَحَ لَهُ فَقَالَ الرَّجُلُ: فِي الْمَكَانِ سَيِّعَةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ حَقَّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا رَأَاهُ يُرِيدُ الْجُلُوسَ إِلَيْهِ أَنْ يَتَرَحَّزَحَ لَهُ» (1).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در مسجد تنها نشسته بود که مردی وارد شد. پیامبر از جا برخاست. تازه وارد به او گفت: یا رسول الله! مکان وسیع است، چرا از جا برخاستی؟ حضرت فرمود: حق مسلمان بر مسلمان آن است که وقتی می بیند مسلمانی می خواهد کنار او بنشیند، از جایش برخیزد».

ص: 203

* در معاشرت ها خواه در سفر یا در حضر، پایش را نزد دیگران دراز نمی کرد:

«مَا رَأَى مُقَدِّمًا رِجْلَهُ بَيْنَ يَدَيْ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ» (1).

«هرگز دیده نشد که پایش را در مقابل کسی که نزد او نشسته، دراز کند».

* در راه رفتن همیشه از اصحاب و یاران خود پیشی نمی گرفت:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَمْشِي مَعَ الْأَصْحَابِ فَيَأْمُرُهُمْ بِالتَّقَدُّمِ وَيَمْشِي فِي غِمَارِهِمْ» (2).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وقتی با اصحاب قدم می زد، گاه آنان را امر می کرد بر او پیشی بگیرند و پشت سر آنان حرکت می کرد».

آری چنین بود که هر کس با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم معاشرت می نمود، او را دوست می داشت.

قرآن مجید در این باره می فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا

ص: 204

1- . همان، ج 16 ، ص 236 .

2- . همان، ج 73 ، ص 206 .

«ای پیامبرگرامی! به موجب رحمت الهی، نسبت به مردم اخلاق نرم و ملایمی داری. اگر تو خشن و تندخو بودی، از اطرافت پراکنده می شدند! آنان را ببخش و برایشان استغفار کن و با آنان مشاوره نما و آنگاه که مصمم گشتی برخدا توکل کن».

بخش دوم: سیره عبادی

اشاره

انجام صحیح وظایف فردی و اجتماعی در صورتی میسر است که انسان وظیفه بندگی خود را به طور شایسته انجام دهد؛ به دیگر سخن، برقراری ارتباط شایسته با مردم، منوط به تنظیم رابطه مناسب با خداوند متعال است زیرا همه توفیقات بنده از جانب خداوند به او اعطا می گردد. به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هیچ گاه برای انجام مسئولیت های اجتماعی یا به بهانه آن، از انجام عبادت و ادای وظیفه بندگی، سرباز نمی زد.

آری هدایت و مدیریت خود و دیگران جز با تربیت نفس از طریق انجام عبادت و زنده نگه داشتن یاد خدا در قلب ممکن و میسر نیست. براستی آیا می توان بدون انجام عبادت و استمداد از ذات باری، وظایف اجتماعی را به خوبی شناخت و به آن پرداخت؟ آیا می توان بدون تنظیم یک ارتباط شایسته با خداوندگار هستی، به برقراری ارتباط صحیح با بندگان او دست یافت؟

ص: 205

اینک به سیره عبادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌گردد:

1- خلوت با خدا

انسان برای اصلاح و تهذیب، مراقبه و محاسبه خویشتن، به دوری گزیدن از غوغای اجتماع و خلوت کردن با خویش نیاز دارد. در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

«كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُحِبُّ الْخَلْوَةَ بِنَفْسِهِ» (1).

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همواره خلوت با خویشتن را دوست می‌داشت».

2- حمد و ستایش الهی

حمد و ستایش الهی و شکر و سپاس برای نعمت‌های بی‌کرانش، از وظایف انسان و نشانه کمال عقل و معرفت و موجب افزایش نعمت بر اوست؛ در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَحْمَدُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثُمِائَةٍ وَسِتِّينَ مَرَّةً» (2).

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هر روز 360 مرتبه خداوند را حمد می‌کرد».

ص: 206

1- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 41 .

2- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 316 .

هر چقدر معرفت انسان به عظمت و بلندای مقام الوهیت خداوند، بیشتر باشد، خویش را در مقام بندگی با تقصیر و کوتاهی بیشتری می نگرد. در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می خوانیم:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ» (1).

«رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در هر روز هفتاد مرتبه استغفار می کرد، بدون آن که گناهی مرتکب شده باشد».

بلکه استغفار ورد زبان آن حضرت بود:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَقُومُ وَلَا يَتَعَدُّ وَلَا يَجِيءُ وَلَا يَذْهَبُ إِلَّا قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» (2).

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نمی نشست و بر نمی خاست، نمی آمد و نمی رفت مگر آن که می فرمود: سبحان الله

و بحمده، استغفر الله و اتوب اليه؛ منزه است خداوند و ستایش مخصوص او است، از او طلب بخشش می کنم و به سوی او توبه می کنم».

ص: 207

1- . همان، ج 16، ص 283 .

2- . بحار الانوار، ج 21، ص 100 .

4-قرائت قرآن

قرائت قرآن دل را صفا می بخشد و کدورت هاو تیرگی های مادی را از قلب آدمی می زداید؛ قرائت قرآن، دل و گوش سپردن به کلام الهی است. در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَتَعَدُّ فِي الْجَبْرِ وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ». (1)

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در حجر اسماعیل می نشست و به تلاوت قرآن می پرداخت».

در روایات تلاوت و خواندن 50 آیه در شبانه روز توصیه شده است.

5-روزه

روزه زمینه رشد و تعالی معنوی را افزایش می دهد و یکی از عوامل مهمّ خودسازی است. در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین می خوانیم:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَصُومُ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسَ». (2)

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره روزهای دوشنبه و پنج شنبه را روزه می گرفت».

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَصِلُ شَعْبَانَ بِشَهْرِ رَمَضَانَ». (3)

ص: 208

1- . همان، ج 9، ص 245 .

2- . بحار الانوار، ج 5، ص 329 .

3- . همان، ج 10، ص 414 .

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره ماه شعبان را روزه می گرفت و آن را به ماه رمضان متصل می کرد».

6- اعتکاف

اعتکاف که فاصله گرفتن از تمام اشتغالات دنیوی و فارغ ساختن خویشتن برای عبادت با اقامت خاص در مسجد است، تأثیر فراوانی در رشد و تعالی آدمی دارد. به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره در دهه آخر ماه مبارک رمضان در مسجد اعتکاف می نمود:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَخِيرُ إِعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ»⁽¹⁾.

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دهه آخر ماه رمضان را در مسجد اعتکاف می کرد».

7- نیایش شبانه

با عنایت به آثار فراوان نماز و تهجد شبانه، فرمان خداوند به آن حضرت چنین بود:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا

ص: 209

1- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 273 .

«و پاسی از شب را بیدار و متهجّد باش و نماز نافله شب را بر پا دار، باشد که خداوند تو را به مقام محمود (شفاعت) مبعوث گرداند».

این دستور الهی، در سوره مزمل با تفصیل بیشتری مورد تأکید قرار گرفته است:

«قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلاً أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً إِنْ أَنْسَلْنَا عَلَىٰ عَيْنِكَ قَوْلًا تَقِيلاً إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلاً وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَتَبُّلاً». (2)

«شب را به نماز و طاعت خدا برخیز مگر کمی، نصف آن یا چیزی کمتر از نصف، یا بر نصف بیفزای

و به تلاوت قرآن با توجه کامل بپرداز. ما به زودی گفتار سنگینی را بر تو القاء می کنیم. همانا نماز شب گام محکم و گفتار استوار و بهترین شاهد اخلاص درون و صدق دعوی ایمان است. تو را روز روشن کار وسیع است و دائم نام خدا را یاد کن و از غیر او علاقه ات را قطع کن و به او بپرداز».

ص: 210

1- . اسراء: 79 .

2- . مزمل: 82 .

نماز ستون دین، معراج مومن و بهترین نوع حمد و ستایش و شکر و ارتباط با خداوند عالم است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نماز را بسیار دوست می داشت و از آن به عنوان «نور چشمانم» یاد می کرد. در سیره مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین آمده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي حَتَّى يَتَوَرَّمَ قَدَمَاهُ وَيَقُولُ: أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا»⁽¹⁾.

«پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آن قدر نماز خواند که پاهای مبارکش ورم کرد و می فرمود: آیا بنده شکرگزار خدا نباشم؟».

از آنجا که مهم ترین وظیفه امام جماعت، اقامه نماز جماعت می باشد، اقتدا به سیره آن حضرت در اقامه نماز جماعت ضروری است؛ زیرا آن حضرت خود فرمودند:

«صلوا كما رأيتموني أصلي».

«آن گونه که من نماز می گزارم، نماز بگزارید».

آداب اقامه نماز

اشاره

آداب اقامه نماز در سیره پیامبر و اهل بیت مطهر او چنین است:

ص: 211

1- . بحار الانوار، ج 70، ص 69 .

دور ساختن عوامل اضطراب و استرس، عدم حبس بول و غائط، توجه به امر تطهیر برای اقامه نماز و نیایش با حضرت حق به ویژه برای امام جماعت ضروری است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«لَا يُصَلِّيَنَّ أَحَدُكُمْ وَبِهِ أَحَدُ الْعُقَدَيْنِ «يعنى البول والغائط»» (1).

«در حالی که تحت فشار بول و غایط هستید، نماز مگزارید».

ب) توجه قلبی و دعا هنگام ورود به مسجد

رعایت آداب حضور در مسجد، انسان را برای اقامه نماز با حضور قلب آماده می سازد. به همین جهت امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هنگامی که به درب مسجد رسیدی، پس بدان که درب خانه فرمانروای بزرگی را قصد کرده ای که بر بساط او فقط پاکان گام می نهند و در مجلس او، تنها صدیقان اذن ورود می یابند؛ اگر از هیبت او غفلت کنی در خطر عظیمی قرار گرفته ای و بدان که او بر هر چه از عدل و فضل که بخواهد، بر تو قادر است» (2).

ص: 212

1- . معانی الاخبار، ص 164 .

2- . بحار الانوار، ج 83 ، ص 373 .

برای ورود به مسجد، باید نخست پای راست را داخل مسجد گذاشت و با توجه و حضور قلب، این دعا را خواند:

«بِسْمِ اللَّهِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ». (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هرگاه داخل مسجد می شد، می فرمود:

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». (2)

ج) اقامه نماز در اول وقت

حضور منظم قبل از رسیدن وقت نماز و اقامه نماز در اول وقت، رعایت ادب نماز و مسجد است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ الصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا». (3)

«بهترین عمل نزد خدا اقامه نماز در اول وقت است».

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

«الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ».

«آنان که در نمازشان سهو می کنند».

ص: 213

1- . همان، ج 84، ص 21 .

2- . همان، ج 84، ص 26 .

3- . عوالی اللئالی، ج 2، ص 213 .

می فرماید:

«تَأْخِيرُ الصَّلَاةِ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا بِغَيْرِ عُدْرٍ» (1).

«مقصود آیه شریفه، کسانی هستند که نماز را بدون عذر از اول وقت تأخیر می اندازند».

بنابراین امام جماعت باید رفت و آمد خود را به گونه ای برنامه ریزی نماید که دقایقی قبل از وقت نماز، در مسجد حضور داشته باشد تا بتواند اول وقت، نماز را اقامه کند.

د) دعا قبل و بعد از تکبیره الحرام و استعاذه قبل از قرائت حمد

پس از اذان و اقامه، دعا آمادگی لازم را برای ورود به نماز پدید می آورد. امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت علی علیه السلام به اصحابش می فرمود:

هر کس هنگام نماز قبل از تکبیره الحرام بگوید: «يَا مُحْسِنُ قَدَاتَاكَ الْمُسِيءُ وَقَدْ أَمَرْتَ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ وَأَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ أَنَا الْمُسِيءُ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَجَاوَزَ عَنْ قَبِيحٍ مَا تَعَلَّمُ مِنِّي»،

خداوند به ملائکه خود می فرماید: شاهد باشید که او را عفو کردم و...» (2).

ص: 214

1- . تفسیر قمی، ج 2، ص 444 .

2- . فلاح السائل، ص 155 .

برابر روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پس از تکبیره الحرام در آغاز نماز قبل از قرائت حمد می فرمود: (1)

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَّلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ». (2)

آنگاه استعاذه نموده، می فرمود:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (3)

سپس بسمله را بلند می گفت و در بیان علت آن می فرمود:

«أَتَانِي جِبْرِيْلُ فَعَلَّمَنِي الصَّلَاةَ فَقَرَأَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَجَهَرَ بِهَا». (4)

«جبرئیل وقتی نماز را به من تعلیم نمود، «بسم الله الرحمن الرحيم» را قرائت نمود و آن را با صدای بلند ادا نمود».

ص: 215

-
- 1- . صحیح مسلم، ج 1 ، ص 534 .
 - 2- . انعام: 79 و 162 و 163 .
 - 3- . وسایل الشیعه، ج 6 ، ص 135 .
 - 4- . کنز العمال، ج 7 ، ص 441 .

ه) خشوع و حفظ آرامش ظاهر در نماز

انسان باید از هر چیز که او را از یاد حق باز می دارد در حالت نماز دوری نماید و با خشوع، آرامش و طمأنینه نماز بخواند. قرآن کریم اولین صفت و ویژگی مؤمن را خشوع در نماز معرفی فرموده است:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (1).

«هر آینه مؤمنان رستگار شدند؛ آنان که در نمازشان خشوع دارند».

به همین جهت امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاتِكَ فَعَلَيْكَ بِالتَّخَشُّعِ وَالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ» (2).

«هرگاه در حال نماز هستی حتما با حالت خشوع باش و با دل به سوی نماز توجه کن».

البته آیه شریفه:

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ».

عالمان اندیشمند و دانا را همواره در برابر خداوند دارای خشیت می داند.

بازی نمودن با اعضاء و جوارح یا لباس و فرش و التفات و توجه به راست و چپ، نشانه غفلت و عدم خشوع قلب می باشد. به همین جهت در روایات،

ص: 216

1- مؤمنون: 2 .

2- اصول کافی، ج 3، ص 300 .

آرامش بدن، پرهیز از بازی نمودن با اعضاء و جوارح و سر به زیر افکندن و به موضع سجده نگرستن، از نشانه های خشوع شمرده شده است. (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ سُكُونُ الْأَطْرَافِ». (2)

«یکی از نشانه های کامل بودن نماز، آرامش اعضا و جوارح است».

امام علی علیه السلام می فرماید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مردی را دید که در نماز با ریش خود بازی می کرد، فرمود:

«إِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ». (3)

«اگر قلبش خاشع می بود، اعضاء و جوارح او نیز خشوع می داشت».

امام علی علیه السلام می فرماید:

«لَا يَعْثِبُ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ بِلِحْيَتِهِ وَلَا بِمَا يَشْغُلُهُ عَنِ صَلَاتِهِ». (4)

«نباید انسان در نماز با ریش خود و نه با آنچه او را از نمازش باز می دارد، بازی نماید».

ص: 217

1- . خصال، ص 628 ؛ الفقيه، ج 1 ، ص 303 .

2- . جامع الصغير، ج 2 ، ص 543 .

3- . ارشاد القلوب، ص 115 .

4- . خصال، ص 620 .

همچنین از به چپ و راست نگرستن و به غیر خدا التفات و توجه نمودن در نماز نهی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«لا تَلْتَفِتُوا فِي صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهُ لَا صَلَاةَ لِلْمُتَلَفِّتِ» (1).

«مبادا در نماز به راست و چپ یا به اشیا یا افراد دیگر التفات کنید، زیرا نماز کسی که به غیر خدا التفات می کند، کامل نیست».

در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده که فرمودند:

«مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ مُتَعَمِّدًا فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ» (2).

«هر کس در نماز، شخصی را که سمت راست یا چپ اوست، از روی عمد بنگرد و بشناسد، پس نمازش کامل نیست».

نکته دیگر نبستن چشم به هنگام نماز است؛ زیرا ادب حضور در پیشگاه خداوند، اقتضا می کند آدمی با چشم باز ولی با خشوع تام، در محضر ربوبی سر به زیر افکند و بر محل سجده بنگرد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلَا يَغْمِضْ عَيْنَهُ» (3).

ص: 218

1- . مجمع الزوائد، ج 2، ص 233 .

2- . عوالی اللئالی، ج 1، ص 326 .

3- . تهذیب، ج 2، ص 314 .

«آنگاه که یکی از شما برای نماز برمی خیزد، چشمش را نبندد».

(و) با نشاط و بدون کسالت و خمیازه

نماز باید با نشاط و بدون کسالت و خمیازه اقامه گردد. زیرا قرآن مجید، کسالت در نماز را از نشانه های نفاق برشمرده، می فرماید:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِنْ قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (1).

«همانا منافقین با خدا نیرنگ می کنند و خدا نیز با آنان و اگر برای نماز برخیزند با کسالت بر می خیزند و برای مردم ریا می کنند و خدا را یاد نمی کنند مگر اندک».

و در آیه دیگر می فرماید:

«وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَ لا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَ لا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ».

«و چه چیز آنان را بازداشت از اینکه انفاقات آنان مورد قبول واقع شود مگر آنکه ایشان به خدا و رسولش کفر ورزیدند و نماز نمی خوانند مگر با کسالت و انفاق»

ص: 219

نمی کنند مگر با کراهت».(1)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در مورد خمیازه کشیدن می فرماید:

«إِيَّاكُمْ وَشِدَّةِ التَّائِبِ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَوَّةُ الشَّيْطَانِ».(2)

«از دهان دره نمودن در نماز بپرهیزید که کار شیطان است».

چُرت زدن نیز نمایانگر عدم آمادگی برای حضور نزد خداوند متعال است؛ وقتی از امام صادق علیه السلام در باره مفهوم آیه شریفه:

«وَلَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى».(3)

«به نماز نزدیک نشوید در حالی که مست هستید».

سؤال شد، آن حضرت در پاسخ فرمود:

«منظور، مستی خواب است».(4)

به نظر می رسد استحباب خواب قبلوله، برای رفع خستگی و به دست آوردن نشاط لازم و کسب آمادگی برای نماز است.

ص: 220

1- . توبه: 54 .

2- . دعائم الاسلام، ج 1 ، ص 174 .

3- . توبه: 54 .

4- . اصول کافی، ج 3 ، ص 371 .

ز) حفظ حضور قلب در تمام نماز

اقامه و برگزاری نماز برای احیای ذکر و یاد خدا در قلب آدمی است، خداوند در سوره طه در خطاب به پیامبر مکرم خود حضرت موسی می فرماید:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (1).

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حضور قلب را شرط قبولی نماز معرفی نموده، می فرماید:

«لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَا يَحْضُرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ» (2).

«خداوند، نماز بنده ای را که حضور قلب ندارد، نمی پذیرد».

با عنایت به این نکته، خواندن نماز بدون حضور قلب، فایده مطلوب را نخواهد داشت. به همین جهت امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنِّي لِأَجِبُ الرَّجُلَ لَمِنْكُمْ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ أَنْ يَقْبَلَ بِقَلْبِهِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا يَشْغُلُ قَلْبُهُ بِأَمْرِ الدُّنْيَا فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَقْبَلُ بِقَلْبِهِ فِي صَلَاتِهِ إِلَى اللَّهِ إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَ أَقْبَلَ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ بِالْمَحَبَّةِ لَهُ بَعْدَ حُبِّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِيَّاهُ» (3).

«من انسان مؤمنی را بسیار دوست می دارم که وقتی به نماز می ایستد، با قلبش به سوی خداوند توجه

ص: 221

1- . طه: 14 .

2- . محاسن، ص 406 .

3- . ثواب الاعمال، ص 163 .

می نماید و قلب خویش را به امور دنیا مشغول نمی سازد. بدینسان مؤمنی نیست که با قلبش به سوی خداوند رو آورد مگر آن که خداوند نیز به سوی او اقبال و توجه می نماید و بعد از آن که خداوند به او توجه نمود، قلب های دیگران را نیز با محبت به او متوجه می سازد». توجه به مقام ربوبیت، دور ساختن افکار پراکنده و پریشان، پاک ساختن درون از حب دنیا و مظاهر آن، موجب توفیق و افزایش حضور قلب می باشد. (1)

ح) اقامه نماز به صورت وداع گونه

آدمی باید نماز را به گونه ای اقامه کند که گویا آخرین نماز اوست؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در جواب مردی که از او درخواست نمود: ای پیامبر خدا! به من نکته ای را آموزش ده ولی مختصر بگویی، فرمود:

«إِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ فَصَلِّ صَلَاةً مُودِعًا» (2).

«هرگاه برای نماز برخاستی، به صورتی نماز بگذار که گویا با نماز وداع می کنی».

براین اساس قرائت اجزای نماز با صوت و قرائت زیبا و محزون نیکو

ص: 222

1- پرواز در ملکوت امام خمینی قدس سره، ص 75 - 85 .

2- سنن ابن ماجه، ج 2، ص 131 .

است. اگرچه توجه و یادآوری آن همه اعمال ناپسند و نافرمانی خویش در برابر برخورداری از آن همه نعمت و رحمت های بی کران الهی، اشک را برگونه جاری می سازد ولی تباکی در نماز هم مطلوب شمرده شده است. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید:

«عَنِ الرَّجُلِ يَتَبَاكِي فِي الصَّلَاةِ الْمَقْرُوضَةِ حَتَّى يَبْكِي».

«آیا جایز است انسان تباکی کند و به صورت گریه نماز بخواند تا به تدریج بتواند واقعا گریه کند؟».

حضرت فرمود:

«قُرَّةُ عَيْنٍ وَاللَّهِ» (1).

«به خدا قسم چنین کاری نور چشم است».

(ط) بعد از نماز رویش را به طرف مردم برگرداند

در تبیین سیره مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین آمده است:

«كَانَ النَّبِيُّ إِذَا صَلَّى صَلَاةً أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ» (2).

«پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم، وقتی نماز را تمام می کرد، صورتش را به سوی ما برمی گرداند و رو به روی مردم می نشست».

ص: 223

1- . الفقیه، ج 1، ص 317 .

2- . صحیح بخاری، ج 1، ص 205 .

1. بدون رضایت مردم، بر آنان امامت نکند

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«وَحَمْسَةٌ لَيْسَ لَهُمْ صَلَاةٌ... إِمْرَأَةٌ سَخَطَ عَلَيْهَا زَوْجُهَا وَ إِمَامٌ قَوْمٌ يُصَلِّي بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ» (1).

«پنج دسته نمازشان مورد قبول واقع نمی شود... یکی از آنها امام جماعتی است که مردم از امامت او خوشنود نیستند».

در روایت دیگر چنین می خوانیم:

«ثَلَاثَةٌ لَا تُرْفَعُ صَلَاتُهُمْ فَوْقَ رُؤُسِهِمْ شَبْرًا: ... رَجُلٌ أَمَّ قَوْمًا وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ».

«سه طایفه هستند که نماز آنان حتی یک وجب نیز به سوی آسمان ها بالا برده نمی شود... یکی از آنها مردی

است که بر جماعتی که او را دوست ندارند، امامت می کند» (2).

ص: 224

1- . عوالی اللئالی، ج 1 ، ص 267 .

2- . سنن ابن ماجه، ج 1 ، ص 311 .

2. از طولانی شدن نماز به شدت پرهیز کند

نماز جماعت باید در عین تأتی و صحّت، با رعایت حال ضعیف ترین مأمومین برگزار گردد. انس در باره سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می گوید:

«ما صَلَّيْتُ وَرَاءَ إِمَامٍ قَطُّ أَخَفَّ صَلَاتًا وَلَا أَتَمَّ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»⁽¹⁾.

«هیچ گاه پشت سر هیچ امامی نماز نگزاردم که نمازش از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم کوتاه تر و در عین حال کامل تر باشد».

این روایت نشان می دهد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در عین آن که نماز را کامل و بدون عجله، اقامه می کرد، آن را طول نمی داد. آن حضرت نه تنها نماز خود را طول نمی داد، بلکه از طول دادن نماز توسط دیگران بر می آشفت. ابومسعود می گوید: فردی از طولانی کردن نماز، توسط امامی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای آنان معین کرده بود، به آن حضرت شکایت نمود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با حالتی غضبناک که تا آن روز ندیده بودم، فرمود:

«شما باعث تفرّ مردم می شوید! هر که امام جماعت می شود، نماز را کوتاه برگزار کند؛ زیرا در بین مأمومین،

افراد بیمار یا ضعیف وجود دارند و کسانی هستند که کار دارند»⁽²⁾.

ص: 225

1- صحیح بخاری، ج 1، ص 173.

2- «فَمَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي مَوْعِظَةٍ أَشَدُّ غَضَبًا مِنْهُ يَوْمَئِذٍ ثُمَّ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّكُمْ مُتَقَرِّبِينَ فَمَنْ صَلَّى بِالنَّاسِ فَلْيُخَفِّفْ فَإِنَّ فِيهِمُ الْمَرِيضَ وَالضَّعِيفَ وَذَالَحَاجَةٍ». صحیح بخاری، ج 1، ص 31 و 172.

بدون شک ائمه محترم جماعات با رعایت این سیره حسنه و پرهیز از طولانی شدن نماز و مراسم مربوط به آن می توانند تعداد بسیاری را جذب نمایند.

امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر چنین فرموده اند:

«وَ إِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ لِلنَّاسِ، فَلَا تَكُونَنَّ مُنْفَرًّا وَلَا مُضَيِّعًا فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ بِهِ الْعِلَّةُ وَلَهُ الْحَاجَةُ» (1).

«و آنگاه که با مردم نماز می گزاری و بر آنان امامت می کنی، آن قدر نماز را طولانی مکن که موجب رانده شدن و بیزاری مردم گردد، و نه آن قدر سریع نماز بگزار که نماز را ضایع گردانی؛ زیرا در میان مردم، بیمار وجود دارد و نیز کسانی هستند که دارای حاجت

و کاری هستند».

هیئت اُمناء

اشاره

مسجد به عنوان مجتمعی بزرگ که محل عبادت، کانون تزکیه نفس و تهذیب روح، پایگاه نشر معارف ناب دینی و جایگاه ارایه خدمات گوناگون علمی، فکری، اجتماعی و سیاسی و مرکز تحقق آمال و آرزوهای همه حقیقت طلبان

ص: 226

1- . نهج البلاغه، عهدنامه مالک، ص 440 .

جهان است، جز با هدایت و مدیریت صحیح امام جماعت و همیاری پاکدلان روشن ضمیر، توانا و متعهدی که هیئت امناء نامیده می شوند، نمی تواند رسالت والا و بی بدیل خود را انجام دهد.

جایگاه این همیاری در اداره مسجد چنان رفیع است که در روایات آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ قِيَمَ مَسْجِدٍ» (1).

«همانا خداوند آنگاه که بنده ای را دوست بدارد، او را متولی امور مسجدی قرار می دهد».

بدین جهت برای بهره برداری بهینه و ارتقای سطح کارکردی مسجد، لازم است که جمعی از اهل فلاح و صلاح، با شایستگی و تعهد لازم، مسئولیت اجرایی امور مختلف مسجد را بر عهده گرفته و تحت اشراف و هدایت و مدیریت امام جماعت آن مسجد، با همتی بلند و با تلاشی برخاسته از اخلاص و روشن بینی و به صورتی پی گیر و مُجدّانه، مسجد را برای ایفای رسالت واقعی خویش، آماده سازند و با اقدامات خویش در برنامه های آن، تحولی شگرف در این پایگاه معنوی و مرکز عبادی به وجود آورده، آن را از آسیب های کنونی، خارج سازند.

اعضای هیئت امناء در کار گروهی خود در مسجد، باید به دو اصل وحدت فرماندهی و اصل وحدت جهت، توجه ویژه ای داشته باشند تا بتوانند گروهی

ص: 227

1- . کنز العمال، ج 7، ص 653.

منظم، منسجم و موفق باشند؛ زیرا توجه به اصل وحدت فرماندهی این نکته را به آنان می آموزد که هر کس باید از یک مافوق دستور بگیرد و کارهایش را با او هماهنگ سازد و اصل وحدت جهت نیز این مطلب را بیان می کند که برای اجرای هر برنامه، باید یک مسئول، معین شود تا مدیر بتواند با هدایت همه فعالیت های معطوف به تحقق یک هدف معین، آنها را با هم هماهنگ سازد. (1)

بدینسان مشخص بودن مسئولیت هر یک از اعضا در امور مسجد و محور قرار دادن امام جماعت به عنوان مدیر و هماهنگ ساختن کارها با وی، نه تنها از سر در گمی، بی نظمی و روی زمین ماندن امور می کاهد، بلکه از بروز اختلاف و تداخل در کار یکدیگر جلوگیری می کند.

شرایط عضویت در هیئت امناء

- 1 - سلامت جسمی و روحی.
- 2 - رعایت شئون اخلاقی، اجتماعی و التزام عملی به آموزه های اسلام، نظام جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه.
- 3 - آشنایی به نقش و رسالت مسجد.
- 4 - برخورداری از تحصیلات.
- 5 - حداقل سن 25 سال.
- 6 - برخورداری از حسن سابقه و اعتماد مردمی.

ص: 228

1- . مبانی سازمان و مدیریت، ص 45 .

7 - سکونت یا اشتغال به کسب در محل.

8 - حضور مداوم در برنامه های مسجد، بویژه در نماز جماعت و مراسمی که در مسجد برگزار می گردد.

9 - داشتن وقت کافی جهت انجام امور محوله.

10 - عدم وابستگی به گروه ها و سازمان های غیرقانونی.

11 - حسن برخورد و توان نظارت بر امور مختلف مسجد.

12 - عدم سوء پیشینه و عدم اعتیاد به مواد مخدر.

شرح وظایف هیئت اُمناء

1 - ارایه مشورت به امام جماعت در تدوین استراتژی و تعیین هدف کلی و اهداف خاص و جزئی و تهیه تقویم برگزاری مراسم مسجد.

2 - تشکیل جلسه با حضور یا اطلاع امام جماعت و بحث و بررسی و اخذ تصمیم لازم پیرامون مسایل مختلف مسجد.

3 - برگزاری مناسب مراسم، با همکاری کانون فرهنگی و پایگاه بسیج تحت نظر امام جماعت.

4 - دعوت از وعاظ و سخنران هایی که امام جماعت تعیین می نماید.

5 - برنامه ریزی برای خادم و نظارت بر امور محوله.

6 - رسیدگی به امور تأسیساتی مسجد از قبیل آب، برق، تلفن، سوخت، سیستم گرم کننده، سیستم خنک کننده و

ص: 229

7 - اجرای طرح های عمرانی در مسجد با استفاده از عناصر مجرّب.

8 - حفاظت از وسایل و اموال مسجد و نظارت بر حسن استفاده از موقوفات مطابق با نظر واقف.

9 - ساماندهی مسایل مالی مسجد از طریق دریافت عواید مستغلات و موقوفات مسجد و جمع آوری کمک های نقدی و غیرنقدی از طرق مختلف.

10 - ثبت دریافت ها و پرداخت ها و نگهداری اسناد مالی در دفاتر و انجام امور حسابداری و مربوط به آن.

11 - گزارش حوادث و اتفاقات مسجد و محل به طور مرتب به امام جماعت برای اطلاع و چاره اندیشی.

12 - افتتاح حساب جاری به نام مسجد در یکی از بانک های دولتی با امضای امام جماعت به طور ثابت و دو نفر از اعضای هیئت اُمناء به طور علی البدل.

13 - اختصاص مکانی برای فعالیت های برادران بسیج و کانون فرهنگی در حد توان.

14 - انجام سایر اموری که از سوی امام جماعت ابلاغ می گردد.

15 - رایه بیان کار به طور ماهانه به امام جماعت.

16 - رایه بیان کار سالانه که به امضای امام جماعت رسیده باشد، به سازمان امور مساجد.

ریاست عالی و معنوی هیئت امناء در هر مسجد با امام جماعت است و هیئت امناء دارای شش عضو با مسئولیت های ذیل است:

1 - دبیر هیئت امناء.

2 - مسئول امور اداری.

3 - مسئول امور مالی و حسابداری.

4 - مسئول امور فرهنگی و برگزاری مراسم.

5 - مسئول امور ساختمان، بهداشت و تجهیز مسجد.

6 - مسئول امور اجتماعی و خدمات.

تبصره: سزاوار است افزون بر اعضای فوق، مسئول پایگاه بسیج و مسئول کانون فرهنگی مسجد در جلسه هیئت امناء شرکت نمایند.

شرح وظایف دبیر اجرایی هیئت امناء

* اعلام جلسات عادی و فوق العاده به امام جماعت و اعضا و ابلاغ دستور جلسه به آنها، حداقل یک روز قبل از تشکیل جلسه.

* امضای مکاتبات هیئت امناء.

* ارتباط مستقیم و نزدیک با امام جماعت در رابطه با کارها و برنامه های مسجد.

* پی گیری مصوبات هیئت امناء که به تأیید امام جماعت رسیده است.

* نظارت بر حسن انجام امور محوله به اعضای هیئت امناء.

* ارایه بیلان کار ماهانه به امام جماعت و بیلان کار سالانه به سازمان امور مساجد پس از امضای امام جماعت.

* ارایه تراز مالی و تصمیمات متخذه جهت اعلام نظر به امام جماعت.

شرح وظایف مسئول امور اداری

* دریافت نامه ها و انجام کلیه امور مکاتبات مربوط به مسجد.

* ثبت و نگهداری و بایگانی مکاتبات.

* تنظیم صورتجلسات هیئت اُمناء و ثبت آن.

* تنظیم گزارش حوادث و اتفاقات و ارایه به امام جماعت و اُمناء.

* تهیه لیست کاملی از کلیه اموال مسجد و سرجمع‌داری آن.

شرح وظایف مسئول امور مالی و حسابداری

* افتتاح حساب جاری به نام مسجد با امضای سه نفر، امام جماعت و دو نفر از هیئت امناء علی البدل.

* دریافت کلیه عواید موقوفات و جمع آوری کمک های مردمی.

* ثبت و نگهداری دریافت ها و پرداخت ها و اسناد مالی و انجام امور حسابداری مربوط به آن.

* تنظیم و ارایه ترازنامه مالی سالانه به هیئت اُمنای مسجد.

ص: 232

شرح وظایف مسئول امور فرهنگی

- * تشکیل کلاس های آموزش قرآن، عقاید، احکام و انجام مراحل ثبت نام و امور اجرایی آن.
- * برگزاری مراسم مذهبی ب-ه نحو احسن، با مشارکت و همکاری کانون فرهنگی، بسیج و مردم محل.
- * انجام و نظارت بر تبلیغات لازم برای فعالیت های مسجد.
- * دعوت از سخنرانی که امام جماعت تعیین می کند.
- * برقراری ارتباط با مراکز آموزشی منطقه و دعوت از آنان و استفاده از امکانات فرهنگی محل.

شرح وظایف مسئول امور ساختمان مسجد

- * اجرای طرح های عمرانی بازسازی و بهسازی مسجد.
- * رسیدگی به امور تأسیساتی مسجد مثل آب، برق و ...
- * تهیه و خرید اقلام مورد نیاز مسجد.
- * فروش اقلام مستهلک با تصویب و نظارت امام جماعت و هیئت اُمناء.
- * برنامه ریزی و پی گیری مداوم زیباسازی و نظافت و بهداشت مسجد.
- * نظارت بر کار خادم در جهت بهبود کیفیت نظافت مسجد.
- * تجهیز مسجد در جهت استفاده بهینه از امکانات و فضای مسجد و اختصاص تأسیسات جانبی مسجد برای فعالیت های بسیج و کلاس های فرهنگی.

شرح وظایف مسئول امور اجتماعی و خدمات

- 1 - تشکیل صندوق قرض الحسنه، تعاونی مصرف محلی، مرکز درمانی در صورت امکان، پس از تصویب هیئت اُمناء و امام جماعت.
- 2 - تشکیل گروه های امداد برای کاهش عوارض حوادث طبیعی نظیر سیل، زلزله و جمع آوری کمک برای آنان تحت نظر امام جماعت.
- 3 - برنامه ریزی جهت امداد به مستضعفین محدوده مسجد با اشراف و نظارت امام جماعت.
- 4 - تنظیم برنامه بازدید از خانواده های شهداء و مجروحین، معلولین انقلاب اسلامی با هماهنگی امام جماعت.
- 5 - سعی در افزایش نقش آفرینی مسجد در امور اجتماعی با هماهنگی مسئولین مربوطه.

مراحل انتخاب، گزینش و نصب هیئت امنا

امام جماعت، پس از بررسی، مطالعه و مشورت لازم از میان نمازگزاران، ساکنان، کاسبان، کارمندان، فرهنگیان و دانشگاهیان مجاور مسجد، شایسته ترین و تواناترین افراد را که از تخصص لازم برای انجام مسئولیت ها شش گانه فوق برخوردار باشند، انتخاب و به مرکز رسیدگی به امور مساجد معرفی می کند.

مرکز رسیدگی به امور مساجد پس از بررسی صلاحیت، نسبت به صدور حکم، اقدامات لازم را صورت می دهد.

گفتنی است علاوه بر اعضای هیئت امنا، انتخاب نمایندگان از ائمه

مختلف همچون دانش آموزان، کاسبان محل و زنان برای ایجاد پیوند بین مسجد و آن اقشار که به عنوان رابطین هیئت امنای با هر یک از آن اقشار به انجام کار و تلاش پردازد، بسیار مطلوب است.

تبصره: در مساجدی که دارای موقوفات می باشند، برحسب نیاز و مورد و در صورت لزوم می توان برای مسایل موقوفات از افراد دیگری استفاده نمود.

هیئت امنای و زمینه های نوین فعالیت

در دوران معاصر باید افرادی برای عضویت در هیئت امنای هر مسجد انتخاب شوند که از تحصیلات، اطلاعات، کارآمدی و روحیه مناسب کار جمعی برخوردار باشند و زمینه های نوین فعالیت های فرهنگی را بشناسند و با شیوه های جذب جوانان آشنایی داشته باشند.

اولین نکته ای که باید مورد توجه هیئت امنای قرار گیرد، استفاده بهینه از مکان، امکانات و فضای فیزیکی و معنوی مسجد و جلوگیری از تضییع و از بین رفتن این ثروت بزرگ ملی و مذهبی است.

دومین نکته ای که هیئت امنای هر مسجد باید به آن توجه کند، استفاده گسترده از رایانه و تجهیزات نوین و فن آوری روز اطلاعات است. در این عصر که پیشرفت وسایل مربوط به ارتباطات، جهان را به صورت دهکده ای کوچک بلکه بخش های یک کلبه در آورده است، برای دست یابی به اهداف، تبلیغات نقش بسیار مهمی ایفا می کند.

با کمال تأسف ابزارهای نوین و مدرن تبلیغ و شیوه های جدید آن، بهره گیری از دانش روانشناسی برای انجام تبلیغ و استفاده از آخرین تجارب به دست آمده در این زمینه، سلاح کارآمدی است که دشمنان اسلام برای رسیدن به اهداف شوم و شیطانی خود به خوبی از آن استفاده می کنند، ولی با کمال تأسف ما برای اهداف مقدس خود نه تنها از آن بهره کافی نبرده ایم! بلکه هنوز در صدد شناخت دقیق و کامل آن برنیامده ایم!

با توجه به این که یکی از وظایف مساجد، تبلیغ و اطلاع رسانی موردینی می باشد، فراهم آوردن و فضاسازی معنوی و علمی برای نشر معارف قرآنی و روایی به جهان از طریق رایانه و با استفاده از ابزارهای تکنولوژی ارتباطات، جهت کاربردی کردن این مهم، مطالعه و تلاش بیشتری، ضروری به نظر می رسد ولی می توان به طور قطع گفت که این اقدام، کاری است که از نیروهای مردمی مساجد ساخته است. بنابر این عدم استفاده از تجهیزات رایانه ای و نرم افزاری با گسترش روزافزون تکنولوژی اطلاعات در جامعه جهانی و بسط و گسترش این پدیده در میان جوانان کشور، توجیهی جز کم کاری ما ندارد.

سومین نکته لزوم توجه هیئت امنای به احیای آموزش معارف عمیق اسلامی در مسجد است، زیرا مکاتب بشری، توسعه علمی و پیشرفت های صنعتی نتوانسته روح حقیقت جوی آدمی را در دوران معاصر، سیراب سازد، بشر همچنان با عطشی وصف ناپذیر، سرخورده از مکاتب مادی، رو به سوی دین نهاده و درمان دردهای خویش را از وحی انتظار دارد.

هیئت امنا به آسانی می تواند با برنامه ریزی مناسب، سنت بزرگ پیامبر

و امامان معصوم در آموزش عمومی و همگانی قرآن و حکمت از طریق مساجد را احیا کند. همچنین می تواند از طریق فرهنگ سازی قرآنی، با تهاجم فرهنگی دشمنان به مقابله عملی برخیزد و گامی بلند در جامعه سازی قرآنی بردارد.

همچنین می تواند با تقویت و غنی سازی کتابخانه مسجد و خرید کتب تازه نشر یافته، زمینه لازم برای تشویق مردم به کتابخوانی، تفکر و تدبر در متون دینی، پژوهش و تولید دانش و نظریه پردازی و نشر معارف اهل بیت از این طریق توسط مسجیدیان را در آینده ای نه چندان دور فراهم سازد.

متأسفانه در حال حاضر حدود 95% مساجد فاقد کتابخانه مناسب می باشند و تنها 5% از مساجد کشور، دارای کتابخانه می باشند و همین تعداد اندک 5 درصد نیز از داشتن کتاب های جدید و متنوع محرومند.

چهارمین نکته ای که باید بدان توجه کافی مبذول داشت، استعداد نقش آفرینی بی بدیل مساجد در ایجاد وحدت و همدلی امت اسلامی است.

برابر تقدیر الهی و بدون طراحی هیچ فرد یا افرادی، در سراسر جهان، مساجد شبکه ای گسترده، منسجم، درهم تنیده، قوی، با انگیزشی معنوی و با قبله و هدفی واحد را تشکیل داده اند و هر روز بدون هیچ گونه هزینه و تبلیغی و فقط در پی گفتن اذان، اجتماع و میتینگ بی نظیر با حضور و مشارکت جمعیتی کلان از مؤمنان را در اوقاتی منظم و مشخص برگزار می کنند و از چنان پشتوانه فکری و مالی مردمی برخوردارند که هرگز نمی توان برای آن بدیل و رقیبی به وجود آورد.

متأسفانه امت اسلامی تاکنون به دلیل پاره ای مشکلات نتوانسته و بهتر

است بگوییم نخواستہ از این شبکه پویا و پایا و بی نظیر به صورت کارآمد استفاده نماید و بدین رو ہم اینک جهان اسلام با مصایب و چالش هایی دردناک و رنج آفرینی همچون اختلافات مذہبی، کژاندیشی، افراطی گری، بحران هویت و عدم واکنش مناسب در برابر تہاجمات فرهنگی غرب، عدم حضور مناسب و در خور امت اسلامی در مسایل جهانی و بین المللی، عدم اتحاد مواضع در مسایل جهانی، اشغال نظامی کشور اسلامی عراق، حضور نظامیان بیگانه در برخی از کشورهای اسلامی، حمله ددمنشانه اسرائیل غاصب به مردم مسلمان فلسطین و لبنان و کشتار مردم بی دفاع و تخریب منابع زیربنایی، اساسی و اقتصادی آن سامان و... مواجه است!!

مکتب انسان ساز و بی بدیل اسلام از ظرفیت، استراتژی و برنامه لازم و مناسب برای سعادت امت اسلامی و رفع مشکلات و چالش های پیش گفته برخوردار است و خوشبختانه مسلمانان نیز کتاب، پیامبر 6، اعتقادات، قبله، اخلاقیات، عبادات و مناسک مشترک بسیاری دارند که می توانند در سایه اتکا به آن مشترکات، با عزت و استواری به جایگاه مناسب و در خور این امت بزرگ الهی دست یابند و در این میان، بهترین محور وحدت، قرآن و سیرہ پیامبر اعظم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم و محبت اہل بیت علیہم السلام و عالی ترین و زیباترین پایگاہ وحدت، «مسجد» می باشد.

هیئت امنای ہر مسجد باید با طراحی برنامه های مناسب در جهت انسجام امت اسلامی حرکت کند و شبکه گسترده مساجد را برای پیوستن و متصل شدن به یکدیگر مہیا سازد و کارکردهای مسجد را از منظری جهانی بنگرد. در آن

صورت است که می توان حل بسیاری از مشکلات امت بزرگ اسلامی را از طریق مساجد، انتظار داشت و پی گیری نمود.

هیئت امانا و اهتمام به مسایل جوانان

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«عَلَيْكُمْ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ» (1).

«بر شما باد توجه به نسل نو و جوانان، زیرا آنان به هر کار نیک، اشتیاق بیشتری دارند».

در شرایطی که ده ها رادیو با 110 زبان زنده دنیا، با برنامه شبانه روزی خود، علیه اسلام و انقلاب اسلامی، تبلیغات حساب شده ای را سازماندهی نموده اند. در زمینه خبری، تنها خبرگزاری آسوشیتدپرس که مرکز آن نیویورک است، روزانه 17 میلیون کلمه خبر به سراسر دنیا مخابره می کند و خبرگزاری یونایتدپرس، روزانه 14 میلیون کلمه برای 90 کشور جهان ارسال می کند. خبرگزاری انگلیسی رویتر، با ایجاد 69 دفتر در جهان برای 138 کشور خبر ارسال می کند. این خبرگزاری با بنگاه خبری فرانسه، روزانه 35 میلیون کلمه خبر مخابره می کنند. در این راستا در انتخاب خبر و چگونگی تنظیم و ارسال آن، اهداف خاصی را دنبال می کنند. گفته می شود رادیو اسرائیل برای القای مطالب کذب خویش، از وجود چهل روانشناس بهره می گیرد.

ص: 239

1- . بحارالانوار، ج 23، ص 236.

در زمینه مذهبی تنها رادیو واتیکان با 30 زبان زنده دنیا، در شبانه روز بیش از بیست ساعت برنامه ارایه می کند و بالغ بر پنج هزار نوع نشریه با تیراژ دو میلیارد نسخه و اعزام صد و پنجاه هزار مُبَلِّغ، در سراسر جهان به تبلیغ مسیحیت می پردازد! علاوه بر فعالیت های موجود، واتیکان در نظر دارد با استفاده از سه ماهواره، تمامی کره زمین را تحت پوشش برنامه های تلویزیونی تبلیغات مسیحیت قرار دهد.

آیا می دانید تنها یکی از سازمان های فعال مذهبی مسیحیت، سازمانی است موسوم به کاریتاس، که در ظاهر هدف آن کمک رسانی به مردم و در واقع مأموریت اصلی آن تبلیغات مذهبی مسیحیت و مسیحی کردن افراد است. این سازمان که در 150 کشور شعبه دارد و هزینه های خود را از مازاد هزینه های کلیسا و کمک های مردمی و جمع آوری اعانه های خیریه تأمین می نماید، با داشتن پانصد هزار نفر کارمند و دو برابر این تعداد نیروهای قراردادی توانسته است تأثیری گسترده در بین مردم و دانشگاهیان بسیاری از کشورها داشته باشد؟

آیا می دانید این سازمان، با برنامه ریزی گسترده و دقیق، فعالیت هایی را انجام می دهد که آدمی از شنیدن آنها به شگفت درمی آید:

1. ارائه مشاوره به دانش آموزان سال آخر برای تعیین رشته تحصیلی تا بتوانند رشته مورد علاقه خود را انتخاب و با انگیزه بیشتر به تحصیل خویش ادامه دهند.

2. آشنا کردن دانشجویان با یکدیگر از طریق برگزاری جشن ها و مراسم دیگر.

3. کمک‌رسانی به دانشجویان برای پیدا کردن مسکن و سکونت دادن دانشجویان در بین خانواده‌های مسیحی قابل اعتمادی که اعلام آمادگی کرده‌اند.
4. پاسخ به سؤالات مذهبی به صورت حضوری یا تلفنی، برگزاری سمینارهای مذهبی، بحث و گفتگوی دینی و تبادل نظر در این زمینه در زمان حداقل یک بار در هر ماه با پذیرایی و صرف چای و شیرینی.
5. ارزیابی خدمات آموزشی، برگزاری دوره‌های آموزش زبان، آموزش هنرها، امکان مطالعه نشریات، استفاده از کامپیوتر و... .
6. دعوت برای اقامت یک شبه دانشجویان در اقامتگاه راهبان مسیحی جهت آشنایی آنها با نحوه زندگی آنها.
7. ایجاد اشتغال برای دانشجویان در تعطیلات بین‌ترم‌ها.
8. تحت پوشش قرار دادن دانشجویان متأهل و ایجاد مهد کودک رایگان در دانشگاه.
9. ارزیابی خدمات در مسافرت‌های دانشجویی (خانواده‌هایی که به مسافرت می‌روند، مقصد خود را و تعداد جای خالی اتومبیل خود را به کاریتاس اعلام می‌کنند و دانشجویانی که قصد عزیمت به همان مسیر یا مقصد را دارند، می‌توانند با آنان همراه شوند).
10. دیدار از دانشجویان در منازل و خوابگاه‌ها.
11. پخش کوپن‌های غذا در سالن‌های غذاخوری دانشگاه‌ها به طور رایگان جهت دانشجویان فقیر و نیازمند.
12. شناسایی دانشجویان معتاد و بازپروری آنان.

آیا می دانید این سازمان با تبلیغات فراوان، به جذب هرچه بیشتر افراد پرداخته و فعالیت های خود را روز به روز گسترده تر می سازد.

آیا توجه داریم که حضور برنامه ریزی شده تبلیغی دشمن در تمامی عرصه های اطلاع رسانی، فرهنگی، هنری و عدم حضور فعال ما در زمینه های فوق، موجب شده که دشمنان، نزد بسیاری از افراد، چهره نورانی اسلام و مسلمین را مشوه جلوه دهند و در مقابل، ظلم و تبهکاری خویش را، تحت عناوین حقوق بشر و حمایت از آزادی توجیه و برخوردهای زشت و نادرست خود را زیبا ترسیم نمایند؟!!

آیا می دانید که استکبار جهانی برای انتشار مطالب خلاف واقع علیه اسلام به انواع اقدامات دست می زند. به عنوان نمونه، تنها انتشارات پنگوئن برای نگارش کتاب «آیات شیطانی»، به نویسنده مرتد آن در آن تاریخ، هشتصد و پنجاه هزار دلار، حق التالیف پرداخت کرد و علاوه بر آن انجمن سلطنتی انگلستان، جوایز دیگری به او اهداء نمود و در روزهای اخیر، تلاش کردند وجود متعفن و منفور او را با دادن نشان دولتی شوالیه مطرح سازند!!

براستی مسئولیت ما در مقابله با سیل این تهاجمات چیست؟

آیا نمونه های فوق، لزوم زمینه سازی برای حضور جدی جوانان در مسجد را آشکار نمی سازد؟

مگر قرآن کریم به ما پیام نداده است:

ص: 242

«مَنْ أَحْيَى نَفْسًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَى النَّاسَ جَمِيعًا» (1).

«هر کس، شخصی را احیا و زنده کند، گویا همه مردم را احیا نموده است».

مگر در تفسیر نخوانده ایم که مقصود از احیاء و زنده کردن، یعنی گمراهی را هدایت کند؟

اهمیت هدایت افراد و پاداش آن به گونه ای است، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هنگام اعزام علی علیه السلام به سفر تبلیغی به او می فرماید:

«وَإِيْمُ اللَّهِ لئن يَهْدِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ» (2).

ای علی! به خداوند سوگند می خورم اگر خداوند به وسیله تو یک نفر را هدایت کند، برای تو از هر آن چه آفتاب بر او می تابد، یعنی «تمام دنیا» بهتر است».

هیئت امنای که مسئولیت اداره مهم ترین کانون معنوی را پذیرفته است، باید درصدد برآید اصول و شیوه های تبلیغ در عصر حاضر را دریابد. امام علی علیه السلام به کمیل می فرماید:

«يَا كُمَيْلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ

مُحْتَاَجٌ فِيهَا إِلَى الْمَعْرِفَةِ» (3).

ص: 243

1- . مائده: 33 .

2- . بحار الانوار، ج 21، ص 363 .

3- . تحف العقول، ص 165 .

«هیچ حرکتی نیست مگر آن که تو در آن به شناخت نیازمند هستی!».

برای موفقیت در این مسئولیت، علم و آگاهی، مهربانی و صمیمیت، تواضع و انعطاف پذیری، اخلاص و عدم توقع پاداش، توکل بر خداوند، اعتماد به نفس، شجاعت و دلسوزی، سعه صدر و استقامت، آراستگی، نظم و نرم خویی و ویژگی هایی است که باید خود را بدان آراست.

با نام خدا و در جهت او، توجه به موقعیت، شناخت زمان، مکان و مخاطب، مطابق بودن با نیاز، توجه به نیازهای اساسی و نهاد فطری انسان، رعایت اعتدال و توازن، در نظر گرفتن اولویت ها، توجه به تدریجی بودن، نرم، همراه با ادب و احترام، دوری از افراط و تفریط، اصرار بیهوده، پیراسته از لغو، ناسزا و تعصب های نابجا، پیام دینی را بهتر به مخاطبان جوان منتقل می کند.

شناخت ابزارهای تبلیغی همانند ایراد سخن و خطابه، کلاس، برگزاری همایش های منطقه ای و محلی، تشکیل میزگرد و جلسات پرسش و پاسخ، مسابقه، برگزاری نمایشگاه، ورزش، اردو، بازدید از آثار تاریخی و گردش های علمی، استفاده از رسانه های همگانی و فعالیت های هنری و استفاده مناسب و بجا از آنها در جذابیت برنامه ها بسیار مهم است.

گفتنی است قرآن کریم در تبلیغ آموزه های دینی از شیوه های گوناگونی استفاده کرده است:

1 - برانگیختن تفکر یا پرورش عقلانی.

2 - شیوه غفلت زدایی.

ص: 244

3 - شیوه پرسش و پاسخ.

4 - شیوه مقایسه ای.

5 - شیوه معرفی الگو.

6 - شیوه القاء مستقیم.

7 - شیوه القاء غیر مستقیم.

8 - شیوه عملی.

9 - شیوه برانگیختن احساس کرامت انسانی.

10 - شیوه تلقین و تکرار.

11 - شیوه تحریک عواطف.

12 - شیوه تشویق و تهدید که ما نیز باید از آن شیوه ها در جای مناسب خودش، استفاده کنیم.

پایگاه مقاومت بسیج

هدف

ایجاد توانایی های لازم در کلیه افراد معتقد به قانون اساسی و اهداف انقلاب اسلامی به منظور تشکیل ارتش بیست میلیونی در جهت دفاع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و همچنین کمک به مردم به هنگام بروز حوادث غیر مترقبه.

ص: 245

جذب و سازماندهی، کمک در امر آموزش عمومی و به کارگیری آنان در محدوده پایگاه مقاومت.

شرح وظایف

- 1 - تبلیغات گسترده به منظور ایجاد انگیزه های الهی در نیروهای مردمی جهت عضویت در ارتش بیست میلیونی و حضور در صحنه های دفاع از انقلاب اسلامی.
- 2 - شناسایی و دعوت از نیروهای واجد شرایط و مستعد، جهت پیوستن به ارتش بیست میلیونی.
- 3 - جذب و پذیرش و ارزشیابی اعضای عادی و فعال بسیج.
- 4 - کمک به ارزشیابی اعضای فعال و اعضای ویژه.
- 5 - ارائه خدمات کارگزینی به اعضای عادی، طبق دستورالعمل.
- 6 - شناسایی و معرفی مشمولین واجد شرایط به رده مافوق بنابه درخواست.
- 7 - انجام مراحل تئوری آموزش عمومی مقدماتی و تداوم آن در زمینه های دفاع غیرنظامی و مقاومت محلی.
- 8 - همکاری جهت اجرای مراحل عملی آموزش عمومی مقدماتی و آموزش تکمیلی با ناحیه مقاومت.
- 9 - تشکیل کلاس های تقویتی، جهت رشد بنیه علمی و سوادآموزی

نیروهای تحت امر با هماهنگی امام جماعت.

10 - تشکیل کلاس های عقیدتی، سیاسی طبق دستورالعمل ابلاغی با هماهنگی امام جماعت.

11 - همکاری با ناحیه مقاومت، در برگزاری مانور.

12 - سازماندهی اعضای بسیج، در قالب طرح های مصوّب ابلاغی از رده مافوق.

13 - اداره و تقویت هسته های دفاعی و به کارگیری آنها در مأموریت های پایگاه با استفاده از عناصر ستادی و انجام پشتیبانی های لازم از آنان.

14 - مأمور نمودن هسته ها به ناحیه مقاومت بنا به دستور.

15 - فراخوانی واعزام بسیجیان مورد نیاز مأموریت های سپاه بنابه دستور.

16 - جذب و تشکل نوجوانان (زیر 15 سال) در پایگاه مقاومت، از طریق فعالیت های آموزشی، فرهنگی، هنری، ورزشی و علمی به منظور ایجاد پشتوانه برای پایگاه مقاومت با هماهنگی هیئت اُمّناء و امام جماعت.

17 - همکاری با مراکز ذیربط، در انجام امور امداد و کمک رسانی به مردم هنگام بروز بلایا و حوادث غیرمترقبه از طریق نیروهای سازمان یافته، طبق دستورالعمل.

18 - به کارگیری اعضای پایگاه مقاومت، در زمینه های عمرانی، خدماتی، اجتماعی بنابه دستور.

19 - همکاری با مراجع انتظامی و قضایی به منظور برقراری امنیت، بنابه دستور.

20 - جمع آوری اخبار آشکار و شایعات و انعکاس به رده مافوق.

21 - به کارگیری نیروهای سازمان یافته، در امر برقراری پست های ایست و بازرسی و گشت براساس دستورالعمل ابلاغی.

22 - کمک در امر تهیه طرح های دفاعی محدوده پایگاه مقاومت.

23 - حفاظت و حراست از مسجد و محل استقرار پایگاه مقاومت.

24 - همکاری با حفاظت اطلاعات، در زمینه های امنیتی و حفاظتی پایگاه طبق دستورالعمل های ابلاغی.

25 - اجرای برنامه های حفظ و انسجام از طریق برگزاری اردوها و برنامه های ورزشی، فرهنگی و هنری.

26 - برنامه ریزی و هماهنگی لازم، جهت سرکشی نیروهای سازمان یافته از خانواده معظم ایشارگران و اجرای برنامه های انصارالمجاهدین با هماهنگی امام جماعت.

27 - تأمین مایحتاج مورد نیاز پایگاه مقاومت، از طریق کمک های مردمی و سپاه.

28 - جمع آوری کمک های مردمی «نقدی و جنسی»، جهت حوادث غیرمترقبه و پشتیبانی از جنگ، بنابه دستور و هماهنگی با امام جماعت.

29 - برگزاری و شرکت در مراسم و مناسبت ها با هماهنگی رده مافوق و امام جماعت.

30 - ارتباط و هماهنگی با امام جماعت مسجد به منظور پیشبرد مأموریت های پایگاه مقاومت.

- 31 - شرکت در جلسات و سمینارهای رده مافوق.
- 32 - برگزاری جلسات مستمر و منظم با شورای پایگاه با حضور یا اطلاع امام جماعت.
- 33 - برگزاری جلسات با فرماندهان گروهان های سازمان یافته و رده های مقاومت.
- 34 - حفظ و نگهداری اموال پایگاه مقاومت.
- 35 - ارسال گزارش کار به طور مستمر، به ناحیه مقاومت.
- 36 - تلاش در جهت استقرار کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی و جلوگیری از بروز انحرافات و اختلافات و ورود به دستجات و احزاب سیاسی در سطح ناحیه و پایگاه های مقاومت تحت امر براساس ابلاغیه حوزه نمایندگی ولی فقیه.

ارتباطات سازماندهی

- 1 - مسئولیت مستقیم در برابر ناحیه مقاومت.
- 2 - مسئولیت غیر مستقیم در برابر امام جماعت.
- 3 - نظارت مستقیم بر رده های سازمان یافته پایگاه مقاومت.
- 4 - نظارت مستقیم بر قسمت های مختلف پایگاه مقاومت.
- 5 - ارتباط غیر مستقیم با گروهان های سیدالشهداء و گردان های عاشورا.

طهارت، پاکیزگی و نظافت محل عبادت، از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال، حضرت ابراهیم علیه السلام را پس از فراخوان به توحید و دوری گزیدن از هر نوع شرک، نسبت به پاکیزه ساختن کعبه و مسجد الحرام مکلف می سازد و اعلام حج و دعوت مردم برای آمدن به خانه خداوند را پس از پاکیزگی آن، مطرح می سازد. (1)

و در آیه ای دیگر، نه تنها حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام را مسئول پاکیزه سازی دانسته، بلکه از آن با عنوان عهد و پیمانی میان خود و آن دو یاد می کند:

«وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ». (2)

توجه به این آیات، نشانگر اهمیت بسیار زیاد نظافت و پاکیزه سازی مسجد و مسئولیت شخصیت هایی چون حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام نسبت به آن است. با توجه به ذکر تطهیر قبل از اذان و دعوت مردم، نیکو است مسجد قبل از

ص: 250

1- «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (26) «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالاً وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» حج: 26 - 27 .

2- . بقره: 125 .

اذان و فراخوان و حضور مردم، پاکیزه و آماده سازی گردد به گونه ای که مردم به هنگام حضور در مسجد، با مکانی پاکیزه، نظیف، زیبا، معطر و دلچسب، مواجه شوند.

بدون شک نظافت، خوشبو و زیبا نگه داشتن مسجد، نقش مؤثری در جلب و جذب افراد به خصوص قشر جوان و نوجوان به آن دارد. بنابراین ضرورت دارد انسانهای وارسته ای، افتخار خدمت در مساجد را پذیرا شوند که علاوه بر پخش اذان و اهمیت دادن به امر نظافت و زیباسازی مساجد، با برخورد شایسته خویش، نمازگزاران را به سوی خانه خدا جذب نمایند.

گفتنی است خادم مطلوب، باید جوان، پر کار، خوش برخورد، خوش صدا، با تحصیلات دیپلم و آشنا به تعلیم و آموزش قرآن کریم و به مسایل بهداشتی آشنا باشد.

در موقعیت کنونی، به ذکر حداقل شرایط خادم بسنده می شود.

شرایط خادم

- 1 - سلامت جسمی و روحی.
- 2 - متأهل بودن.
- 3 - حداقل سن 20 سال و حداکثر 40 سال.
- 4 - التزام عملی به امور شرعی، اصل ولایت فقیه.
- 5 - داشتن تحصیلات راهنمایی.
- 6 - حسن برخورد و رعایت احترام و ادب نسبت به نمازگزاران.

ص: 251

7 - رعایت شئونات و حریم قدسی مسجد.

8 - توانایی انجام وظایف محوله.

9 - عدم سوء پیشینه و عدم وابستگی به گروهک ها.

10 - عدم اعتیاد.

البته افزون بر خادم استخدامی، باید با تبیین جایگاه خادم از همگان به عنوان خادم افتخاری مساجد بهره گرفت.

شرح وظایف خادم

1 - پخش اذان سه نوبت «صبح، ظهر، مغرب» از حنجره یا بلندگوی مسجد.

2 - تحویل گرفتن کلیه اموال مسجد و حفظ و نگهداری آن به صورت منظم و شایسته.

3 - نظافت، غبار رویی و شستشوی مداوم مسجد، به گونه ای که از نظر نظافت با شأن یک مرکز عبادی متناسب باشد.

4 - باز نمودن درب مسجد قبل از برگزاری نماز در هر سه وقت.

5 - حسن برخورد و رعایت ادب و احترام نسبت به نمازگزاران به ویژه قشر جوان و پرهیز از هرگونه برخورد نامناسب با آنان.

6 - همکاری با نمازگزاران و مراجعین، در جهت برگزاری مراسم مذهبی، ختم و... .

7 - اجرای اوامر امام جماعت و هماهنگی کامل با هیئت اُمناء و همکاری با کانون فرهنگی و بسیج مسجد.

ص: 252

8- ارایه مشکلات مسجد به امام جماعت و هیئت اُمناء و سعی در رفع آن.

9- پاسخ گویی به تلفن مسجد، در صورت نبودن هیئت اُمناء و یادداشت مطالب.

10- شرکت در دوره های تربیت مربی قرآن کریم و فراگیری روش تعلیم قرآن و آموزش روخوانی قرآن به نوجوانان.

اخلاق و رفتار خادم

مسجد محل تزکیه و تهذیب روح و روان و پرورش و شکوفایی استعدادهای عالی انسانی است و نقش اساسی در حفظ و تعالی شخصیت دارد. مسجد، مرکزی است که از مأذنه آن باید نام رفیع پروردگار و ندای توحید، گوش جان مشتاقان را نوازش دهد تا سیل جوانان و نوجوانان و دیگر اقشار امت را به خود جذب نموده و آنان را از فرو افتادن در ورطه غفلت حفظ نماید.

خادم مسجد که مسئولیت خطیر تطهیر، حفظ و نگهداری و آماده سازی مسجد را بر عهده گرفته است، باید با اخلاقی خوب و پسندیده، زمینه جذب افراد را فراهم آورد؛ نه آن که خدا ناکرده با نق زدن و تندى با نوجوانان موجب خلوت شدن مسجد شوند.

رعایت نظافت و پاکیزگی مسجد، آراستگی ظاهر، زیبایی و خوشبویی، ابتدا نمودن به سلام، خوشرویی و گشادگی چهره، مهربانی، رعایت احترام و ادب نسبت به نمازگزاران، حوصله و صبر، زمینه جذب جوانان به مسجد را فراهم می سازد.

ص: 253

الف) حفظ حرمت و تطهیر مسجد

- 1 - مصالح ساختمانی مسجد اعم از آجر و سنگ و سیمان و گچ و مانند آن که در ساختمان دیوار و کف و سقف مسجد به کار می رود، باید پاک باشد و بنابر احتیاط واجب آن چه در قسمت بیرونی دیوار مسجد نیز به کار می رود مانند سنگ ها و آجرهای تزیینی و غیر آن نیز باید پاک باشد.
- 2 - نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است.
- 3 - احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار را هم نجس نکنند؛ مگر آن که واقف آن را جزو مسجد قرار نداده باشد.
- 4 - نجس کردن فرش مسجد نیز حرام است.
- 5 - برطرف کردن نجاست از مسجد واجب است و فرقی در این مساله بین داخل سقف و پشت بام و حتی طرف داخل دیوار مسجد نیست؛ یعنی هر جای مسجد نجس شود، باید تطهیر یا به گونه ای دیگر نجاست بر طرف گردد.
- 6 - بنا بر احتیاط واجب اگر طرف بیرون دیوار مسجد نجس شود برطرف کردن نجاست از آن واجب است مگر آن که واقف طرف بیرون را جزو مسجد قرار نداده باشد.
- 7 - هنگامی که انسان از نجاست مسجد مطلع شد فوراً باید آن را تطهیر

کند؛ پس نباید به قدری معطل کند که عرفاً بگوید تأخیر کرده است.

8 - اگر انسان در وقت نماز و قبل از شروع آن متوجه شود جایی از مسجد نجس است مثلاً ببیند چند قطره خون بر فرش مسجد ریخته است اگر وقت نماز وسعت دارد، تطهیر مسجد بر خواندن نماز مقدم است. ولی اگر وقت نماز تنگ است؛ یعنی اگر بخواهد مسجد را تطهیر کند و بعد از آن نماز بخواند، تمام نماز یا قسمتی از آن پس از وقت خوانده می شود، نماز خواندن بر تطهیر مسجد مقدم است.

9 - اگر در بین نماز متوجه شود یا یادش بیاید که مسجد نجس است اگر با تمام کردن نماز، تطهیر تأخیر نمی شود، مثلاً در رکعت آخر نماز است یا وقت نماز تنگ است، باید نمازش را تمام کند و بعد از نماز، مسجد را تطهیر کند و در صورتی که تطهیر تأخیر می شود و وقت نماز هم وسعت دارد، باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر کند و بعد از آن، نمازش را بخواند.

10 - بردن عین نجس به مسجد مانند خون و چیزی که نجس شده مثلاً لباس نجس اگر بی احترامی به مسجد باشد، حرام است.

11 - توقف جنب و حائض و نفساء در مسجد «هر مسجدی باشد» حرام است.

12 - برای چنین افرادی گذاشتن چیزی در مسجد، هر چند از بیرون مسجد، حرام است.

13 - خوابیدن در مسجد مکروه است مگر در حال ناچاری.

14 - بنا بر احتیاط واجب مسجد را نباید به طلا زینت نمایند.

15 - بنا بر احتیاط واجب نباید صورت انسان و حیوان را در مسجد نقش کنند و نقاشی چیزهایی که روح ندارد مثل گل و بوته مکروه است.

(ب) حفظ ساختمان و اموال مسجد

16 - فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود باید آنها را در تعمیر و بازسازی همان مسجد به کار ببرند. اگر در آن مسجد قابل استفاده نباشد، باید در مسجد دیگر مصرف شود. اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد، می توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است در تعمیر همان مسجد و گر نه در مسجد دیگر مصرف کنند.

17 - بردن مصالح ساختمانی حتی خاک و ریگ از مسجد جایز نیست، مگر خاک های اضافی.

18 - خرید و فروش چیزهایی که وقف مسجد شده باطل است: ولی اگر به طوری خراب شود که نتوانند استفاده ای را که مال برای آن وقف شده از آن ببرند؛ مثلاً فرش مسجد پاره شود که نتوانند روی آن نماز بخوانند، فروش آن اشکال ندارد و در

صورتی که ممکن باشد، باید پول آن را در همان مسجد به مصرف برسانند که به مقصود وقف کننده نزدیکتر باشد.

19 - اگر انسان نگذارد مردم از مسجد و مدرسه و پل و جاهای دیگر که برای عموم مردم ساخته شده، استفاده کنند، حق آنان را غصب کرده است.

ص: 256

ج) آداب و مستحبات ورود به مسجد

20 - وقتی انسان وارد مسجد می شود مستحب است دو رکعت نماز به نیت «تحیت و احترام مسجد» بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند کافی است.

21 - مستحب است زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن. چراغ مسجد را روشن کردن (تأمین نور مسجد). تمیز کردن مسجد. هنگام وارد شدن ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن. هنگام بیرون آمدن ابتدا پای چپ را بیرون گذاشتن. وضو گرفتن برای رفتن به مسجد. خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباس ها برای رفتن به مسجد.

د) مکروهات مسجد

22 - عبور از مسجد به عنوان محل عبور، بدون آن که در آنجا نماز بخواند، خوابیدن در مسجد مگر در حال ناچاری. فریاد زدن در مسجد و صدا را بلند کردن مگر بران اذان، سخن گفتن از امور دنیا در مسجد، خرید و فروش در مسجد، انداختن آب دهان و بینی در مسجد، رفتن به مسجد برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می دهد، مکروه است.

ه) اذان و نماز در مسجد

24 - مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می کنند؛ عادل، وقت شناس و صدایش بلند باشد.

25 - مستحب است مؤذن هنگام اذان گفتن: رو به قبله ایستاده، با طهارت، دست‌ها را به گوش بگذارد و با صدای بلند و کشیده اذان بگوید. و بین جملات اذان کمی فاصله دهد. آخر جملات وقف کند و در جملاتی که کلمه مبارک «الله» قرار دارد، «الف» و «ها» را به روشنی ادا کند.

26 - اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر عمدا یا از روی فراموشی قبل از وقت بگوید، باطل است.

27 - سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

28 - حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی به آن جایز نیست. (1)

تذکرات مهم

تذکر چند نکته اخلاقی و مدیریتی به عنوان حسن ختام این نوشتار سودمند خواهد بود. امید است با بذل توجه کافی امامان جماعت و مدیران مساجد، امور از موفقیت بیشتری برخوردار گردد.

1 - از آنجا که در نظام اسلامی باید انگیزه اصلی، حفظ و صیانت پیوند با خدا باشد و ریاست، معاونت و استخدام فقط به منظور ایجاد نظم صوری در محیط کار و جامعه است؛ بنابراین روابط بین مدیر، کارگزار و مراجعه کننده، نباید فقط تابع اعتبار خشک اداری و قراردادهای رسمی و عرفی باشد، زیرا در روز قیامت که روز ظهور حقایق و گسستن ارتباط قراردادی و اعتباری

ص: 258

1- . اقتباس از احکام مسجد، فلاح زاده.

است، این نوع روابط اعتباری از بین می رود و تنها مخلصان مسروند:

«ینقلب الی اهله مسرورا» (1).

ولی اگر انگیزه فقط رفتار اداری بوده و بس و تحصیل خرسندی خداوند در نظر نبوده است، همه ضرر نموده اند و مدیر، کارکنان و... همه به شدت غمگین هستند؛ زیرا آنچه حق و صواب بوده فراهم نکرده اند تا بماند:

«ما عندکم ینفد و ما عنداللّه باق» (2).

«آنچه نزد شماست از بین می رود و آنچه نزد خداست باقی می ماند».

2 - تعهد ایجاب می کند که انسان به عهد خویش پایبند باشد و بدون هیچ کاستی به آن وفا کند زیرا هنگام محاسبه الهی، رعایت عهد مورد سؤال قرار می گیرد:

«و اوفو بالعهد ان العهد کان مسئولاً» (3).

«به میثاق خود وفا کنید همانا عهد و پیمان مورد پرسش قرار می گیرد».

3 - قبول سمت و پست به منزله پذیرش امانت جامعه است و ادای امانت و واگذاری مسئولیت به افراد شایسته واجب و خیانت در امانت حرام است:

ص: 259

1- . انشقاق: 9 .

2- . نحل: 96 .

3- . بقره: 177 .

«ان الله يأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها».(1)

«خداوند به شما امر می کند که هرگونه امانتی را به صاحب آن برگردانید».

4- کم کاری، دریافت مال مشکوک و حرام، در حقیقت آتش خوردن است:

«الذین یأکلون اموال الیتامی ظلما انما یأکلون فی بطونهم نارا».(2)

«آنان که اموال یتیمان را از روی ستمکاری می خورند همانا در معده های خود آتش خورده اند».

5- جاه طلبی و مال دوستی و ثروت اندوزی خطر بسیار بزرگی است که آدمی را تهدید می کند و چه بسا ایمان آدمی را از بین ببرد. پیامبر به اباذر فرمود:

«ای اباذر! دوستی مال و جاه، دین مرد را بیش از آن اندازه از بین می برد که دو گرگ خون آشام شبانه به آسایشگاه گوسفندان حمله برند و در بامداد چیزی از آن رمه باقی نگذارند».(3)

ص: 260

1- . بنی اسرائیل: 34 .

2- . نساء: 10 .

3- . بحار الانوار، ج 74 ، ص 80 .

6 - انسان وارسته باید خویش را دائماً در حضور خدا ببیند چنین انسانی وظیفه دارد هر روز صبحگاهان با خدا تجدیدعهد نماید و در طول روز از نیت و عملکرد خود مراقبت نماید و هر شامگاه به سنجش و محاسبه آنها اقدام نماید.

7 - انسان مسلمان باید خداوند را بر همه شئون، تصمیم گیری ها و گفتار و رفتارش شاهد و ناظر ببیند چنین انسانی اولاً از آلودگی و گناه کردن در حضور خدا اجتناب می نماید. ثانیاً کارهای شایسته را نیز تنها برای جلب رضایت آن ذات مقدس انجام می دهد.

8 - هر کس نسبت به یاد خداوند غفلت ورزید و حضور او را نادیده گرفت و بر خود متکی شد به سختی و تنگنای زندگی گرفتار شده و به اندوه و ترس مبتلا می گردد:

«و من اعرض عن ذکری فان له معیشه ضنکاو نحشره یوم القیامه اعمی» (1).

«آن کس که از یاد من اعراض کند، در دنیا زندگی سختی خواهد داشت و روز قیامت نیز او را کور محشور می کنیم».

9 - با عنایت به ناپایداری جهان و مقام و ثروت آن، باید از فرصت به دست آمده برای خدمت استفاده نمود و خود را به تفاخر، غرور، فخرفروشی و استبداد رأی نیالود؛ بلکه مقام و ثروت را وسیله امتحان الهی دانست.

ص: 261

10 - باید همگان بدانیم که ریاست و عنوان، لباس و ثروت، شهرت و اعتبار اجتماعی، زینت انسان نمی شود و ارزشی برای او پدید نمی آورد. ارزش انسان به ایمان و شایستگی های علمی و اخلاقی اوست.

11 - اهمیت دادن امامان جماعت به برپایی نماز جماعت در اول وقت و حضور همیشگی شخص ایشان قبل از تشکیل صفوف نماز جماعت، هم توجه وی به انجام وظایف الهی و آداب را نشان می دهد و هم نمازگزاران را در مورد اهمیت نماز جماعت هشیار می سازد. قرآن کریم می فرماید:

«الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه».(1)

«آنان که اگر به آنان در روی زمین قدرت و توانایی دادیم نماز را برپا می دارند».

12 - شکیبایی، اغماض، عفو و بخشش به ویژه در اموری که به شخص مدیر مربوط می شود، مدیریت را در حل مشکلات و مدیریت منابع انسانی، توانا و موفق تر می سازد. خداوند می فرماید:

«و ان تعفوا اقرب للتقوی».(2)

«و اگر ببخشایند به تقوی نزدیکتر است».

13 - ساده زیستی، پرهیز از تشریفات زاید، عدم استفاده از وسایل بیت المال در امور شخصی، حساسیت نسبت به رعایت قوانین و مقررات بویژه

ص: 262

1- . حج: 41 .

2- . بقره: 238 .

در مسایل مالی برای زیر دستان درسی بزرگ و هشدارگری گران بهاست و آثار بسیار مطلوبی در بردارد.

14 - رعایت احترام و ادب در صدور فرمان و پاسخ مراجعه کنندگان، ضرورتی است که زمینه موفقیت بهتر را برای امام جماعت فراهم می سازد.

15 - امام جماعت مسجد باید از اظهار نظرهای بدون علم و اطلاع، قضاوت های زود هنگام و نسنجیده، و موضع گیری های اختلاف برانگیز به شدت اجتناب نماید تا بتواند وظایف اساسی خود را انجام دهد.

16 - امام جماعت مسجد نباید نزدیک بین باشد و یا با سوءظن به کارمندان، امور را سازمان دهد.

17 - امام جماعت مسجد نباید به صورت یکطرفه از دیگر کارگزاران و قدرشناس زحمات آنان نباشد.

18 - امام جماعت مسجد نباید منزوی باشد و از جوشش و برقراری روابط صمیمانه با همکاران خود اکراه داشته باشد.

19 - امام جماعت مسجد نباید تشریفاتی، ظاهر بین و تملق پسند باشد بلکه با توجه به عمق وظیفه، به نظریات دیگران توجه نشان دهد.

20 - امام جماعت مسجد نباید نسبت به حوزه مدیریت خود ناآگاه، غافل، دو دل یا در بسته باشد زیرا هر یک از این امور، انجام وظیفه را برایش دشوار و در برخی موارد غیر ممکن خواهد ساخت.

21 - امام جماعت مسجد باید فرصت را غنیمت بشمارد، به هیچ وجه کار امروز را به فردا موکول ننماید.

22 - امام جماعت مسجد باید خوش اخلاقی، عفو و اغماض و انحطاف پذیری را با نظم و انضباط قاطعیت و اتقان در کار و عمل بیاموزد تا بتواند از ثمرات نیکوی آن صفات بهره مند شود. افراط و تفریط در هر مورد یا فرو افتادن در دامن یک طرف و گام برداشتن برخلاف دیگری امری نامطلوب و ناپسند است.

23 - مسجد باید نظیف ترین و زیباترین ساختمان هر منطقه باشد و همچون نگین انگشتر در میان ساختمان های هر محله بدرخشد. بنابراین سعی نمائید با اهمیت دادن به نظافت و زیبایی مسجد، آن را به محیطی شاداب، با طراوت، جذاب و دلکش مبدل سازید.

24 - ایجاد اشتیاق و استقبال عمومی و بویژه نسل جوان به مسجد و رفع مشکلات و موانع حضور آنان، به عنوان یک اقدام اساسی باید در دستور کار خدام قرار گیرد.

25 - مسجد باید محل انس، وحدت و همدلی و مشارکت همه مسلمانان باشد. طبق آیه شریفه:

« إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ ».

«مسجد برای بهره برداری همه مردم ایجاد شده است».

بنابراین باید از انجام کارهایی که موجب اختلاف و سوءتفاهم می شود، همچنین اعمال سلیقه شخصی و استبداد به رأی در مسجد و عدم توجه به نظریات دیگران در انجام امور آن، برخوردار نشایست با جوانان و نوجوانان که به تدریج مردم و نسل نو را پراکنده و مسجد را خلوت می سازد، خودداری نمود.

26 - مساجد صدر اسلام در عرصه های مختلف زندگی مسلمانان، نقش برجسته ای ایفا می نمودند. با کمال تأسف هم اینک مسجد، تنها محل اقامه نماز جماعت آن هم برای تعداد محدودی و احیاناً برگزاری مراسم ختم مردگان شده است؛ پس لازم است کوشش نماییم همچون صدر اسلام، نقش مسجد در زندگی اجتماعی مردم به طور کمی و کیفی افزایش یابد و مراسم شاد نظیر جشن تکلیف، مراسم تحویل سال و اعطای جوایز مسابقات ورزشی نیز در مسجد برگزار شود. علاوه بر آن با کمال تأسف درب برخی از مساجد فقط هنگام نماز باز می گردد و پس از نماز بلافاصله بسته می شود. باید سعی نمود، ساعات باز بودن درب مسجد و حضور فعالانه مردم و جوانان در آن به طور چشمگیری افزایش یابد. زیرا تهاجم فرهنگی دشمن جدی است و حفظ ارزش های معنوی و بقای نظام مقدس جمهوری اسلامی در گرو ارتباط نسل جدید با مسجد و فرهنگ ناب اسلامی محمدی صلی الله علیه و آله وسلم است.

27 - از بلندگوی بیرونی مسجد، فقط اذان پخش گردد و از پخش مراسم اقامه نماز جماعت، دعا، سخنرانی به طور جدی اجتناب گردد. زیرا پخش مراسم فوق از بلندگوی بیرونی نه تنها سودمند نیست، بلکه موجب اذیت همسایگان و ناراحتی آنان می گردد و در نتیجه حرام و از گناهان کبیره محسوب می گردد. (1)

قرآن کریم در کنار عبادت ما را به احسان نسبت به همسایگان فراخوانده و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: هر کس همسایه خود را بیازارد خداوند بوی بهشت را

ص: 265

بر او حرام می‌نماید و جایگاه چنین کسی جهنم است و جهنم بد جایگاهی است و هرکس حق همسایه خود را ضایع نماید از ما (مسلمانان) نیست. (1) و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که همسایه خویش را بی‌آزارد ملعون است ملعون است. (2) برآستی چرا و با کدام مجوز شرعی و به چه انگیزه‌ای، برخی تا پاسی از شب گذشته، مراسم داخل مسجد را از بلندگوهای بیرون مسجد پخش می‌کنند؟

خداوندا به امامان جماعت مسجد، این پیشتانان عبادت و بندگی بیش از پیش توفیق کرامت فرما و تلاش صادقانه آنان را به لطف خویش به نیکوترین وجه قبول فرما!

ص: 266

1- . وسائل الشیعه، ج 8، ص 488 .

2- . همان .

- 1 - قرآن کریم.
- 2 - اخلاق در مدیریت، ال.تی. هس مر، ترجمه دکتر سید محمد اعرابی و داود ایزدی، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ دوم، تهران، 1382.
- 3 - ارشاد القلوب، ابی محمد الحسن بن ابی الحسن الدیلمی، اعلمی بیروت، چاپ چهارم، 1398 ه. ق.
- 4 - اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- 5 - اصول و مبانی مدیریت، مهدی شریعتمداری، انتشارات کوهسار، چاپ دوم 1385.
- 6 - الایضاح، جبرئیل ابن شاذان القمی.
- 7 - السنن الکبری، ابی بکر احمد بن الحسین بن علی البیهقی، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، 1414 ه. ق.
- 8 - المحاسن، ابی جعفر احمد بن محمد بن خالد البرقی، المجمع العالمی لاهل البیت، قم، چاپ اول.
- 9 - بحار الانوار، علامه محمد باقر المجلسی، دار احیاء التراث، بیروت، چاپ اول، 1412 ه. ق و چاپ افسست ایران.
- 10 - بسترسازی برای کار گروهی و کار تیمی، مترجم غلامحسین لک، رسا، چاپ اول 1383.
- 11 - بهداشت مسجد، محمد مهدی اصفهانی، ستاد اقامه نماز، چاپ دوم 1373.
- 12 - پانزده گفتار در مدیریت منابع انسانی، دیوید لی، ترجمه دکتر محمد علی اکبری، انتشارات گویش، چاپ اول 1385.

- 13 - توریهای مدیریت، دکتر کمال پرهیزگار، نشر دیدار و نشر دوران، چاپ ششم 1375 .
- 14 - تاریخ پیامبر اسلام، آیتی، محمد ابراهیم، انتشارات دانشگاه تهران، 1369، چاپ پنجم.
- 15 - تحف العقول، ابی محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، 1404 ه. ق .
- 16 - تعالی سازمانی، باب نورتون، ترجمه گروه کارشناسان ایران، انتشارات کیفیت و مدیریت، چاپ اول 1381.
- 17 - تفسیر عیاشی، ابی النضر محمد بن مسعود العیاشی، المکتبه العلمیه، تهران، چاپ اول، 1380 ه.ق.
- 18 - تفسیر قمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم بن هاشم القمی، مطبعه النجف الاشرف.
- 19 - تهذیب الاحکام، ابی جعفر محمد بن الحسن (شیخ طوسی)، دارالتعارف بیروت، چاپ اول.
- 20 - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، لبنان.
- 21 - جامع الاخبار، مکتبه المبین، اصفهان.
- 22 - جامع الصغیر، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالفکر بیروت.
- 23 - حدیث مسجد، سید رضا شاکری، حیدر محمدی، ستاد عالی فرهنگی هنری مساجد، چاپ اول زمستان 1381.
- 24 - خصال، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (شیخ صدوق)، مؤسسه الاعلمی بیروت، چاپ اول.
- 25 - دعائم الاسلام، ابی حنیفه نعمان بن محمد، دارالمعارف مصر، چاپ سوم.
- 26 - راهنمای سرپرستان، مترجم ایرج صفا، انتشارات انستیتو ایز ایران، چاپ اول 1385 .
- 27 - رساله توضیح المسائل، امام خمینی.
- 28 - رفتار سازمانی، رابینز، استیفن پی، ترجمه دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی، دفتر پژوهش های فرهنگی تهران، 1380 .
- 29 - روانشناسی تربیتی، دکتر علی شریعتمداری، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم 1369 .

30 - سازمان و مدیریت، فرزاد فحیمی، نشر هستان، چاپ اول 1379 .

31 - سنن ابن ماجه، ابی عبدالله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی، داراحیاء التراث، چاپ اول.

32 - صحیح بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، دارالفکر، 1401 .

33 - صحیح مسلم، ابی الحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری، دارالحديث قاهره، چاپ اول.

34 - عوالی اللئالی، محمد بن علی بن ابراهیم احسانی، مطبعه سیدالشهداء، قم، چاپ اول، 1403 ه. ق.

35 - غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد آمدی، ترجمه محمدعلی انصاری قمی، دارالکتاب.

36 - فروع کافی، محمد بن یعقوب الكلینی.

37 - فصلنامه توسعه تکنولوژی، سال سوم، شماره نهم، زمستان 1384، مقاله بررسی عوامل موثر و ابعاد مختلف قصار الجمل فی العقائد و الاخلاق، علی مشکینی اردبیلی.

38 - کنز العمال، علاءالدین علی الممتقی بن حسام الدین الهندی، مکتبه التراث الاسلامی، بیروت، چاپ اول.

39 - گناهان کبیره، عبدالحسین دستغیب، انتشارات جهان، چاپ ششم.

40 - مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، علی کاظمی، نیل آب، چاپ اول 1381 .

41 - مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین علی بن ابی بکر الهیثمی، دارالکتاب.

42 - مجموعه الاخبار.

43 - مدیریت استراتژیک، فرد آر. دیوید، دکتر وجه الله

قربانی زاده، بازتاب، چاپ دوم 1385 .

44 - مدیریت استراتژیک منابع انسانی، مایکل آر مسترانگ، دکتر سید محمد اعرابی و داود ایزدی، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ دوم 1384 .

45 - مدیریت اسلامی، محمد حسن نبوی، موسسه بوستان کتاب، چاپ دهم 1385 .

46 - مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت دولتی. تهران، بی تا.

47 - مدیریت رفتار سازمانی، علی رضائیان، انتشارات علم و ادب، تهران، 1379 .

48 - مدیریت زمان، روبرتا روش، ترجمه مژده شیرازی منش، امیر حسین فهیمی، حسام شهریاری، سید حسین اصولی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، 1382 .

ص: 269

- 49 - مدیریت عمومی، دکتر سید مهدی الوانی، نشر نی، چاپ دهم 1376 .
- 50 - مدیریت فراملیتی و جهانی، شمس السادات زاهدی، انتشارات سمت، تهران، 1379 .
- 51 - مدیریت منابع انسانی، گراهام ویلکاکس، استیو موریس، ترجمه گروه کارشناسان ایران، انتشارات کیفیت و مدیریت، چاپ اول 1381 .
- 52 - مدیریت و اداره امور دولتی در اسلام، محمد عبدالله ال بورایی، مترجمان دکتر عبدالله جاسبی، دکتر هاشم نیکومرام، محمد رضا ربیعی مندجین، فروغ رستمیان، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول 1380 .
- 53 - مدیریت و فرماندهی، ابوالقاسم اقبالیان.
- 54 - مستدرک، حاج میرزا حسین نوری، مؤسسه آل البیت قم، چاپ اول.
- 55 - معانی الاخبار، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، قم، چاپ اول.
- 56 - مکارم الاخلاق، ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- 57 - مناقب امیرالمؤمنین، محمد بن سلیمان الکوفی.
- 58 - منطق صوری، دکتر محمد خوانساری، دانشگاه تهران.
- 59 - میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- 60 - نظریه های سازمان و مدیریت، داوود مدنی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، 1380 .
- 61 - نگرشی تحلیلی بر مبانی مدیریت اسلامی، غلامرضا چینی فروش، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول 1383 .
- 62 - نهج البلاغه، صبحی صالح، مرکز بررسی های اسلامی.
- 63 - نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان.
- 64 - وسایل الشیعه، شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی، آل البیت قم، چاپ اول، 1409 ه.ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

